



قانون اساسی جمهوری فدرال ایران

نسخه: ۳.۰.۰

وضعیت: پیشنویس برای انتشار عمومی

تألیف و انتشار

انجمن ایران برای همه

فروردین ۱۴۰۵، مارچ ۲۰۲۶



www.iran4all.org



info@iran4all.org



[iran4all_org](https://twitter.com/iran4all_org)



[iran4all_org](https://www.instagram.com/iran4all_org)



[iran4all_org](https://www.facebook.com/iran4all_org)



[iran4all_org](https://www.t.me/iran4all_org)

تقديم به:

جانباختگان راه آزادی

فهرست مطالب

۱	فصل ۱: قانون اساسی
۴	فصل ۲: کشور
۸	فصل ۳: حکومت
۱۴	فصل ۴: سطوح حکومت
۲۲	فصل ۵: نهاد قانونگذاری
۲۸	فصل ۶: نهاد اجرایی
۳۱	فصل ۷: نهاد دادگستری
۳۸	فصل ۸: حقوق شهروندان
۴۸	فصل ۹: خانواده
۵۲	فصل ۱۰: آموزش
۵۴	فصل ۱۱: سلامت
۵۵	فصل ۱۲: تابعیت
۵۸	فصل ۱۳: مالکیت
۶۱	فصل ۱۴: اقتصاد
۷۰	فصل ۱۵: کار
۷۴	فصل ۱۶: خدمات اجتماعی
۷۶	فصل ۱۷: نیروهای مسلح
۸۲	فصل ۱۸: انتخابات
۸۵	فصل ۱۹: روابط خارجی
۸۶	فصل ۲۰: امنیت
۸۷	فصل ۲۱: طبیعت، محیط زیست و حیوانات
۸۹	پیوست‌ها

مقدمه

زندگی کرامتمند و مسالمت‌آمیز در جامعه‌ای که از تنوع گسترده افکار، ادیان، جهان‌بینی‌ها، اهداف، ابزارها، سبک‌های زندگی و سنت‌های فرهنگی و اجتماعی برخوردار است، مستلزم وجود نظام حکمرانی مبتنی بر دموکراسی، تکررگرایی، عدم تمرکز، پویایی و قابلیت تطبیق با تغییرات اجتماعی است. مرجع مشروعیت هر حکومت صرفاً اراده آزاد مردم است و هیچ ساختار یا ارزش ثابتی نمی‌تولند جایگزین این مرجعیت گردد. در چنین نظامی، حکومت نه مقدس است و نه موروثی؛ تصمیم‌گیری درباره امور عمومی، حق مسلم زندگان است که با توجه به نیازهای عصر و با نگاه به آینده، برای خود و نسل‌های بعد تصمیم می‌گیرند. این تصمیمات همواره قابل بازنگری و اصلاح هستند و آیندگان می‌توانند بر اساس ارزش‌ها و شرایط زمان خود، با بهره‌گیری از ابزارهای دموکراتیک، نسبت به اصلاح، تغییر یا تدوین قوانین و سیاست‌ها اقدام نمایند. بر همین اساس، این سند با اجتناب از تکیه بر نظام‌های حکومتی دینی، ایدئولوژیک، موروثی، سلسله‌مراتبی و متمرکز، الگویی از حکمرانی را پیشنهاد می‌کند که به حداکثر تنوع و تکرر اتنیکی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی موجود در کشور احترام نهاده و برای تمامی کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی راه‌حلی مبتنی بر مشارکت و سازوکارهای دموکراتیک ارائه می‌کند؛ الگویی که پویایی و انعطاف‌پذیری حقوقی و ساختاری را تضمین نموده و امکان تحقق عدالت، برابری و آزادی را برای همه شهروندان فراهم آورد.

قانون اساسی هر کشور نه تنها بیانگر اهداف و آرمان‌های شهروندان آن کشور است، بلکه مسیر تحقق این اهداف و چارچوب الزامات و قواعد حاکم بر آن را نیز تبیین می‌کند. این اهداف باید روشن، قابل فهم و دسترس عموم مردم بوده و از پیچیدگی‌های فلسفی یا سطحی‌نگری افراطی دوری کنند؛ به گونه‌ای که نه در انحصار تفاسیر طبقه‌ای خاص باشند و نه آنچنان کلی و مبهم باشند که برای تحقق یا اصلاح‌شان، نیازمند قوانین مکمل متعدد و مکرر باشند.

درک صحیح اهداف و آرمان‌های هر ملت مستلزم توجه به واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی گذشته و حال آن جامعه است؛ اما اتکای صرف به وضع موجود و محدود کردن قانون‌گذاری به حل مشکلات فعلی، منجر به ایستایی و انفعال اجتماعی می‌شود و ظرفیت توسعه و پیشرفت را از میان می‌برد. لذا لازم است در کنار شناخت واقعیت‌ها، مجموعه‌ای از اصول شفاف، بنیادین و مبتنی بر اجماع ملی (هم‌راستا با تجربه‌ها موفق و اسناد بین‌المللی) به عنوان مبنای ساماندهی رفتارها، اعمال، قوانین و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد پذیرش قرار گیرد.

این سند تلاشی است در راستای تدوین قانون اساسی‌ای جامع، انسان‌محور، آزادی‌خواه، برابری‌خواه، توسعه‌گرا و پیشرو برای ایران، که با تکیه بر اصول دموکراتیک، احترام به تنوع، رعایت حقوق بشر و تضمین آزادی و عدالت برای همه شهروندان، راه را برای حکمرانی مطلوب و توسعه پایدار هموار سازد.

فصل ۱: قانون اساسی

۱-۱: موقعیت قانون اساسی

قانون اساسی، عالی‌ترین و بنیادی‌ترین سند حقوقی کشور است که معیار اعتبار و سنجش تمامی قوانین، مقررات، تصمیم‌ها و اقدامات عمومی به‌شمار می‌رود و هیچ قانون، آیین‌نامه یا اقدامی نباید با مفاد آن در تعارض یا تناقض باشد.

۱-۲: حقوق بنیادین

کرامت انسانی، حق تعیین سرنوشت، دموکراسی، سکولاریسم، حقوق بشر، تفکیک قوا، ممنوعیت حکومت فردی، موروثی یا دائمی، برابری و تقسیم و توزیع قدرت، حقوق بنیادین همه مردم کشور هستند.

۱-۳: حق تعیین سرنوشت

- مشروعیت این قانون مبتنی بر تأیید مردم کشور در یک همه‌پرسی آزاد است.
- مردم حق دارند آزادانه و در چارچوب این قانون اساسی، وضعیت سیاسی خود را تعیین و توسعه همه‌جانبه خود را پیگیری کنند.
- تمامی نهادها و ساختارهای حکومتی و روابط بین واحدهای آن بر اصل حق تعیین سرنوشت مردم و بر تحقق اراده آزاد و دموکراتیک آنان استوار است.
- هیچ نهاد، مقام یا قدرتی نمی‌تواند این حق را سلب یا محدود کند.

۱-۴: حفاظت از قانون اساسی

- هیچ اصلاحیه یا قانونی، حتی متمم قانون اساسی، نمی‌تواند یک یا تعدادی از حقوق بنیادین قانون اساسی را لغو یا نقض کند. چنین قوانینی حتی در صورت تصویب در مجلس یا همه‌پرسی، توسط دادگاه قانون اساسی بلااثر اعلام می‌شوند.
- هیچ اصلاحیه یا قانونی حتی متمم قانون اساسی نمی‌تواند منجر به تمرکز قدرت در یک فرد، گروه، نهاد، قوه یا منطقه جغرافیایی شود. چنین قوانینی حتی در صورت تصویب در مجلس یا همه‌پرسی، توسط دادگاه قانون اساسی بلااثر اعلام می‌شوند.
- هیچ اصلاحیه یا قانونی حتی متمم قانون اساسی نمی‌تواند منجر به حکومت فردی، موروثی یا دائمی شود. چنین قوانینی حتی در صورت تصویب در مجلس یا همه‌پرسی، توسط دادگاه قانون اساسی بلااثر اعلام می‌شوند.

۱-۵: تفسیر قانون اساسی

تفسیر قانون اساسی منحصرأ در صلاحیت دادگاه قانون اساسی است که با دریافت دادخواست از هر شخص حقیقی یا حقوقی، از طریق دادگاه‌های عادی، تشکیل جلسه داده و نسبت به بررسی موضوع و صدور تفسیر یا رای رسمی اقدام می‌کند. تفسیر یا رای صادره نباید به گونه‌ای باشد که موجب نقض حقوق بنیادین کشور یا حقوق مصرح در قانون اساسی ایالت‌ها گردد.

۱-۶: آزادی قانونی مردم

هرگاه در مورد مسئله‌ای قانون وجود نداشته باشد، اشخاص در آن زمینه آزادند و نمی‌توان به صرف نارضایتی دیگران، شخصی را محدود کرده، متهم یا مجرم شناخت.

۱-۷: تجدید پیمان

- ۱) اعتبار هیچ پیمانی نمی‌تواند بیش از ۲۵ سال باشد.
- ۲) پیمان‌ها با طور خودکار تمدید نمی‌شوند.
- ۳) قانون اساسی هم، حتی در صورت عدم تغییر، هر ۲۵ سال یکبار به همه‌پرسی مجدد مردم گذاشته می‌شود.

۱-۸: رویه اصلاح قانون اساسی

- ۱) به پیشنهاد هر یک از قوای سه‌گانه یا مجلس‌های دو سوم ایالت‌های کشور و با موافقت دو سوم نمایندگان مجلس فدرال، پیشنهاد اصلاح قانون اساسی در دستور کار مجلس فدرال قرار خواهد گرفت.
- ۲) مجلس فدرال در فاصله زمانی کمتر از شش ماه، اصلاحاتی را برای قانون اساسی پیشنهاد خواهد داد. این اصلاحات در صورت تصویب شهروندان از طریق همه‌پرسی مستقیم، به عنوان متمم اعمال می‌شود. طول زمان اصلاح قانون اساسی از ارائه رسمی اصلاحات پیشنهادی به مجلس فدرال تا تصویب آن نمی‌تواند کمتر از یک سال باشد.

۱-۹: شفافیت و مشارکت عمومی

هرگونه فرایند اصلاح قانون اساسی باید با اطلاع‌رسانی کامل به عموم مردم و فرصت کافی برای بحث عمومی و نقد آزادانه همراه باشد. برگزاری جلسات علنی، انتشار پیش‌نویس اصلاحات و ایجاد بسترهای مشارکت عمومی (از جمله دریافت نظرات مکتوب و شفاهی مردم) الزامی است.

۱- ۱۰: همه‌پرسی غیر الزام‌آور

در هر سطح از سطوح حاکمیتی و مدیریتی، می‌توان با درخواست حداقل یک دهم نمایندگان یا درخواست دست کم ۱۰ درصد واجدان رأی در حوزه مورد نظر، همه‌پرسی غیر الزام‌آور برگزار کرد. نتیجه این همه‌پرسی برای قوای کشور الزام‌آور نبوده اما موظفند دلایل رد یا پذیرش خواست عمومی را به صورت علنی و مستدل اعلام کنند.

۱- ۱۱: یکپارچگی قانون اساسی

هر قانون مصوب یا اقدام اجرایی باید با کلیت قانون اساسی، به‌عنوان یک نظام حقوقی یکپارچه و هماهنگ، سازگار بوده و در تناقض با هیچ‌یک از اصول آن نباشد. سازگاری با برخی از اصول قانون اساسی مجوز نقض برخی دیگر از اصول آن نیست.

فصل ۲: کشور

۲-۱: نام کشور

- نام کشور ایران است، بدون پیشوند و پسوند.
- در اسناد رسمی، می‌توان سیستم حکومتی را به عنوان پیشوند درج کرد.

۲-۲: حریم کشور

حریم کشور یکپارچه و مطابق پیوست ۲ معین است و تمامیت آن تضمین می‌شود و دارای سه جزء فیزیکی، مجازی و تاریخی به شرح زیر است:

- جزء فیزیکی:
 - زیر، سطح و روی زمین محصور در مرز زمینی، هوایی و دریایی کشور.
 - کلیه سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های کشور در دیگر کشورها و کلیه اموال دولتی، عمومی و ملی کشور در هر نقطه از جهان.
 - کلیه وسایل و تجهیزات ثابت و متحرک در هر کجای هستی و تا هر زمان، حتی پس از بین رفتن، مادامی که حامل پرچم کشور هستند.
- جزء مجازی:
 - کلیه دارایی‌های قراردادی شامل سهمیه‌های کشور از آب‌های بین‌المللی، فضا، مدارهای ماهواره‌ای و مشابه آن.
 - کلیه دارایی‌های مجازی شامل نام‌های دامنه، وب‌سایت‌ها و برنامه‌های کاربردی، سرویس‌دهنده‌های خدمات اینترنتی و کلیه تجهیزات نقل و انتقال اطلاعات و عامل‌های هوشمند.
- جزء تاریخی:
 - کلیه اماکن فرهنگی و تاریخی تحت مالکیت کشور که در خارج از مرزهای فیزیکی کشور قرار دارند.

۲-۳: حکومت قانون

در کل حریم کشور و در تمامی موارد و مسائل، منحصراً این قانون اساسی و قوانینی که از آن منتج شده‌اند، حکمفرماست.

۲-۴: تغییر در حریم کشور

- ۱) هیچ تصمیمی درباره کاهش دائمی جبران نشده‌ی حریم کشور به طور یکطرفه یا ناشی از اشغال مشروعیت ندارد. تصویب قانون، برگزاری رفراندوم یا اصلاح قانون اساسی برای پذیرش اشغال یا کاهش دائمی حریم فیزیکی کشور ممنوع و بی اعتبار است.
- ۲) افزایش حریم کشور از طریق توافق دوجانبه و بدون معاوضه با عناصر فیزیکی حریم (خاک، آب و آسمان و فضا) قابل انجام است.
- ۳) معاوضه کردن مسالمت‌آمیز زمین و آب مرزی تا مساحت ۱۰ کیلومتر مربع با هر کشور همسایه و فقط یک بار (به ازای هر کشور همسایه) به منظور رفع مشکلات فی‌مابین، با موافقت مجلس (های) ایالتی حاکم بر ناحیه (های) مورد معاوضه و تصویب مجلس فدرال مجاز است. مناطق از دست رفته، نباید از نظر نظامی استراتژیک باشند و نیز نباید از نظر منابع و ارزش اقتصادی کمتر از مناطق به دست آمده باشند. علاوه بر این نباید دارای ارزش فرهنگی و تاریخی باشند یا منجر به کوچ اجباری بیش از ۵۰۰ نفر شوند.

۲-۵: زبان و خط رسمی

- ۱) زبان و رسم الخط هر ایالت از طریق همه‌پرسی ایالتی تعیین می‌شود و در امور رسمی آن ایالت رسمیت دارد.
- ۲) کلیه زبان‌هایی که در دست کم یک ایالت به‌عنوان زبان رسمی به تصویب رسیده‌اند، زبان‌های رسمی محسوب می‌شوند و می‌توانند در اسناد، خدمات، مکاتبات فدرال و ارتباطات میان ایالت‌ها مورد استفاده قرار گیرند.
- ۳) نهاد قانونگذاری فدرال موظف است با رعایت اصول برابری عملکردی، سهولت ارتباط و نیازهای اجرایی، یک زبان مشترک فدرال برای مکاتبات داخلی، خدمات سراسری و قوانین عمومی تعیین کند. این زبان از میان زبان‌های رسمی با رأی دو سوم مجلسین فدرال انتخاب می‌شود.
- ۴) حکومت فدرال موظف است از طریق تاسیس و حمایت از نهاد عدالت زبانی، برابری فرصت‌ها در آموزش، استخدام، تولید دانش و خدمات عمومی را میان زبان‌های رسمی تضمین کند.

۲-۶: حقوق فرهنگی و زبانی

- جوامع و گروه‌های زبانی کشور حق دارند:
- ۱) زبان و فرهنگ خود را حفظ کرده و توسعه دهند.
 - ۲) به زبان مادری خود آموزش ببینند.
 - ۳) رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی خود را ایجاد کنند.
- حکومت باید از این حقوق حمایت همه‌جانبه کند. این حقوق نباید موجب تبعیض یا محدودیت در حقوق دیگر شهروندان شود.

۲-۷: تقویم (گاهشمار)

- ۱) کشور دارای یک تقویم فدرال بر مبنای سیستم تقویمی خورشیدی است.

- ۲) ایالت‌ها می‌توانند در کنار تقویم فدرال از تقویم‌های دیگر نیز استفاده کنند به شرطی که تقویم‌های مربوطه امکان تبدیل از/ به تقویم فدرال را با استفاده از یک روش محاسباتی استاندارد داشته باشند.
- ۳) مبنای تقویم، نام عناصر تقویمی چون ماه‌ها و روزها توسط نهاد استاندارد تعیین و توسط مجلسین فدرال تصویب می‌شود.

۲-۸: تعطیلات

- تعطیلات ملی یا ایالتی پس از پیشنهاد توسط نهاد استاندارد و تصویب در مجلس فدرال یا مجالس ایالتی رسمی بوده و در تقویم فدرال و ایالتی قرار گرفته و اجرا می‌شوند.
- ۱) مجموع تعطیلات موثر هیچ نقطه‌ای از کشور نمی‌تواند از ۱۱ روز بیشتر باشد.
 - ۲) روزهای تعطیل ادیان و عقاید مختلف باید به تایید نهاد استاندارد رسیده و در تقویم فدرال و ایالتی درج شده باشد. مجموع روزهای تعطیل هیچ عقیده‌ای نمی‌تواند بیش از ۱۰ روز باشد. ثبت این ایام در تقویم رسمی صرفاً جهت تسهیل برنامه‌ریزی فردی و شناسایی حقوق مذهبی شهروندان است و به منزله تعطیلی عمومی یا تعطیلی سراسری کشور تلقی نمی‌شود.
 - ۳) کشور، نهادهای دولتی و خدمات عمومی به دلیل مناسبت‌های دینی یا مذهبی تعطیل یا متوقف نمی‌شوند. کلیه نهادهای دولتی، عمومی و ارائه‌دهندگان خدمات اساسی موظفاند تدابیر لازم برای استمرار خدمت‌رسانی را در تمامی ایام سال — حتی در ایام تعطیل ملی، ایالتی یا دینی — اتخاذ کنند و هرگونه توقف یا تعطیلی کلی ممنوع است.
 - ۴) پیروان ادیان و باورهای مختلف، در صورت شاغل بودن، حق دارند در ایام خاص مذهبی خود، طبق سقف مقرر و با رعایت فرایند قانونی، از مرخصی ویژه استفاده کنند. اعطای این مرخصی مشروط به تعیین جایگزین و تضمین استمرار خدمات است و نباید منجر به اختلال در خدمات عمومی یا محرومیت دیگر کارکنان از حقوق قانونی‌شان گردد. سازوکار جایگزینی باید توسط کارفرما پیش از موافقت با مرخصی اجرا شود. مرخصی‌های دینی استفاده شده توسط کارکنان از سهمیه مرخصی‌های سالانه ایشان کسر می‌شود.
 - ۵) نهادهای حکومتی و کارفرمایان حکومتی و غیرحکومتی نمی‌توانند در این زمینه نسبت به پیروان عقاید مختلف از طریق ارفاق یا ایجاد محدودیت تبعیض قائل شوند.
 - ۶) هیچ فردی نمی‌تواند سالانه بیش از ۱۵ بار یا روز (هر کدام که کمتر باشد) مرخصی عقیدتی استفاده کند.
 - ۷) ایالت‌ها می‌توانند روزهای تعطیل در سطح ایالت داشته باشند. تعطیلات اعمال شده بر شاغلین بر مبنای محل خدمتشان تعیین می‌شوند نه محل سکونتشان. در صورت داشتن بیش از یک شغل، شغلی که بیشترین زمان فرد به آن اختصاص دارد، شغل اصلی تلقی شده و محل انجام آن، مبنای اعمال تعطیلات خواهد بود.

۲-۹: زبان تبادل اطلاعات

- ۱) تبادل اطلاعات، شامل گفتار و نوشتار از طریق هر رسانه‌ای، بین ایالت‌ها و نیز بین ایالت‌ها و حکومت فدرال با استفاده از زبان، رسم الخط و تقویم فدرال انجام می‌شود. ارتباطات بین ایالتی فقط به زبان، رسم الخط و تقویم فدرال انجام می‌شود.
- ۲) ایالت‌هایی که یک زبان رسمی مشترک دارند می‌توانند در صورت موافقت مجلس فدرال با آن زبان ارتباط برقرار نمایند. هزینه ترجمه چنین ارتباطاتی برای ارائه به مراجع فدرال یا دادگاه‌ها، به عهده تولیدکننده محتوا است.

۲-۱۰: پرچم فدرال

پرچم فدرال از سه نوار افقی هم عرض که به ترتیب از بالا به پایین به رنگ‌های سبز، سفید و قرمز هستند تشکیل شده است. ارتفاع پرچم به اندازه سه چهارم طول آن است. کد دقیق رنگ نوارها در پیوست ۳ می‌آید.

۲-۱۱: پرچم ایالتی

- (۱) ایالت‌ها می‌توانند از طریق تصویب در مجلس ایالتی پرچم خاص خود را داشته باشند.
- (۲) در کلیه اماکن حکومتی چنانچه پرچم ایالتی برافراشته شود، پرچم فدرال نیز باید پیش از آن، با اندازه‌ای برابر یا بزرگ‌تر و در موقعیتی بلندتر (دست‌کم معادل یک نوار پرچم فدرال) نصب گردد. حذف یا پوشاندن پرچم فدرال در هیچ شرایطی مجاز نیست.

۲-۱۲: ثبت و نظارت بر پرچم‌های ایالتی

- (۱) پرچم‌های ایالتی باید در وزارت کشور به ثبت برسند.
- (۲) وزارت کشور در صورت وجود هریک از موارد زیر میتواند از ثبت پرچم خودداری کند:
 ۱. شباهت گمراه‌کننده با پرچم دیگر ایالت‌ها یا پرچم کشورهای خارجی.
 ۲. وجود محتوای نفرت‌افکن، تفرقه‌افکن، تبعیض‌آمیز یا مغایر با اصول قانون اساسی.
 ۳. وجود نماد یک گروه، حزب یا فرقه خاص.
- (۳) در صورت عدم ثبت، وزارت کشور موظف است ظرف ۳۰ روز دلایل را به ایالت اعلام و پیشنهاد اصلاح ارائه دهد.
- (۴) اختلاف قانونی در این زمینه، در دادگاه فدرال قابل بررسی است.
- (۵) استفاده از پرچم ثبت‌نشده ایالتی در اماکن حکومتی رسمی ممنوع است.

فصل ۳: حکومت

۳-۱: سرچشمه قدرت

مردم کشور سرچشمه انحصاری قدرت هستند و آن را از طریق انتخابات و همه‌پرسی‌ها و در سازگاری با قانون اساسی و از طریق تفویض به ارکان حکومت، اعمال می‌کنند.

۳-۲: سیستم حکومتی

سیستم حکومتی کشور، جمهوری ریاستی دموکراتیک فدرال است.

۳-۳: تقسیم و توزیع قدرت

- ۱) عوامل قدرت به صورت زیر است:
 ۱. سیاسی: امور سیاسی و سیاست‌گذاری، اجرایی، نظارتی، قضایی، نظامی، بین‌الملل،
 ۲. مدیریتی: امور اداری، نهادها، آموزش، بهداشت، نیروی کار، امور اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی،
 ۳. مالی: شامل دارایی، بدهی، درآمد، ثروت، هزینه، بودجه، وام، منابع، فناوری، ابزار و صنعت.
- ۲) توزیع قدرت و عوامل آن میان سطوح مختلف حکومت باید بر اساس ترکیبی از معیارهای جمعیت، وسعت جغرافیایی، سهم اقتصادی، سطح توسعه، وضعیت محیط زیست، نیازهای خاص و حقوق اقلیت‌ها صورت گیرد.
- ۳) در صورت بروز اختلاف، کمیسیون مشترک مجلس‌های فدرال-ایالتی و در صورت عدم توافق، دادگاه فدرال، مرجع داوری و تصمیم‌گیری خواهد بود. کمیسیون مشترک حل اختلاف باید متوازن، دموکراتیک و با حضور برابر نمایندگان منتخب طرف‌های اختلاف تشکیل شود.
- ۴) توزیع عوامل قدرت باید به نحوی صورت گیرد که هیچ گروه، نهاد یا سطحی از حکومت، قدرت را به صورت انحصاری یا متمرکز در اختیار نگیرد و توازن واقعی قدرت حفظ شود. هیچ واحد یا گروهی نباید صرفاً به دلیل یک معیار منفرد، سلطه یا محرومیت یابد.
- ۵) کلیه عوامل قدرت در همه مراحل تدوین، تصویب، اعمال و ارزیابی، به صورت نظام‌مند، متناسب و دموکراتیک بین نهادهای قدرت تقسیم می‌شوند. این نهادها، شامل قوه قانونگذاری، مجریه، قضائیه، نظامی، امنیتی، انتظامی، مردم نهاد و عمومی است. سهمیه‌بندی قدرت ممنوع است.
- ۶) کلیه عوامل و ابعاد قدرت به صورت نظام‌مند، متناسب و دموکراتیک بین حکومت‌های ایالتی توزیع می‌شود. در هر ایالت، عوامل و ابعاد تعیین شده‌ی قدرت به صورت نظام‌مند، متناسب و دموکراتیک بین

حکومت ایالتی و مدیریت‌های شهری تحت پوشش ایالت توزیع می‌شود. در هر شهر، عوامل و ابعاد تعیین شده‌ی قدرت به صورت نظام‌مند، متناسب و دموکراتیک بین مدیریت شهری و مدیریت‌های روستایی تحت پوشش شهر توزیع می‌شود.

- ۷) هیچ سطحی از حکومت مجاز به مداخله غیرقانونی در صلاحیت‌های تفویض شده به سطوح پایین‌تر نیست.
- ۸) شاخص‌ها و فرمول‌های اجرایی توزیع، به موجب قانون و با مشارکت نمایندگان ذینفع تعیین و هر ۵ سال بازنگری و به اطلاع عموم می‌رسد. تمامی مصوبات و اسناد مربوط به نحوه توزیع، انتقال یا اعمال قدرت میان نهادها و سطوح مختلف حکومتی باید به صورت عمومی منتشر شده و در دسترس عموم مردم قرار گیرد. هر گونه تغییر در حدود صلاحیت‌ها، تنها با مصوبه رسمی نهاد قانونگذاری مربوطه و اعلام عمومی در رسانه رسمی معتبر است.

۳-۴: استقلال حکومت و نهادهای عقیدتی از یکدیگر

- ۱) اصول و مقررات عقیدتی افراد و گروه‌های مذهبی، خصوصی قلمداد می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌های حکومت یا جهت‌دهی به افکار عمومی برای مداخله و کسب قدرت، دخالت داشته باشد.
- ۲) حکومت نمی‌تواند به نفع یا ضرر هیچ گروه عقیدتی، اقدامی صورت دهد.

۳-۵: مبدأ مشروعیت مقامات

مشروعیت تمامی مقامات حکومتی، اعم از اجرایی، تقنینی، قضائی یا نظارتی، باید به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق نهادهای انتخابی تعریف شده در قانون اساسی تأمین شود. هیچ مقامی، فارغ از نوع وظایف یا جایگاه، بدون پیوند حقوقی با اراده عمومی از مسیر انتخابات نمی‌تواند صاحب مشروعیت قانونی تلقی گردد.

۳-۶: ارکان حکومت

- ارکان حکومت در دو سطح حاکمیتی فدرال و ایالتی و دو سطح مدیریتی شهر و روستا محقق می‌شود.
- ۱) سطح فدرال: شامل نهادهای مستقل و مجزای قانونگذاری، مجریه و قضائیه و نیز ارتش، شهربانی فدرال و نهادهای عمومی فدرال است.
 - ۲) سطح ایالتی: شامل نهادهای مستقل و مجزای قانونگذاری، مجریه و قضائیه، شهربانی ایالتی و نهادهای عمومی ایالتی است.
 - ۳) سطح شهری: شامل نهادهای مستقل و مجزای شورای شهر، شهرداری و نهادهای عمومی شهری است.
 - ۴) سطح روستایی: شامل نهادهای مستقل و مجزای شورای روستا، دهرداری و نهادهای عمومی روستا است.
- کلیه ارکان حکومتی در هر سطح، تابع اصول و احکام قانون اساسی کشور، قوانین مصوب نهاد قانونگذاری بالادست و همچنین مقررات مصوب نهاد قانونگذاری همسطح هستند.

۳-۷: نحوه برگزیده شدن مقامات

- ۱) بالاترین مقام اجرایی و نمایندگان مجالس و شوراها در هر چهار سطح ارکان حکومت از طریق فرآیندهای دموکراتیک به شرح قوانین این سند و قوانین موضوعه تعیین و نصب می‌شوند.

۲) بالاترین مقام‌های نهادهایی که تصمیمات آنها بر زندگی بخش وسیعی از مردم تاثیر می‌گذارد، باید یا بر اساس رویه‌های تعیین شده در قانون اساسی، قوانین عادی یا به پیشنهاد بالاترین مقام قوه‌ای که نهاد مربوطه تحت اداره آن است همراه با تصویب نهاد قانونگذاری برگزیده شوند. از جمله چنین مقاماتی، فرمانده ارتش و نیروهای سه گانه آن، فرمانده شهربانی فدرال، رئیس نهاد محیط زیست، رئیس نهاد استاندارد و رؤسای رسانه‌های جمعی حکومتی هستند.

۳-۸: رسانه جمعی برای ارکان حکومت

- ۱) هر یک از ارکان حکومت در هر سطح، باید دارای یک رسانه غیرانتفاعی، عمومی و رسمی باشند که از طریق آن فعالیت‌ها و تصمیمات خود را به‌طور شفاف، بی‌طرف و به‌موقع به اطلاع عموم مردم منطقه تحت حاکمیت خود برساند.
- ۲) زبان انتشار این رسانه‌ها در سطح ایالتی، دست‌کم به زبان رسمی ایالت و زبان فدرال و در سطح فدرال، به تمامی زبان‌های رسمی کشور ارائه می‌شود.
- ۳) مدیریت این رسانه‌ها توسط هیئت‌امنایی مستقل با ترکیبی از نمایندگان ارکان ذیربط و نمایندگان نهادهای مدنی، رسانه‌ای و دانشگاهی اداره می‌شود. این هیأت امناء به تأیید نهاد قانون‌گذاری هم‌سطح می‌رسد.
- ۴) استفاده از این رسانه‌های رسمی برای تبلیغات حزبی یا انتخاباتی ممنوع است.
- ۵) سازوکار نظارت عمومی و حقوقی بر عملکرد رسانه‌های رسمی به موجب قانون مشخص می‌شود.
- ۶) کلیه‌ی انتشارات رسانه‌های رسمی، مستند قانونی محسوب می‌شوند.

۳-۹: ممنوعیت دریافت از خارجیان

هیچ‌یک از مقامات، کارگزاران و کارکنان حکومت در هیچ سطحی، در دوران تصدی خود مجاز به دریافت هرگونه حقوق، مقرری، هدیه، نشان، عنوان افتخاری، درجه نظامی، یا هر نوع مزیت مادی یا معنوی از اشخاص، نهادها یا دولت‌های خارجی نیستند. همچنین، پذیرش تابعیت دوم، ولو به صورت افتخاری یا نمادین، در دوره‌ی خدمت ممنوع است و موجب سلب صلاحیت فوری خواهد بود.

۳-۱۰: حدود مصونیت کارگزاران و نهادهای حکومتی

کارگزاران، کارکنان و نهادهای حکومتی، نیز وابستگان رسمی دولت‌های خارجی وابستگان آنها تنها در محدوده‌ی وظایف رسمی در مکان و زمان تعیین شده برای انجام وظیفه و در حین انجام وظیفه، صرفاً نسبت به آثار غیر عمدی ناشی از اجرای وظایف قانونی خود مصونیت دارند. این مصونیت مانع از شکایت آسیب دیدگان یا مانع از دریافت خسارت و جبران آسیب نمی‌شود. حدود و سازوکارهای رسیدگی به این موارد در قوانین عادی مشخص می‌شود.

۳-۱۱: مجازات‌های تکمیلی برای کارگزاران حکومتی

هر کارگزار حکومت که با حکم قطعی دادگاه، به ارتکاب جرم‌هایی چون خیانت، تجاوز جنسی، ارتشاء، اختلاس، سوءاستفاده از قدرت، یا سایر جرایم شدید و مؤثر بر اعتماد عمومی محکوم شود، علاوه بر تحمل مجازات قانونی مربوطه، به‌صورت دائمی

از تصدی هرگونه مقام، مسئولیت، یا سمت در ارکان حکومتی محروم خواهد شد. مصادیق این جرایم توسط نهاد قانونگذاری فدرال تعیین می‌شود.

۳-۱۲: محل زندگی کارگزاران حکومت

کارگزاران حکومت فدرال و خانواده درجه یک آنها، باید در پایتخت یا محل خدمت رسمی تعیین‌شده توسط قانون و کارگزاران ایالتی و خانواده مستقیم آنها باید در ایالت مربوطه ساکن باشند.

۳-۱۳: محل سکونت مقامات عالی رتبه

عالی‌ترین مقام هر قوه و عالی‌ترین مقام‌های نظامی، انتظامی و امنیتی همراه با اعضای غیر مستقل خانواده درجه یک در محلی که نهاد اطلاعات و امنیت تعیین می‌کند، سکونت خواهند کرد. محل سکونت رئیس جمهور و اعضای غیر مستقل خانواده درجه یک وی منحصراً در نهاد ریاست جمهوری است. امنیت فیزیکی، حریم خصوصی، دسترسی به جامعه و فضای عمومی و امکانات برای ساکنان تضمین می‌شود.

۳-۱۴: تبعیت کارگزاران حکومت از قوانین ایالتی

کارگزاران حکومت در هر مقامی که باشند تحت قوانین ایالتی که در آن ساکن هستند قرار می‌گیرند.

۳-۱۵: نهاد مستقل استاندارد

- ۱) تعیین واحدها، مقیاس‌های اندازه‌گیری، شاخص‌ها و استانداردهای اختیاری و اجباری منحصراً در اختیار حکومت فدرال است که از طریق نهاد مستقل استاندارد آن را تدوین کرده، به اجرا گذاشته و درستی اجرای آنرا مورد نظارت قرار می‌دهد.
- ۲) ایالت‌ها می‌توانند در این تدوین استانداردها مشارکت نموده و موارد خاص ایالت خود را مادامی‌که با قوانین فدرال تناقض نداشته باشد، به عنوان الحاقیه به ثبت برسانند.
- ۳) نهاد استاندارد مسئول تعیین تمام تعاریف و مقررات فنی لازم برای کشور است، اما می‌تواند با تعهد مسئولیت، تدوین و نظارت را به دیگر نهادها و اشخاص حقوقی تفویض نماید.

۳-۱۶: پاسخ به درخواست‌های مستند

کلیه درخواست‌های مستندی که به نهادهای حکومتی می‌رسند باید به طور مستند پاسخ داده شوند. پاسخ مستند باید دست کم حاوی اطلاعاتی در زمینه‌ی زمان دریافت درخواست، زمان پاسخ، فرد و مقام پاسخ‌دهنده، متن پاسخ و اقدامات بعدی باشد. در صورتی که پاسخ به درخواست در حیطه وظایف نهاد دریافت‌کننده درخواست نباشد، باید پس از وصول درخواست، با موافقت درخواست‌کننده، نسبت به ارسال درخواست به نهاد مربوطه اقدام نماید. در این حالت نیز ارائه پاسخ مستند الزامی است.

۳-۱۷: تأمین هزینه خدمات حکومتی

- ۱) حکومت مجاز نیست هزینه خدماتی را که به ارباب رجوع ارائه می‌دهد از محل بودجه عمومی تأمین کند، بلکه موظف است برای این‌گونه خدمات، تعرفه‌های مشخصی تعیین کرده و هزینه آن را از دریافت‌کنندگان خدمات اخذ نماید.
- ۲) این حکم شامل خدمات اساسی در حوزه‌های آموزش و سلامت نمی‌شود و تأمین هزینه‌های این خدمات بر عهده بودجه عمومی است.
- ۳) دریافت هزینه برای خدمات دولتی نباید مانعی برای بهره‌مندی از حقوق بنیادین یا دسترسی برابر و عادلانه شهروندان تلقی شود. در مواردی که خدمت مورد نظر در راستای اجرای حقوق اساسی شهروندان ارائه می‌گردد—مانند ثبت احوال، دریافت مدارک هویتی، دادخواهی اولیه، دسترسی به اطلاعات عمومی، یا شکایات از نهادهای حکومتی—هزینه‌ها باید به‌گونه‌ای تعیین شوند که با توان پرداخت فرد متناسب باشد.
- ۴) حکومت مکلف است برای اقشار کم‌درآمد، افراد دارای معلولیت، سالمندان، یا گروه‌های در معرض آسیب، معافیت کامل یا تخفیف‌های حمایتی مؤثر در نظر بگیرد. این امر باید از طریق نهادهای قانونگذاری تدوین و به تصویب رسیده باشد و الزامات ضد تبعیض و ضد فساد در آن رعایت شده باشد.

۳-۱۸: مجازات ارائه اطلاعات نادرست

هرگاه شخصی به‌منظور کسب مقام یا شغل حکومتی، یا به‌دست آوردن هرگونه مزیت عمومی یا حکومتی، عمداً اطلاعات نادرست ارائه دهد، اطلاعات ضروری را کتمان کند، یا موجب گمراهی مقامات مربوطه گردد، عمل وی مصداق «فریب حکومتی» تلقی می‌شود. لذا علاوه بر برکناری از مقام یا اخراج از شغل مربوطه و بازپس‌گیری کلیه مزایای دریافتی، مکلف به جبران خسارت‌های وارده نیز بوده و به اتهام دروغ‌گویی محاکمه می‌گردد. مصادیق و مجازات‌های مربوطه توسط قانون معین می‌شود.

۳-۱۹: ممنوعیت حمایت از گروه‌های مسلح

حکومت نمی‌تواند از گروه‌هایی که علیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد، عملیات مسلحانه انجام می‌دهند، حمایت کند. این موضوع دست کم شامل حمایت‌هایی از قبیل (ولی نه محدود به) تبلیغ، تأیید، حمایت معنوی و مادی و پشتیبانی تسلیحاتی می‌شود. نهاد قانونگذاری نمی‌تواند برای نقض یا ایجاد استثناء در این زمینه، قانون تصویب کند.

۳-۲۰: ممنوعیت حمایت از تجاوز سرزمینی

حمایت از کشوری که توسط سازمان ملل متحد یا دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان آغازگر تجاوز نظامی یا اشغال سرزمین شناخته شده باشد، در تمام حوزه‌های مربوط به تجاوز، ممنوع است. این ممنوعیت شامل، اما نه محدود به، انواع حمایت‌های تبلیغاتی، سیاسی، مادی و معنوی، مالی، لجستیکی و تسلیحاتی است. قوه قانون‌گذاری حق قانونگذاری برای نقض این ممنوعیت یا ایجاد استثناء نسبت به آن را ندارد. می‌تواند می‌تواند

۳-۲۱: لحاظ شدن بیانات مقامات به عنوان مستند

کلیه بیانات (شامل گفتار و کردار) منتشر شده مقام‌های حکومتی، اظهارات مستند و منتشر شده آنان در نهاد انتخابات در زمان کاندیداتوری و نیز دفاعیه‌ها و برنامه‌هایی که برای احراز پست‌ها و مقامات به نهاد قانونگذاری یا مقامات مافوق خود ارائه کرده‌اند، «مستند» محسوب شده و له یا علیه آنها قابل استناد و استفاده است.

۳-۲۲: طول دوره حکومت

- ۱) دوره مأموریت کلیه مقامات انتخابی چهار سال است و این مدت ثابت و غیرقابل تمدید خودکار است. می‌شوند
- ۲) در صورت از کار افتادن مقام منتخب برای جایگزینی وی انتخابات مجدد برگزار نمی‌شود، بلکه جانشین وی طبق ترتیبات از پیش تعیین شده در قانون، بلافاصله جایگزین می‌شود.
- ۳) کاندیدای جانشینی رئیس نهاد اجرایی، معاون وی و اولین کاندیدای جانشینی دیگر مقامات انتخابی، نفر بعدی در فهرست کاندیداهای همان دوره است.

۳-۲۳: دوره مأموریت ارکان حکومت

شروع دوره مأموریت نهاد اجرایی رأس ساعت ۱۲ ظهر روز ادای سوگند بر مبنای قانون اساسی و پایان آن رأس ساعت ۱۲ ظهر روز مشابه پس از سپری شدن «طول دوره حکومت» است.

۳-۲۴: حدود حریم خصوصی مقامات

صدا و تصویر و دیگر نمادهای مرتبط با مقامات حکومتی، مادامی که مربوط به دوره‌ای که حائز آن مقام باشد، جزو حریم خصوصی آنها محسوب نمی‌شود. استفاده از این موارد برای نقد مقام یا نهاد مربوطه، نه شخص حقیقی، مجاز و قانونی است.

۳-۲۵: قابلیت استناد به گفتار و رفتار مقامات انتخابی

مادامی که افراد در یک مقام انتخابی قرار داشته باشند، همه گفتار و کردار آنها اطلاعات عمومی و غیر قابل طبقه‌بندی امنیتی محسوب می‌شود و هر کسی می‌تواند از آن استفاده کند. علاوه بر این هرگونه اتهام و اعلام جرم علیه مقامات انتخابی به محض ثبت شدن در دادگاه، جزو اطلاعات عمومی محسوب شده و نمی‌توان از افشاء یا انتشار آن جلوگیری کرد.

۳-۲۶: ممنوعیت ادعای نمایندگی از افراد یا مفاهیم فراتر از خود

هیچکس نمی‌تواند خود را نماینده و سخنگوی مردم، خدا، پیامبران، امامان و دیگر شخصیت‌های دارای پیرو یا موجودات ماوراء طبیعه بنامد و از قول آنها در موافقت یا مخالفت با موضوعی اظهار نظر یا عمل نماید.

فصل ۴: سطوح حکومت

۴-۱: قلمروهای حاکمیتی

- ۱) **حاکمیت فدرال:** عالی‌ترین مرجع اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی کشور است که بر اساس قانون، در قلمرو کلان کشور که برای حفظ وحدت، امنیت، منافع ملی و برقراری نظم عمومی ضروری است، اعمال حاکمیت می‌نماید. علاوه بر کل کشور که به طور عام تحت حاکمیت حکومت فدرال اداره می‌شود، مناطق زیر منحصراً تحت قوانین فدرال هستند:
 ۱. کلیه نواحی کشور که به عضویت هیچ ایالتی در نیامده‌اند،
 ۲. مرزهای کشور،
 ۳. آب‌های مرزی و بین‌المللی،
 ۴. عناصری از حریم کشور که در درون حریم فیزیکی ایالت‌ها قرار ندارد.
- ۲) **حاکمیت ایالتی:** هر ایالت دارای حکومت مستقل است که بر اساس قانون اساسی ایالتی (در صورت وجود) و در چارچوب قانون اساسی فدرال و قوانین فدرال، در حوزه‌هایی که صلاحیت آن‌ها به ایالت‌ها واگذار شده، صراحتاً ممنوع نشده یا به حکومت فدرال واگذار نشده، دارای حق قانون‌گذاری، اجرا و قضاوت است.
- ۳) **اداره شهری:** نهاد حقوقی منتخب ساکنان شهر است که بر اساس اصل خودگردانی، عهده‌دار امور عمومی، اجرایی، خدماتی و توسعه‌ای در قلمرو شهر است. ارکان اداره شهری شامل شورای شهر، شهرداری و نهادهای عمومی شهری است. این نهادها در چارچوب قوانین ایالتی و قانون اساسی کشور فعالیت می‌کنند.
- ۴) **اداره روستایی:** نهاد حقوقی منتخب ساکنان روستا است که بر اساس اصل خودگردانی، عهده‌دار امور عمومی، اجرایی، خدماتی و توسعه‌ای در قلمرو روستا است. این اداره از شورای روستا، دهداری و سایر نهادهای عمومی روستایی تشکیل شده و در چارچوب قوانین ایالتی، شهری و قانون اساسی کشور فعالیت می‌کند.

۴-۲: حوزه اختیارات حکومت فدرال

حکومت فدرال دارای حق و مسئولیت انحصاری در موارد زیر است:

- ۱) تضمین و حفاظت از حقوق اساسی شهروندان،
- ۲) تضمین و حفاظت از قانون اساسی،
- ۳) تعیین واحد پول، سیاست‌های بانکی، پولی و مالی سراسری،
- ۴) دفاع از کشور، مدیریت نیروهای مسلح، حفاظت از امنیت ملی، اعلان جنگ، برقراری آتش‌بس و صلح،
- ۵) سیاست‌گذاری گمرک و تجارت خارجی،
- ۶) انعقاد پیمان‌ها و معاهدات با کشورهای خارجی،

- ۷) درخواست وام و پرداخت بدهی‌های خارجی،
 - ۸) فراهم کردن سیستم بهداشت و درمان پایه،
 - ۹) حقوق مدنی و حقوق کیفری و تعیین مصادیق جرم و مجازات،
 - ۱۰) اداره سیاست خارجی و روابط بین‌الملل،
 - ۱۱) اداره تابعیت و مهاجرت،
 - ۱۲) امنیت و حفاظت از بیگانگان،
 - ۱۳) اداره مالکیت معنوی و ثبت اختراعات.
- کلیه ایالت‌ها صرفنظر از قوانین داخلی خود در این زمینه‌ها، ملزم به رعایت و اجرای مقررات فدرال هستند. هرگونه شکایت در این زمینه در دادگاه فدرال بررسی می‌شود. فهرست کامل در پیوست ۴ آمده است.

۴-۳: حوزه اختیارات حکومت ایالتی

- حکومت ایالتی دارای حق و مسئولیت انحصاری در موارد زیر است:
- ۱) امور شهری، شهرداری‌ها و مدیریت محلی،
 - ۲) نظم عمومی و پلیس ایالتی،
 - ۳) امور فرهنگی،
 - ۴) مدیریت فضای عمومی،
 - ۵) دادرسی و اجرای احکام،
 - ۶) اجرای قوانین فدرال،
 - ۷) پیاده سازی سیستم بهداشت و درمان پایه،
 - ۸) تعیین و جمع‌آوری عوارض و مالیات‌ها،
- حقوق و مسئولیت‌های ایالت‌ها یکسان است. ایالت‌ها در نحوه اجرای حقوق و مسئولیت‌های خود آزادند. فهرست کامل حوزه اختیارات حکومت ایالتی در پیوست ۴ آمده است.

۴-۴: حوزه اختیارات مشترک فدرال و ایالتی

- حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی در موارد زیر دارای حق و مسئولیت مشترک هستند:
- ۱) آموزش در کلیه سطوح
 - فدرال: سیاست‌گذاری، تامین بودجه مصوب، تعیین سرفصل‌های ارزیابی برای معادلسازی
 - ایالت: تعیین زبان، تعیین محتوا، تامین بودجه، تامین تاسیسات، آموزش معلم و مربی و استاد
 - ۲) حقوق مدنی و کیفری
 - فدرال: قانون‌گذاری، مهادل سازی زسمی زبانی قوانین و مجازات‌ها
 - ایالت: اجرا به زبان ایالت، فدرال یا فراهم کردن مترجم
 - ۳) بهداشت و سلامت عمومی
 - فدرال: خدمات پایه، تامین بودجه
 - ایالت: خدمات ایالتی، تامین منابع
 - ۴) محیط زیست

- فدرال: سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری
 - ایالت: قانون‌گذاری، اجرا
 - ۵) حمل و نقل و راه‌ها
 - فدرال: حمل و نقل و راه‌های فدرال
 - ایالت: مدیریت و نگهداری از راه‌ها و تاسیسات فدرال، اجرای راه و تاسیسات ایالتی، دریافت عوارض
 - ۶) انرژی
 - فدرال: سیاست‌گذاری، خطوط انتقال، ذخیره‌سازی، سهمیه‌بندی امکانات فدرال، سوبسید
 - ایالت: قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، ساخت و توسعه، اجرا، مدیریت
 - ۷) کار
 - فدرال: سیاست‌گذاری
 - ایالت: اجرا
 - ۸) تامین اجتماعی
 - فدرال: سیاست‌گذاری، پایش، اجرای وظایف فدرال
 - ایالت: سیاست‌گذاری، پایش، اجرای وظایف ایالتی و تفویض‌های فدرال
 - ۹) بیمه
 - فدرال: سیاست‌گذاری، پایش، پوشش پایه
 - ایالت: سیاست‌گذاری، پایش، پوشش ایالتی
- فهرست کامل حوزه اختیارات مشترک در پیوست ۴ آمده است.

۴-۵: حوزه اختیارات اداره شهری

- اداره شهر حق دارد در چارچوب قانون اساسی و قوانین بالادستی، در تمام امور زیر به طور مستقل و بدون دخالت مستقیم مقامات بالاتر تصمیم بگیرند و مدیریت کنند:
- ۱) تصویب بودجه و هزینه‌های عمومی
 - ۲) مدیریت و توسعه زیرساخت‌ها
 - ۳) برنامه‌ریزی شهری و مدیریت اراضی
 - ۴) اداره حمل و نقل عمومی محلی
 - ۵) تأمین خدمات فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و زیست‌محیطی
 - ۶) حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی محلی
 - ۷) نظارت بر اجرای مقررات عمومی و نظم اجتماعی در قلمرو خود
 - ۸) صدور مجوزها و پروانه‌های محلی
 - ۹) حمایت و ارتقاء مشارکت شهروندان در امور محلی
- فهرست کامل حوزه اختیارات اداره شهری در پیوست ۴ آمده است.

۴-۶: حوزه اختیارات اداره روستایی

اداره روستا حق دارد در چارچوب قانون اساسی و قوانین بالادستی، در تمام امور زیر به طور مستقل و بدون دخالت مستقیم مقامات بالاتر تصمیم بگیرند و مدیریت کنند:

- ۱) تصویب بودجه و هزینه‌های عمومی،
 - ۲) مدیریت و توسعه زیرساخت‌ها،
 - ۳) برنامه‌ریزی و مدیریت اراضی و فعالیت‌های کشاورزی و دامداری،
 - ۴) اداره حمل و نقل عمومی محلی،
 - ۵) تأمین خدمات فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و زیست‌محیطی،
 - ۶) حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی محلی،
 - ۷) صدور مجوزها و پروانه‌های محلی،
 - ۸) حمایت و ارتقاء مشارکت شهروندان در امور محلی،
- فهرست کامل حوزه اختیارات اداره روستایی در پیوست ۴ آمده است.

۴-۷: تضمین قانون اساسی ایالت‌ها

ایالت‌ها می‌توانند خواستار تضمین قانون اساسی ایالت خود از سوی نهاد قانونگذاری فدرال گردند. قانون اساسی ایالتی این حق را به ایالت می‌دهد تا در مقابل تغییرات آتی در قوانین و مقررات فدرالی که با قانون اساسی ایالت سازگار نیستند، از خود محافظت کرده و از اجرای آنها خودداری کند. نهاد قانونگذاری فدرال در صورت احراز تمامی شرایط زیر این تضمین را صادر نماید:

- ۱) مفاد قانون اساسی ایالت، هیچ‌گونه مغایرتی با مفاد قانون اساسی جاری فدرال نداشته باشد،
 - ۲) قانون اساسی ایالت، اعمال حقوق سیاسی را براساس نوع جمهوری دموکراتیک فدرال، تضمین نماید،
 - ۳) قانون اساسی ایالت از طریق همه‌پرسی آزاد و عمومی مورد تأیید اکثریت ساکنان ایالت قرار گرفته باشد،
 - ۴) سازوکار بازنگری در قانون اساسی ایالت، به درخواست اکثریت مطلق شهروندان پیش‌بینی شده باشد،
 - ۵) قانون اساسی ایالتی، شامل هیچ ماده یا تصریحی در راستای جدایی از کشور نباشد.
- پس از تحقق این شرایط و اعطای تضمین، ایالت می‌تواند اجرای هر قانون فدرالی را که با قانون اساسی تضمین‌شده‌اش در تعارض باشد، در سازگاری به اصل «حق تعلیق قوانین فدرال» به صورت موقت تعلیق نماید.

۴-۸: تضمین استقلال واحدهای حکومتی پایین دست

۱) هر واحد بالادستی (به ویژه حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی) موظف است استقلال حقوقی، نهادی و اجرایی واحدهای پایین دست خود (ایالت، شهر، روستا) را به رسمیت بشناسد و از آن حمایت کند. این حمایت شامل تخصیص منابع مالی کافی، ارائه دانش و آموزش، ابزار و مجوزهای لازم، خدمات مشاوره‌ای و ارتقای ظرفیت‌های محلی است.

- ۲) واحد بالادست تنها زمانی مجاز به مداخله در امور اجرایی واحد پایین دست است که:
- ۴) به موجب قانون و با دلایل شفاف، اثبات شود اهداف مورد نظر در سطح پایین تر قابل تحقق نبوده یا منافع عمومی به طور جدی تهدید می‌شود؛

- ۵) دامنه مداخله محدود، متناسب، شفاف و برای مدت زمان مشخص باشد؛
- ۶) پس از پایان شرایط اضطراری یا رفع نیاز، تمامی اختیارات به واحد پایین دست بازگردد؛
- ۷) حق اعتراض و رسیدگی قضایی در دادگاه فدرال برای واحد پایین دست تضمین گردد.
- ۳) وضع یا اجرای هر سیاست یا قانونی توسط واحد بالادست که بار مالی یا اداری جدید بر واحد پایین دست ایجاد کند، فقط در صورتی الزام آور است که منابع و اعتبار مالی و غیر مالی کافی و متناسب و دیگر الزامات لازم برای اجرا از سوی واحد بالادست به صورت شفاف و قابل دسترسی تخصیص یافته باشد. در صورت اختلاف بر سر کفایت اعتبار، واحد پایین دست حق تعلیق اجرا و ارجاع موضوع به کمیته مشترک یا دادگاه فدرال را دارد. هیچ واحد بالادستی نمی تواند اجرای سیاست یا فرمان فاقد تأمین اعتبار کافی را الزامی یا اعمال تنبیه نماید.
- ۴) اعمال نظارت و ارزیابی توسط واحد بالادست باید صرفاً برای تضمین رعایت اصول قانون اساسی، قوانین بالادستی از قبل مصوب شده، حقوق بشر و منافع عمومی باشد و از ورود به جزئیات اجرایی و تصمیمات محلی اجتناب گردد.

۴-۹: پیوستگی سطحی واحد جغرافیایی

- هر یک از واحدهای سیاسی کشور اعم از ایالت، شهر و روستا باید دارای پیوستگی جغرافیایی باشند به طوری که:
- ۱) تمام اجزاء فیزیکی واحد مربوطه در درون حریم فیزیکی کشور قرار داشته باشد،
- ۲) بتوان از هر نقطه‌ای از آن واحد به سایر نقاط همان واحد، بدون نیاز به عبور از قلمرو رسمی کشور، قلمروهای بین‌المللی، نواحی فدرال، دیگر ایالت‌ها یا واحدهای سیاسی دیگر، به صورت عملی و دائمی دسترسی فیزیکی سطحی داشت.

۴-۱۰: شرایط ایجاد ایالت

- ایجاد یک ایالت در قلمرو فدرال، منوط به تحقق شرایط زیر است:
- ۱) **هویت زبانی مشترک:** اکثریت ساکنان منطقه باید قادر به خواندن و نوشتن به یک زبان مشترک باشند، در مورد افراد بی‌سواد، توانایی تکلم و درک آن زبان را به صورت فعال داشته باشند. این زبان می‌تواند زبان بومی منطقه یا یکی از زبان‌های رسمی کشور باشد که از نظر فرهنگی و اجتماعی مورد پذیرش عمومی منطقه قرار دارد،
- ۲) **استقلال منطقه‌ای:** منطقه مورد نظر نباید در قلمرو هیچ ایالت دیگری قرار داشته باشد یا بخشی از ایالتی دیگر باشد،
- ۳) **رضایت عمومی:** در یک همه‌پرسی آزاد، عمومی و قانونی که با نظارت نهادهای انتخاباتی رسمی برگزار می‌شود، دست کم ۷۰٪ از واجدان شرایط رأی‌دهی ساکن منطقه باید با تشکیل ایالت جدید موافقت کنند،
- ۴) تناسب جمعیتی و جغرافیایی: مساحت منطقه داوطلب بیش از ۵ برابر و جمعیت آن بیش از ۱۰ برابر کوچکترین ایالت کشور نباشد،
- ۵) **پیوستگی جغرافیایی:** منطقه باید در تطابق با اصل «پیوستگی سطحی واحد جغرافیایی» از پیوستگی سطحی برخوردار باشد،
- ۶) **تطابق با قانون اساسی:** درخواست تشکیل ایالت نباید مغایر اصول بنیادین قانون اساسی فدرال باشد.

۴-۱: شرایط عضویت یک منطقه در یک ایالت

- پیوستن یک منطقه به یک ایالت موجود تنها در صورت احراز شرایط زیر ممکن است:
- ۱) **هویت زبانی مشترک:** ساکنین منطقه داوطلب، بتوانند به زبان رسمی ایالت بخوانند و بنویسند (بی سوادان بتوانند به آن زبان سخن بگویند و بفهمند)،
 - ۲) **استقلال منطقه‌ای اولیه:** منطقه داوطلب، عضو ایالت دیگری نباشد،
 - ۳) **عدم مخالفت مؤثر فدرال:** نهاد اجرایی فدرال مخالف نباشد یا مخالفتش توسط نهاد قانونگذاری فدرال یا دادگاه فدرال رد شده باشد،
 - ۴) **رضایت مردمی دوسویه:** در یک همه پرسی همزمان، بیش از ۶۰ درصد ساکنان ایالت و بیش از ۷۰ درصد ساکنان منطقه داوطلب، با این عمل موافقت کنند،
 - ۵) **توازن ایالتی:** مساحت ایالت پس از الحاق منطقه داوطلب، بیش از ۵ برابر و جمعیت آن بیش از ۱۰ برابر کوچکترین ایالت نشود،
 - ۶) **پیوستگی سرزمینی:** پیوستگی سطحی ایالت پس از پیوستن منطقه داوطلب همچنان برقرار باشد. منطقه داوطلب عضویت، پس از پایان فرآیند عضویت تحت حاکمیت حکومت ایالتی قرار می‌گیرد.

۴-۲: شرایط خروج از عضویت در ایالت

- خروج یک منطقه از قلمرو یک ایالت موجود و بازگشت آن به حاکمیت مستقیم فدرال تنها در صورت تحقق شرایط زیر مجاز است:
- ۱) **رضایت دموکراتیک دوسویه:** در یک همه پرسی همزمان بیش از ۶۰ درصد ساکنان ایالت و بیش از ۷۰ درصد ساکنان منطقه داوطلب با این عمل موافقت کنند؛
 - ۲) **تأیید ایالتی:** درخواست خروج از عضویت توسط بیش از دو سوم اعضای نهاد قانونگذاری ایالت، تایید شود؛
 - ۳) **تأیید فدرال:** درخواست خروج از عضویت توسط بیش از نصف اعضای نهاد قانونگذاری فدرال، تایید شود. منطقه داوطلب خروج، پس از پایان فرآیند خروج تحت حاکمیت حکومت فدرال قرار می‌گیرد.

۴-۳: شرایط انحلال یک ایالت

- انحلال یک ایالت و قرارگرفتن آن تحت حاکمیت مستقیم فدرال تنها در صورت تحقق شرایط زیر مجاز است:
- ۱) **رضایت دموکراتیک:** در یک همه پرسی همزمان بیش از ۷۰ درصد ساکنان ایالت داوطلب با این عمل موافقت کنند؛
 - ۲) **تأیید ایالتی:** درخواست انحلال توسط بیش از دو سوم اعضای نهاد قانونگذاری ایالت، تایید شود؛
 - ۳) **تأیید فدرال:** درخواست انحلال توسط بیش از نصف اعضای نهاد قانونگذاری فدرال، تایید شود. ایالت داوطلب، پس از پایان فرآیند انحلال، تحت حاکمیت حکومت فدرال قرار می‌گیرد.

۴-۴: ممنوعیت اتحاد جداگانه بین ایالت‌ها

ایالت‌ها مجاز هستند در چارچوب قانون فدرال، قراردادهای همکاری اجرایی و خدماتی با دیگر ایالت‌ها منعقد کنند. هرگونه اتحاد سیاسی یا حاکمیتی چندجانبه، خارج از ساختار مصوب فدرال، ممنوع است مگر با تصویب نهاد قانونگذاری فدرال.

۴-۱۵: حق تأسیس شهربانی ایالتی

ایالت‌ها می‌توانند در حوزه اختیارات قانونی خود، شهربانی ایالتی داشته باشند که در تعامل با شهربانی فدرال فعالیت‌های محوله را به انجام می‌رساند. شهربانی فدرال بدون مجوز رسمی شهربانی ایالت، حق انجام عملیات در قلمرو ایالت را ندارد مگر در وضعیت‌های اضطراری که در آن، دستور مستقیم وزیر کشور فدرال الزامی است.

۴-۱۶: حل و فصل اختلافات بین ایالت‌ها

- ۱) در صورت بروز اختلاف بین دو یا چند ایالت، هر یک از طرف‌ها آنها می‌توانند با رعایت تشریفات قانونی، دادخواست خود را مستقیماً به دادگاه ایالتی ارائه دهند.
- ۲) استفاده از زور یا هرگونه اقدام یک‌جانبه در روند اختلاف ممنوع است.
- ۳) قوانین فدرال، رویه دادرسی، صلاحیت شکلی و ماهوی و ترتیبات اجرایی این‌گونه پرونده‌ها را به‌طور دقیق مشخص می‌نمایند.

۴-۱۷: برخورد با ناآرامی ایالتی

- ۱) در صورت بروز ناآرامی داخلی، یا بروز خطر از سوی یکی از ایالت‌ها، نهاد اجرایی ایالت مورد تهدید، باید بلافاصله نهاد اجرایی فدرال را به صورت رسمی از این امر آگاه نماید تا نهاد اجرایی فدرال بتواند در محدوده اختیارات خود، اقدامات لازم را به عمل آورد یا نهاد قانونگذاری فدرال را دعوت به تشکیل جلسه نماید. در موارد اضطراری، نهاد اجرایی ایالتی مجاز است ضمن اطلاع رسانی به نهاد اجرایی فدرال از ایالت‌های دیگر (که موظف به ارائه کمک هستند) نیز استمداد نماید.
- ۲) چنانچه نهاد اجرایی ایالت در موقعیتی نباشد که بتواند درخواست کمک نماید، مقامات مسئول فدرال می‌توانند بدون دریافت درخواست کمک از نهاد اجرایی ایالت مورد نظر، اقدام به مداخله نمایند. مقامات مسئول فدرال، در صورت در خطر بودن امنیت کشور، موظف به مداخله هستند. تشخیص وجود "خطر برای امنیت کشور" که مجوز مداخله فدرال بدون درخواست ایالت را ایجاد کند، باید صرفاً با رأی اکثریت یک کمیته بحران ملی صورت گیرد. این کمیته متشکل است از روسای سه نهاد اجرایی، قانونگذاری و دادگستری فدرال، رئیس دادگاه قانون اساسی، رئیس شهربانی فدرال، فرمانده ارتش و هر تعداد از نمایندگان ایالت در مجلس فدرال و سنا و رئیس دولت ایالتی که در دسترسی باشند.
- ۳) دامنه و مدت مداخله باید محدود و متناسب باشد و پس از رفع شرایط اضطراری، بلافاصله به حالت عادی بازگردد.
- ۴) هرگونه اقدام باید فوراً به اطلاع عموم و نهاد قانونگذاری فدرال برسد و ایالت ذینفع حق اعتراض و درخواست بازنگری فوری دارد.
- ۵) هزینه‌های مربوطه، به عهده ایالتی است که استمداد نموده یا موجب دخالت نهاد اجرایی فدرال شده است. مگر اینکه نهاد قانونگذاری فدرال، با توجه به شرایط خاص، تصمیم دیگری اتخاذ کند.
- ۶) در صورت تجاوز یک ایالت به حریم ایالت یا ایالت‌های دیگر، نهاد اجرایی فدرال نه تنها موظف به برکناری اعضای نهاد اجرایی و نهاد قانونگذاری ایالت متجاوز است، بلکه باید ظرف حداکثر سه ماه با برگزاری انتخابات فوق‌العاده، ابتدا نهاد قانونگذاری و سپس نهاد اجرایی جدیدی را در ایالت متجاوز به کار گمارد. کلیه افرادی که در تجاوز دست داشته‌اند برای محاکمه در اختیار دادگاه نظامی قرار داده می‌شوند و در صورت محکومیت علاوه بر تحمل مجازات

تعیین شده، برای همیشه از تصدی مقام‌های انتخابی، نظامی، انتظامی یا امنیتی محروم می‌شوند. خسارت وارده به ایالت‌های مورد تجاوز پس از تعیین در دادگاه ایالتی، از منابع مالی ایالت متجاوز پرداخت می‌شود.

۴-۱۸: مدیریت تعارض بین قوانین فدرال و ایالتی

- ۱) ایالت‌ها موظفاند قوانین و مقررات فدرال را در حوزه صلاحیت انحصاری حکومت فدرال رعایت و اجرا نمایند. در موارد اختلاف یا تردید درباره حدود و تفسیر صلاحیت‌های فدرال و ایالتی، اصل بر بقای صلاحیت ایالت‌هاست.
- ۲) هیچ یک از قوای فدرال یا ایالتی حق ندارد صرفاً با تفسیر موسع یا ضمنی، صلاحیت جدیدی برای خود ایجاد یا صلاحیت طرف دیگر را محدود کند.
- ۳) هرگونه تعارض یا تقابل بین قوانین فدرال و ایالتی، به درخواست هر یک از طرفین (ایالت یا فدرال)، باید بلافاصله و به صورت رسمی به دادگاه قانون اساسی ارجاع شود. در این حالت رئیس نهاد اجرایی فدرال یا رئیس نهاد اجرایی ایالتی می‌توانند اجرای قانون فدرال را با اعلام رسمی و عمومی آن به‌طور موقت به تعلیق درآورند. دامنه و مدت این تعلیق صرفاً باید محدود به موضوع مورد اختلاف و تا زمان صدور رأی دادگاه باشد.
- ۴) دادگاه قانون اساسی فدرال موظف است در حداکثر ۱۴ روز تقویمی به موضوع رسیدگی و رأی قطعی، لازم‌الاتباع و غیرقابل تجدیدنظر صادر کند. طرفین اختلاف می‌توانند همزمان با ثبت درخواست، تقاضای صدور دستور موقت یا رسیدگی فوری از دادگاه نمایند، که در این حالت، دادگاه باید ظرف حداکثر ۷ روز تقویمی رأی صادر کند.
- ۵) در موارد اضطراری، رئیس نهاد اجرایی فدرال می‌تواند با ذکر دلایل شفاف و با تقبل مسئولیت، فرمان اجرایی موقت صادر نماید تا نظم عمومی و حقوق بنیادین تا زمان صدور رأی دادگاه حفظ شود. این فرمان به محض صدور رأی دادگاه بی‌اثر می‌گردد و دامنه آن باید متناسب، محدود و شفاف باشد.
- ۶) هرگونه تعلیق یا فرمان اجرایی نباید موجب نقض حقوق بنیادین، امنیت عمومی یا آسیب جدی به نظم ملی و تمامیت سرزمینی گردد.
- ۷) تمامی مراحل، تصمیمات و مستندات مربوط به تعلیق یا فرمان اضطراری باید بلافاصله به اطلاع عموم و نهاد قانون‌گذاری فدرال برسد.
- ۸) هیچ تعلیق یا فرمان اجرایی موقت، خارج از فرآیند فوق یا فراتر از دامنه موضوع تعارض، معتبر نیست.

فصل ۵: نهاد قانونگذاری

۵-۱: نهاد قانونگذاری

- ۱) نهاد قانونگذاری در سطوح فدرال و ایالتی، مجلس و در سطوح شهری و روستایی، شورا نامیده می‌شود.
- ۲) در هر حوزه‌ی دارای نهاد قانونگذاری، آن نهاد تنها مرجع قانونگذاری است و هیچ نهاد دیگری حق قانونگذاری ندارد.
- ۳) تمام نهادهای حکومتی در هر واحد کشوری، در مقابل نهاد قانونگذاری آن واحد پاسخگو هستند.
- ۴) صلاحیت قانونگذاری حتی با تصویب قانون، قابل واگذاری نیست، حتی به نهادهای داخلی نهاد قانونگذاری.
- ۵) در سطح فدرال، مجلس سنا تشکیل می‌شود.
- ۶) وظایف مجلس سنا به این صورت است:
 ۱. تأیید تمامی مصوبات مجلس فدرال. تأیید با رای گیری فردی از اعضای سنا انجام می‌شود. در صورت مخالفت سنا با مصوبه مجلس، مجلس می‌تواند با اکثریت سه‌چهارم آنرا مجدداً به تصویب رسانده و به سنا تقدیم کند. در این حالت سنا فقط با اکثریت بالاتر از سه‌چهارم می‌تواند با آن مخالفت کند. در صورت مخالفت مجدد، مجلس می‌تواند مصوبه خود را با رای دست‌کم چهارپنجم تصویب کرده و به سنا تقدیم کند. در این حالت سنا فقط با اتفاق آراء می‌تواند با مصوبه مجلس مخالفت کند. در غیر اینصورت مصوبه تأیید شده تبدیل به قانون می‌شود. سنا حق ارائه طرح یا لایحه و ابتکار قانونگذاری ندارد.
 ۲. تأیید مقامات منصوب رئیس نهاد اجرایی فدرال که می‌توانند پس از پایان دوره رئیس نهاد اجرایی همچنان باقی بمانند.
 ۳. تأیید نمایندگان رسمی کشور در خارج
 ۴. انجام استیضاح غیر الزام‌آور از رئیس نهاد اجرایی فدرال و هریک از اعضای دولت فدرال

۵-۲: نمایندگی در نهاد قانونگذاری

- ۱) نمایندگی در مجلس فدرال
 ۱. تعداد نمایندگان هر ایالت در مجلس فدرال بر حسب جمعیت آن منطقه تعیین می‌شود به طوری که ایالت‌های کم‌جمعیت‌تر نسبت نماینده به جمعیت بالاتری داشته باشند.
 ۲. کم جمعیت‌ترین ایالت حتی اگر دارای جمعیتی کمتر از حد نصاب باشد، یک نماینده خواهد داشت.
 ۳. کلیه نواحی غیر ایالتی که زیر نظر حکومت فدرال اداره می‌شوند معادل یک ایالت لحاظ شده و متناسب با قوانین، تعداد نمایندگان آنها تعیین می‌شود.

۴. حوزه انتخابی نمایندگان ایالت‌ها، کل ایالت و حوزه انتخابی نمایندگان نواحی (که جزو حکومت فدرال هستند) کل منطقه فدرال است.
۵. نسبت نماینده به جمعیت برای ایالت‌های کم، متوسط و پرجمعیت به ترتیب ۲۵۰، ۳۰۰ و ۳۵۰ هزار نفر به ازای هر نماینده است. جمعیت هر منطقه بر اساس نتایج آخرین سرشماری، تعیین می‌شود.
- ۲) نمایندگی در مجلس سنا**
۱. از هر ایالت ۲ نماینده، یک نفر به انتخاب نهاد اجرایی و یک نفر به انتخاب مجلس ایالتی از ساکنان همان ایالت.
۲. معاون اول رئیس جمهور (در صورت برابری آرا)
- ۳) نمایندگی در مجلس ایالت:**
۱. تعداد نمایندگان مجلس ایالتی یک نفر به ازای هر ۵۰ هزار نفر جمعیت ایالت است. مجلس ایالتی می‌تواند این نسبت را تغییر دهد، به شرطی که تعداد نمایندگان ایالتی از ۱۵ کمتر و از ۱۵۰ بیشتر نشود.
۲. نمایندگان با رأی مستقیم تمام ساکنان ایالت، به صورت فردی و برای نمایندگی همه ساکنان ایالت تعیین می‌شوند.
- ۴) نمایندگی در شورای شهر:**
۱. تعداد نمایندگان شورای شهر یک نفر به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت شهر است. مجلس ایالتی می‌تواند این نسبت را تغییر دهد، به شرطی که تعداد نمایندگان شهر از ۱۰ کمتر و از ۵۰ بیشتر نشود.
۲. نمایندگان با رأی مستقیم تمام ساکنان شهر، به صورت فردی و برای نمایندگی همه ساکنان شهر تعیین می‌شوند.
- ۵) نمایندگی در شورای روستا:**
۱. تعداد نمایندگان شورای روستا یک نفر به ازای هر ۲۵۰ نفر جمعیت روستا است. مجلس ایالتی می‌تواند این نسبت را تغییر دهد، به شرطی که تعداد نمایندگان روستا از ۳ کمتر و از ۱۵ بیشتر نشود.
۲. نمایندگان با رأی مستقیم تمام ساکنان روستا، به صورت فردی و برای نمایندگی همه ساکنان روستا تعیین می‌شوند.

۵-۳: حوزه‌های قانونگذاری مجلس و شورا

نهادهای قانونگذاری مجازند در حوزه اختیارات خود که در فصل «سطوح حکومت» این قانون و پیوست ۴ آمده است، مطابق رویه‌های تدوین و تصویب شده، قانونگذاری کنند.

۵-۴: قدرت مجلس فدرال در تصویب قوانین بین‌المللی

- ۱) منحصرأ، مجلس فدرال مجاز است با حفظ منافع و حاکمیت ملی، کشور را به عضویت قراردادهای گروه‌ها، کنوانسیون‌ها و مقاوله‌نامه‌های چندجانبه، بین‌المللی و جهانی درآورده یا از عضویت آنها خارج کند.
- ۲) عضویت در هرگونه پیمانی که موجب افزایش بدهی خارجی شود، صرفاً پس از موافقت سه‌چهارم مجلس فدرال و عدم مخالفت بیش از دوسوم سنا به طوریکه دستکم نصف ایالت‌ها را دربرگیرد، مجاز است.
- ۳) عضویت در پیمان‌نامه‌هایی که به تغییر قانون اساسی نیاز دارد، فقط از طریق تصویب مجلس فدرال و انجام همه‌پرسی مطابق با رویه‌ها و مقررات تغییر قانون اساسی امکان پذیر است.

۵-۵: شرایط تدوین قانون

قوانین باید طوری نوشته شوند که:

- ۱) به صورت شفاف و اثبات پذیر به قوانین بالادستی و در نهایت به اصول مربوطه در قانون اساسی قابل ردیابی باشد.
- ۲) مکانیسم تغییر قانون در آن پیش بینی شده باشد؛
- ۳) مخاطب، زمان شروع اجرا، زمان پایان اجرا، روش و منبع تعیین و تامین خسارت مربوط به قانون عطف به ما سبق، شرایط اعمال و نیز مجازات عدم رعایت در آن تعیین شده باشد؛
- ۴) عدم شفافیت در آنها به نفع مخاطب تفسیر شود.

۵-۶: تصویب و اجرای قانون

- ۱) تصویب قانون به معنای اعمال و اجرای خودکار آن نیست. فقط نهاد اجرایی همسطح نهاد قانونگذار (فدرال، ایالت، شهر، روستا)، یا نهاد تعیین شده در متن قانون می تواند قانون را اجرا کند.
- ۲) نهاد قانونگذار می تواند شرایط اعمال و اجرای قانون را تعیین کرده و برای عدم اجرای آن مجازات تعیین کند.

۵-۷: زمان و شرایط اجرای قوانین

- ۱) قوانینی که یک عمل مجاز را ممنوع یا محدود می کنند، از ابتدای سال تقویمی بعد به شرطی که دست کم شش ماه از تاریخ ابلاغ آنها گذشته باشد، قابل اجرا هستند. این قانون در شرایط فوق العاده قابل تحدید است.
- ۲) قانونگذار باید روش و منابع لازم برای جبران خسارت کسانی که تحت تاثیر تغییر قانون قرار می گیرند را در نظر گرفته باشد و مجری باید مطابق آن، خسارت را محاسبه و پرداخت کند.
- ۳) اشخاصی که قبل از ابلاغ قانون فعلیتی را شروع کرده و به طور طبیعی نمی توانند تا زمان شروع اجرای قانون فعالیت خود را به پایان برسانند، تحت تأثیر تغییر قانون محسوب می شوند.

۵-۸: ممنوعیت بهره برداری خارج از چارچوب از امکانات

نهاد قانونگذاری نمی تواند قانونی وضع کند که با استفاده از آن، مقامات و کارگزاران حکومتی پس از خاتمه خدمتشان، از مزایای ویژه ای بهره مند شوند، یا مزایایی که در اختیار داشته اند را مسترد نکنند.

۵-۹: الزام به تأیید اقدامات نهاد اجرایی توسط نهاد قانونگذاری

کلیه فعالیت ها، درآمدها و هزینه های نهاد اجرایی و واحدهای اجرایی باید قبل از انجام، به تأیید نهاد قانونگذاری برسد.

۵-۱۰: ممنوعیت تصویب قانون برای مجازات بدون محاکمه

تدوین، پیشنهاد، تصویب و اجرای هرگونه قانونی که اجازه دهد اشخاص بدون محاکمه و تضمین حق درخواست تجدید نظر مجازات شوند، ممنوع است.

۵-۱۱: الزام علنی بودن جلسات نهاد قانونگذاری

- ۱) تمام جلسات تمام نهاد قانونگذاری علنی است، ثبت و به طور همزمان از طریق رسانه‌های رسمی منتشر می‌شود. در صورتی که فاش شدن گفتگوهای نهاد قانونگذاری باعث تضعیف امنیت ملی یا منجر به بروز مخاصمه یا جنگ شود، نهاد قانونگذاری می‌تواند به پیشنهاد رئیس و پس از تصویب نمایندگان، جلسه غیر علنی برگزار نماید.
- ۲) خارج کردن یک جلسه از علنی بودن باید دست کم یک روز قبل از برگزاری جلسه و با ذکر دلیل به اطلاع عموم برسد.
- ۳) جلوگیری از انتشار محتوای هر جلسه، فقط با موافقت بیش از ۷۵ درصد نمایندگان برای یک مدت محدود که نمی‌تواند بیش از تاریخ پایان یافتن دوره نمایندگی آنان باشد و ذکر دلیل، امکان پذیر است.

۵-۱۲: ممنوعیت رأی مخفی

نمایندگان نهاد قانونگذاری نمی‌توانند رأی مخفی بدهند.

۵-۱۳: ممنوعیت رأی ممتنع

نمایندگان نهاد قانونگذاری در هر سطح مجاز نسبتند در موضوعات مربوط به آن سطح رأی ممتنع بدهند.

۵-۱۴: شرایط استعفای مقامات انتخابی

- ۱) استعفای مقامات انتخابی، فقط با تصویب نهاد قانونگذاری و پس از تعیین جانشین امکانپذیر است.
- ۲) افرادی که از طریق انتخابات در مقامی قرار می‌گیرند، بدون موافقت نهاد قانونگذاری نمی‌توانند استعفا کنند. نهاد قانونگذاری بدون تعیین جانشین و احراز دیگر شرایط قانونی مربوطه، نمی‌تواند استعفای آنها را قبول کند.
- ۳) اولین کاندیدای جانشینی فرد مستعفی، کاندیدایی است که در مبارزه انتخاباتی منجر به پیروزی فرد مستعفی، حائز رتبه بعدی از نظر تعداد آراء بوده است.
- ۴) استعفای نمایندگان نهاد قانونگذاری فدرال و ایالتی برای شرکت در نهاد اجرایی ممنوع است. در صورت استعفا به دلایل دیگر و پذیرفته شدن آن، نماینده مربوطه نمی‌تواند تا پایان کار نهاد اجرایی و نهاد قانونگذاری جاری (هر کدام که بیشتر باشد) به عنوان وزیر، معاون رئیس نهاد اجرایی یا رئیس نهادهای حکومتی فدرال و ایالتی به کار گمارده شود.

۵-۱۵: نظارت بر فعالیتهای خاص نهاد اجرایی

نهاد قانونگذاری فدرال می‌تواند اجرای طرح‌هایی را که مخالف منافع ملی، امنیت یا محیط زیست کشور باشد، ممنوع نماید.

۵-۱۶: پاسخگویی نهاد اطلاعات و امنیت کشور

نهاد اطلاعات و امنیت کشور، نهادی فدرال است که از دو واحد مستقل تشکیل شده است:

۱. واحد امنیت داخلی که وظیفه حفظ امنیت داخلی کشور را بر عهده دارد و به طور مستقیم در برابر نهاد قانونگذاری

فدرال پاسخگو است.

۲. واحد امنیت خارجی که مسئول گردآوری اطلاعات، تحلیل راهبردی و تأمین امنیت ملی در سطح بین‌الملل است

و تحت نظارت و مسئولیت نهاد اجرایی فدرال فعالیت می‌کند.

هر دو واحد موظف به ارائه گزارش دوره‌ای و موردی به نهاد قانونگذاری فدرال هستند. اختیارات، حدود فعالیت، نظارت و

سازوکارهای شفاف‌سازی عملکرد این نهاد، بر اساس قانون مصوب مجلس فدرال تعیین می‌گردد.

۵-۱۷: آیین نامه داخلی نهاد قانونگذاری

نهاد قانونگذاری می‌تواند آیین‌نامه داخلی خود را تهیه و اعضای خود را به دلیل بی‌انضباطی مجازات و در صورت لزوم با اتفاق نظر دست کم ۷۵ درصد نمایندگان، اخراج نماید. در این صورت جانشین نماینده اخراج شده مطابق با اصل «شرایط استعفای مقامات انتخابی» تعیین و مشغول به کار می‌شود. کلیه مستندات اخراج نماینده در اختیار قوه قضائیه قرار می‌گیرد تا پس از حذف بخش‌های مربوط به حریم خصوصی آنها را منتشر نماید. این انتشار نمی‌تواند بیش از یک ماه از تاریخ اخراج طول بکشد.

۵-۱۸: قدرت استیضاح نهاد قانونگذاری

نهاد قانونگذاری می‌تواند هر یک از مقامات منطقه هم سطح خود را (مانند رئیس نهاد اجرایی، هر یک از وزیران، کل هیئت دولت، فرماندهان نظامی، انتظامی و امنیتی و بالاترین مقام قضائی) احضار و مورد پرسش قرار داده، استیضاح یا برکنار نماید. اگر فرد برکنار شده یک مقام انتخابی باشد جانشین وی مطابق با اصل «شرایط استعفای مقامات انتخابی» تعیین و مشغول به کار می‌شود.

۵-۱۹: حدود قدرت تحقیق و تفحص نهاد قانونگذاری

نهاد قانونگذاری می‌تواند از هر نهاد حکومتی هم‌سطح تحقیق و تفحص نماید. زمان شروع، پایان و ارائه نتیجه تحقیق و تفحص باید از قبل معلوم و منتشر شده باشد. نتیجه تحقیق و تفحص، حداکثر ۷۲ ساعت پس از تدوین و قرائت در نهاد قانونگذاری، به اطلاع عموم می‌رسد.

۵-۲۰: صلاحیت به رسمیت شناختن کشورها

نهاد قانونگذاری فدرال می‌تواند به پیشنهاد نهاد اجرایی فدرال، کشوری را که هنوز توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته نشده است، به رسمیت بشناسد.

۵-۲۱: ممنوعیت‌های قانون‌گذاری نهاد قانونگذاری

نهاد قانونگذاری حق قانونگذاری در زمینه ایجاد، حذف، توسعه، تحدید یا استقرار یک دین، مذهب، آیین، یا مکتب، محدود کردن آزادی بیان و محدود کردن حق افراد در برگزاری اجتماعات آرام و نیز دادخواهی از حکومت را ندارد.

فصل ۶: نهاد اجرایی

۶-۱: رئیس نهاد اجرایی

- ۱) رئیس نهاد اجرایی فدرال: رئیس جمهور بالاترین مقام اجرایی کشور، رئیس نهاد اجرایی (قوه مجریه) و رئیس هیات وزیران است که از طریق انتخابات و با رأی مستقیم مردم در کل کشور برای مدت تعیین شده در اصل «طول دوره حکومت» انتخاب می شود.
- ۲) رئیس نهاد اجرایی ایالتی: فرماندار بالاترین مقام اجرایی ایالت، رئیس نهاد اجرایی و رئیس هیات وزیران ایالت است که از طریق انتخابات با رأی مستقیم مردم در کل ایالت برای مدت تعیین شده در اصل «طول دوره حکومت» انتخاب می شود.
- ۳) رئیس نهاد اجرایی شهری: شهردار بالاترین مقام اجرایی شهر و رئیس نهاد اجرایی (شهرداری) شهر است که از طریق انتخابات با رأی مستقیم مردم کل شهر و با برای مدت تعیین شده در اصل «طول دوره حکومت» انتخاب می شود.
- ۴) رئیس نهاد اجرایی روستایی: دهدار بالاترین مقام اجرایی روستا و رئیس نهاد اجرایی (دهداری) روستا است که از طریق انتخابات با رأی مستقیم مردم کل روستا و با برای مدت تعیین شده در اصل «طول دوره حکومت» انتخاب می شود.

۶-۲: وظایف نهاد اجرایی

نهاد اجرایی در هر سطح از حکومت، در حدود اختیارات و مسئولیت‌های مقرر در قانون، موظف است با برنامه‌ریزی و اقدام مؤثر، تحقق اهداف و وظایف زیر را در قلمرو حاکمیت یا مدیریت خود تضمین نماید:

۱) حاکمیت، امنیت و قانون‌مداری

۱. حفظ استقلال، تمامیت سرزمینی و امنیت ملی؛
۲. هدایت و مدیریت سیاست خارجی مستقل و برقراری روابط بین‌المللی بر اساس منافع ملی و اصول صلح‌آمیز؛
۳. تأمین، ساماندهی و اداره نظام دفاعی و نیروهای مسلح در چارچوب قانون؛
۴. تضمین حاکمیت قانون و اداره امور عمومی مبتنی بر قانون‌مداری؛
۵. پیشگیری و مدیریت بحران‌ها و سوانح طبیعی و انسان‌ساخت، از طریق سیاست‌گذاری، آمادگی و اقدام مؤثر؛
۶. مبارزه با پول‌شویی، جرائم اقتصادی و تأمین مالی تروریسم؛

۲) آزادی‌ها و حقوق بنیادین

۱. تأمین و حمایت از آزادی‌ها و حقوق بنیادین کلیه شهروندان و ساکنان؛
۲. فراهم‌سازی امکان مشارکت مؤثر مردم در اداره امور عمومی و فرآیندهای تصمیم‌گیری کشور؛

۳. تضمین آزادی دین، مذهب، اندیشه و بیان در چارچوب قانون؛
۴. استقرار عدالت و برابری، از جمله مبارزه با هرگونه تبعیض و حمایت ویژه از اقلیت‌ها، اقوام، ساکنان اولیه و گروه‌های آسیب‌پذیر؛
۵. حمایت و تقویت نهاد خانواده و تضمین حقوق کودکان و زنان؛
۶. حمایت از مالکیت مشروع و حقوق اقتصادی اشخاص و بخش خصوصی؛
۷. حمایت از داده‌ها و حریم خصوصی و تضمین امنیت داده‌های افراد؛

۳) عدالت و دسترسی همگانی

۱. ایجاد نظام کارآمد برای حل اختلاف، دادرسی و تسهیل دسترسی همگانی به عدالت و دستگاه قضایی؛
۲. استقرار نظام پاسخگویی، شفافیت و مقابله مؤثر با فساد اداری؛
۳. حمایت از حقوق مصرف‌کننده و رقابت سالم از طریق تدوین مقررات برای حمایت از مصرف‌کنندگان، مبارزه با انحصار و تضمین رقابت اقتصادی؛

۴) آموزش، سلامت و رفاه

۱. تأمین و ارتقای آموزش و پرورش عمومی، رایگان و با کیفیت؛
۲. تأمین و ارتقای بهداشت و سلامت عمومی؛
۳. توسعه و حمایت از ورزش و فعالیت‌های بدنی و ترویج سلامت از طریق ورزش؛
۴. ایجاد فرصت‌های شغلی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی؛
۵. توسعه نظام تأمین اجتماعی فراگیر شامل بیمه بازنشستگی، بیکاری، ازکارافتادگی و حمایت از سالمندان و کم‌توانان؛

۵) توسعه، زیرساخت و منابع

۱. توسعه علم، فناوری و نوآوری از طریق حمایت از پژوهش‌های علمی، فناوری‌های نوین، انتقال دانش و توسعه دیجیتال؛
 ۲. توسعه و نگهداری زیرساخت‌های اساسی اقتصادی، اجتماعی، حمل و نقل، انرژی و ارتباطات؛
 ۳. توسعه ارتباطات و دسترسی همگانی به زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌عنوان زیرساخت حیاتی مدرن؛
 ۴. حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی و بهره‌برداری پایدار از آن‌ها؛
 ۵. تضمین امنیت آب، غذا و منابع حیاتی از طریق قانونگذاری، تحقیق، توسعه، تشویق، سرمایه‌گذاری و دیگر ابزارهای قانونی؛
 ۶. سیاست‌گذاری جمعیتی و مهاجرت داخلی، شامل مدیریت مهاجرت، توزیع جمعیت و اسکان؛
 ۷. مدیریت امور مالی، بودجه و اخذ مالیات با رعایت اصل شفافیت و عدالت؛
 ۸. حمایت و تقویت فرهنگ، هنر و میراث فرهنگی و تاریخی کشور؛
- علاوه بر وظایف فوق، سایر وظایف و اختیارات هر نهاد اجرایی بر اساس موارد زیر تعیین و تبیین می‌شود:

(۱) پیوست ۴ این قانون؛

(۲) سایر مواد و فصول این قانون؛

(۳) قوانین موضوعه مصوب مجالس و شوراهای هم‌ارز و مراجع بالادست.

۶-۳: انتصاب مقامات

- ۱) انتصاب سفرای کشور و مقامات بلند پایهٔ نهاد اجرایی فدرال با پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید نهاد قانونگذاری فدرال به انجام می‌رسد. نهاد قانونگذاری فدرال نمی‌تواند بیش از سه بار افراد معرفی شده توسط رئیس جمهور را رد کند یا اعلام نظر رسمی خود را بیش از ۱۵ روز طول دهد.
- ۲) رئیس جمهور می‌تواند در هنگام تعطیلات نهاد قانونگذاری، احکام انتصاب موقت صادر کند که در این شرایط، تأیید نهاد قانونگذاری شرط نیست. افرادی که در چنین حالت‌هایی نصب می‌شوند، می‌توانند حداکثر سه ماه به فعالیت خود ادامه دهند. در این مدت تمام حقوق و مسئولیت‌های قانونی به عهده افراد انتخاب شده، است.

۶-۴: حق وتوی رئیس نهاد اجرایی

رئیس نهاد اجرایی در هر سطح می‌تواند ظرف مدت ۷ روز از تصویب هر قانونی در نهاد قانونگذاری همسطح، آن را وتو کند. در این صورت قانون یاد شده به نهاد قانونگذاری بازگردانده خواهد شد تا در صورت صلاحدید با اکثریت غیر قابل وتو (سه‌چهارم) حداکثر در مدت ۳۰ روز، مجدداً تصویب گردد. در غیر این صورت قانون مربوطه ملغی شده و در دوره جاری اجرایی نمی‌توان مجدداً آن را تصویب کرد.

فصل ۷: نهاد دادگستری

۷-۱: ساختار نهاد دادگستری

نهاد دادگستری در تمامی امور دادرسی، صدور رأی و بررسی قضایی، مستقل از هر نهاد یا قوه دیگری عمل می‌کند. استقلال قضا و مصونیت آنها از هرگونه فشار، نفوذ یا مداخله تضمین می‌گردد. بخش اداری و پشتیبانی قوه قضاییه (شامل امور بودجه، تدارکات، زیرساخت، فناوری و مدیریت منابع انسانی غیرقضایی) با همکاری و نظارت دولت و در سطح وزارت دادگستری انجام می‌شود، مشروط بر اینکه هیچ‌گونه مداخله یا نفوذی در تصمیمات قضایی، انتصاب، ارتقاء، عزل یا انتقال قضات و روند دادرسی صورت نگیرد. مقررات مربوط به نحوه همکاری، تأمین بودجه و مدیریت اجرایی دستگاه قضایی، در چارچوب قانون و با تضمین استقلال قضا تعیین خواهد شد.

۷-۲: انواع دادگاه و وظایف آنها

انواع دادگاه، حوزه فعالیت آنها، روش اعتراض به احکام صادره از آنها و نیز روش شکایت از این دادگاه‌ها و قضات آنها به صورت زیر است:

۱) دادگاه عادی:

- **وظیفه:** دادگاه عادی مرجع رسیدگی به کلیه شکایتهای عمومی اشخاص از یکدیگر است. دادگاه عادی برای رسیدگی به فعالیت‌های خود می‌تواند شعب تخصصی از قبیل شعب ویژه تخلفات اجتماعی، اقتصادی و غیره، ایجاد نماید. محاکمات این دادگاه غیر علنی است ولی در صورت عمومی بودن جرم، با نظر موافق قاضی می‌تواند به صورت علنی برگزار شود. این دادگاه می‌تواند در سطح شهر و ایالت شعبه تاسیس کند.
- **انتخاب قضات:** به تعداد لازم، انتصاب توسط وزارت دادگستری ایالتی
- **شرایط احراز:** بر اساس رتبه‌بندی علمی، امتحان قضایی و سابقه
- **مدت انتصاب:** تا زمان بازنشستگی
- **روش دادخواست:** مستقیم
- **روش اعتراض به حکم:** : اعتراض به احکام این دادگاه نزد دادگاه عادی ایالتی و سپس دادگاه عالی کشور.

۲) دادگاه ایالتی:

- **وظیفه:** دادگاه ایالتی مرجع رسیدگی به شکایتهای ایالت‌ها از یکدیگر، از اشخاص ساکن در ایالت‌ها و نیز رسیدگی به شکایت اشخاص از مقامات و نهادهای ایالتی است.
- **انتخاب قضات:** ۷ نفر به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب دو سوم مجلس سنا
- **شرایط احراز:** داشتن تجربه قضایی و صلاحیت علمی
- **مدت انتصاب:** ۱۲ سال یا زمان بازنشستگی، بدون امکان انتصاب مجدد.

- **روش دادخواست: مستقیم**
 - **روش اعتراض به حکم: اعتراض به احکام این دادگاه نزد دادگاه فدرال و سپس دادگاه عالی کشور.**
- ۳) دادگاه فدرال:**
- **وظیفه:** رسیدگی به تخلفات کارگزاران حقیقی و حقوقی حکومت که در آن، اتهام یا جرم به خاطر مقام واقع شده باشد، مستقل از ایالت محل اقامت، رسیدگی به شکایت ایالت‌ها و اشخاص از حکومت فدرال، صلاحیت انحصاری در برخی جرایم مقامات عالی. دادگاه‌های فدرال نمی‌توانند در احکام صادره تخفیف بدهند. محکومین این دادگاه‌ها مشمول هیچ نوع عفو نمی‌شوند. تمام مراحل رسیدگی به چنین مواردی به صورت علنی برگزار می‌شود.
 - **انتخاب قضات:** ۵ نفر به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب دو سوم مجلس فدرال.
 - **شرایط احراز:** تخصص در حقوق اداری و شهرت در حوزه حقوق.
 - **مدت انتصاب:** ۱۲ سال یا زمان بازنشستگی، بدون امکان انتصاب مجدد. قابل استیضاح و برکناری توسط مجلس فدرال.
 - **روش دادخواست: مستقیم**
 - **روش اعتراض به حکم:** احکام قطعی است، اعتراض فقط در صورت اشتباه فاحش در روند رسیدگی در دادگاه عالی یا دادگاه قانون اساسی.
- ۴) دادگاه نظامی:**
- **وظیفه:** دادگاه نظامی مرجع رسیدگی به تخلفات اشخاص (حقیقی و حقوقی) نظامی، انتظامی و امنیتی که در رابطه با انجام وظایفشان مرتکب شده باشند و نیز رسیدگی به تخلفات اشخاص در زمینه امور نظامی، انتظامی و امنیتی است. محاکمات دادگاه نظامی غیر علنی است ولی قاضی پرونده می‌تواند بخشی یا تمام آن را منتشر نماید. احکام صادره در این دادگاه از قانون مجازات‌های تشدید شده، پیروی می‌کند.
 - **انتخاب قضات:** ۷ نفر که از آنها ۳ نفر دارای سابقه نظامی به پیشنهاد وزیر دفاع، ۳ نفر قاضی به پیشنهاد وزیر دادگستری و ۱ نفر از قضات قبلی دادگاه عالی یا دادگاه قانون اساسی یا در صورت عدم وجود به پیشنهاد فرمانده ارتش و همگی با موافقت دو سوم مجلس فدرال.
 - **شرایط احراز:** سابقه حقوقی و نظامی عالی
 - **مدت انتصاب:** ۱۲ سال یا زمان بازنشستگی، بدون امکان انتصاب مجدد. قابل استیضاح و برکناری توسط مجلس فدرال.
 - **روش دادخواست:** مستقیم و محرمانه، از کانال‌های تعیین شده. عدم امکان تماس مستقیم برای عموم جهت ارائه دادخواست.
 - **روش اعتراض به حکم:** اعتراض به احکام این دادگاه نزد دادگاه عالی کشور.
- ۵) دادگاه امور بین الملل:**
- **وظیفه:** رسیدگی به دعاوی بین‌المللی میان اشخاص، سازمان‌ها و نهادهای داخلی و اتباع خارجی.
 - **انتخاب قضات:** ۵ نفر به پیشنهاد مشترک وزیر دادگستری فدرال و کمیته ویژه‌ای شامل ۵ نماینده مجلس فدرال به انتخاب مجلس فدرال و ۵ سناتور به انتخاب سنا.
 - **شرایط احراز:** سابقه برجسته در حقوق بین‌الملل
 - **مدت انتصاب:** ۱۲ سال یا زمان بازنشستگی، بدون امکان انتصاب مجدد.
 - **روش دادخواست:** دادخواست از طریق دادگاه عادی
 - **روش اعتراض به حکم:** اعتراض به احکام این دادگاه نزد دادگاه عالی کشور.

۶) دادگاه قانون اساسی:

- **وظیفه:** مرجع رسیدگی به دادخواست‌های مربوط به تفسیر قانون اساسی و تخلفات ارکان حکومت و اشخاصی که دارای تابعیت کشور بوده یا در حریم کشور مشغول فعالیت هستند، در مورد نقض قانون اساسی است. نیز، به اختلافات میان قوا، یا میان نهادهای فدرال و ایالتی رسیدگی میکند. تمام مراحل رسیدگی به چنین مواردی به صورت علنی برگزار می‌شود. حکم با موافقت ۷۵٪ قضات.
- **انتخاب قضات:** ۶ نفر توسط مجلس فدرال با اکثریت دو سوم نمایندگان، ۳ نفر توسط مجلس سنا با اکثریت دو سوم سناتورها و ۳ نفر توسط نهاد اجرایی فدرال با اکثریت دو سوم وزیران.
- **شرایط احراز:** تخصص در حقوق اساسی و شهرت برجسته در حوزه حقوق؛ حداقل بخشی باید از میان قضات دادگاه‌های عالی دیگر یا اساتید برجسته حقوق باشند.
- **مدت انتصاب:** ۱۲ سال یا زمان بازنشستگی، بدون امکان انتصاب مجدد.
- **روش دادخواست:** از طریق یک دادگاه عادی و ارجاع آن به دادگاه قانون اساسی
- **روش اعتراض به حکم:** احکام این دادگاه قطعی است و فرجام‌خواهی ندارد، مگر در صورت کشف تخلف آشکار در روند دادرسی که فقط در خود این دادگاه قابل رسیدگی است.

۷) دادگاه عالی:

- **وظیفه:** این دادگاه مرجع رسیدگی و اعلام نظر نهایی در مورد درخواست‌های تجدیدنظر، رسیدگی به شکایت از سیستم قضائی و قضات و بررسی تمام حکم‌های منجر به عواقب جبران ناپذیر است.
- **انتخاب قضات:** ۳ نفر توسط مجلس فدرال با اکثریت دو سوم نمایندگان، ۳ نفر توسط مجلس سنا با اکثریت دو سوم سناتورها و ۳ نفر توسط نهاد اجرایی فدرال با اکثریت دو سوم وزیران.
- **شرایط احراز:** تخصص در حقوق اساسی و شهرت برجسته در حوزه حقوق؛ حداقل بخشی باید از میان قضات دادگاه‌های عالی دیگر یا اساتید برجسته حقوق باشند.
- **شرایط احراز:** سابقه برجسته قضایی
- **مدت انتصاب:** تا زمان بازنشستگی، قابل استیضاح و برکناری توسط مجلس فدرال
- **روش دادخواست:** از طریق دیگر دادگاه‌ها و فقط در صورت صورت اعتراض به حکم
- **روش اعتراض به حکم:** ندارد

۷-۳: حق دادخواست

هر شخص حق دارد به صورت انفرادی یا جمعی از قول خود یا به نمایندگی از اشخاص دیگر درخواست دادرسی خود را به دادگاه‌های نهاد دادگستری، کمیته‌های نهاد قانونگذاری، هیئت‌های تحقیق و تفحص یا هر نهاد قانونی دیگری که برای دریافت و پیگیری دادخواست تأسیس شده است، ارائه کرده و به موقع و به طور شفاف در جریان اقدامات انجام شده قرار گیرد.

۷-۴: مبنای مجازات

- ۱) مبنای مجازات اشخاص، منحصرأً تخلف از قانون در حریم کشور است.
- ۲) برای فعل یا ترک فعلی که در قانون مجازات تعیین نشده یا خارج از حوزه قضائی صورت گرفته، نمی‌توان شخصی را متهم، بازجویی، محاکمه، محکوم یا مجازات کرد.

۷-۵: صلاحیت جهانی دادگاهها

- ۱) دادگاههای کشور، بدون توجه به تابعیت یا محل وقوع جرم، صلاحیت رسیدگی به جرائم شدید بین‌المللی شامل نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، شکنجه، تروریسم، برده‌داری، ناپدیدسازی قهری و سایر نقض‌های فاحش حقوق بشر را دارند.
- ۲) دادرسی می‌تواند به درخواست دولت، اشخاص یا سازمان‌های بین‌المللی صالح آغاز شود.
- ۳) هیچ مصونیتی مانع تعقیب، تحقیق و دادرسی نخواهد بود.
- ۴) احکام این دادگاهها می‌بایست با موازین حقوق بشر بین‌المللی و اسناد الزام‌آور جهانی هماهنگ باشد.
- ۵) نهاد دادگستری باید سازوکار قانونی و اداری و چارچوب همکاری‌های بین‌المللی لازم جهت اجرای مؤثر احکام چنین دادگاه‌هایی را فراهم کند.

۷-۶: رویه دادرسی

- ۱) دادرسی به درخواست‌ها در یک دادگاه دارای صلاحیت، رسمی، با حضور وکلای طرفین، با حضور هیئت منصفه و بر مبنای مستندات و قانون به انجام میرسد.
- ۲) واجدین شرایط، نحوه تعیین و تعداد اعضای هیئت منصفه در هر نوع دادگاه را قانون تعیین می‌کند.
- ۳) شهروندان مستقل در صورت فراخوانی برای شرکت در دادگاه به عنوان شاهد یا عضو هیئت منصفه موظف به شرکت هستند.

۷-۷: استقلال و مصونیت وکیل دعاوی

وکلاي دعاوی از کلیه ارکان حکومت مستقل اند و در زمینه وکالتی که انجام می‌دهند، مصون از تعقیب اند.

۷-۸: تضمین صدور آسان‌ترین حکم

احکام صادره نباید از آسان‌ترین حکمی که در ۲۵ سال گذشته برای جرم مشابه صادر شده و با قوانین فدرال و ایالتی جاری در تناقض نیست، سخت‌تر باشد (مگر به حکم قانون و ثابت شدن شرایط مجازات‌های تشدید شده).

۷-۹: تضمین حقوق متهم

فردی که به ارتکاب جرمی متهم می‌شود، حق داشتن آگاهی از اتهام خود، وکیل قانونی اختیاری، دسترسی به تمام اسناد، مدارک و شواهد، محاکمه سریع توسط یک دادگاه صالح و هیئت منصفه‌ای بی‌طرف، مواجهه با کسانی که علیه وی شهادت داده‌اند و اعتراض به رأی صادره را دارد. محاکمه و صدور رأی بدون حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی ممنوع است.

۷-۱۰: ممنوعیت مجازات غیر انسانی

هر مجازاتی که اصل «تضمین کرامت انسان» را نقض کند، موجب قطع یا نقص عضو شود، آسیب جسمی یا روانی غیر قابل جبران یا دائمی ایجاد کند، یا موجب مرگ شود ممنوع است. قصاص ممنوع است.

۷-۱۱: تخفیف مجازات شهروندان وابسته

حکم صادره برای جرایمی که شهروندان وابسته مرتکب می‌شوند، نسبت حکم صادره برای جرایم مشابه که توسط شهروندان مستقل در شرایط برابر انجام شده باشد، یک درجه تخفیف خواهد داشت.

۷-۱۲: تشدید مجازات کارگزاران حکومت

حکم صادره برای جرایمی که کارگزاران حکومت مرتکب می‌شوند نسبت به حکم صادره برای جرایم مشابه که توسط شهروندان مستقل در شرایط برابر انجام شده باشد، یک درجه تشدید خواهد داشت.

۷-۱۳: تشدید مجازات نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی

حکم صادره برای جرایمی که نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی مرتکب می‌شوند نسبت حکم صادره برای جرایم مشابه که توسط شهروندان مستقل در شرایط برابر انجام شده باشد، دو درجه تشدید خواهد داشت.

۷-۱۴: تعیین مشخصات قوانین مجازات

در قوانین مربوط به مجازات‌ها، باید برای هر جرم، مجازات عادی، مجازات با احتساب یک درجه تخفیف، یک درجه تشدید، دو درجه تشدید، اشد مجازات و شرایط عفو تعیین گردد. اشد مجازات بیشترین مجازات قانونی است که برای یک جرم در نظر گرفته شده است، بدون امکان تخفیف، عفو میان دوره ای یا استفاده از اصل «تضمین صدور آسان‌ترین حکم».

۷-۱۵: مصادیق سوء استفاده از قدرت

هرگونه فعل (یا ترک فعل) (گفتار و کردار) که از کارگزاران و نهادهای حکومتی سربرزند و خارج از حیطه اختیارات و وظایف آنها باشد، مصادیق سوء استفاده از قدرت بوده، جرم محسوب می‌شود.

۷-۱۶: ممنوعیت شهادت علیه خود و خانواده

هیچ فردی را نمی‌توان به شهادت و اقدام بر ضد خود و اعضای درجه یک و دو خانواده خود مجبور کرد. چنین شهادتی از درجه اعتبار ساقط است و آمران و مجریان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

۷-۱۷: شخصی بودن جرم

جرم شخصی است. شخصی بودن جرم دو جنبه دارد. اول اینکه بابت جرمی که یک شخص مرتکب شده نمی‌توان هیچ شخص دیگری را متهم، تعقیب، بازداشت، محاکمه و تبرئه یا محکوم کرد. جنبه دوم اینکه نباید به خاطر جرمی که مجرم مرتکب شده دیگران آسیب ببینند. به ویژه این امر در مورد زنان باردار یا شیرده و تامین مالی خانواده‌های مجرمانی که منبع درآمد خانواده بوده و درآمد دیگری ندارند، باید رعایت گردد.

۷-۱۸: ممنوعیت مجازات ثانویه و جانبی

مجرم و اعضای خانواده درجه یک و دو وی نباید تحت مجازات ثانویه یا جانبی قرار گیرند. انتقال زندانی به محلی دور از محل زندگی خانواده، نمونه‌ای از مجازات ثانویه مجرم و مجازات جانبی خانواده وی است. نیز محروم شدن دانشجو از تحصیل به دلیل اجرای حکمی که به تحصیل وی ارتباط نداشته، مصداق مجازات ثانویه است. چنین مجازات‌هایی فقط در صورت دستور مستقیم وزیر دادگستری ایالت (ایالت‌های) درگیر و به دلایل لجستیک یا امنیتی و ایمنی و به صورت موقت مجاز است. نهاد اجرایی باید کلیه امکانات لازم برای کاهش اثر مجازات ثانویه و جانبی را فراهم کرده و هزینه‌ها و خسارات ناشی از آنها را پرداخت کند. فهرست و مصادیق مجازات ثانویه و جانبی را وزارت دادگستری تهیه و به تصویب مجلس فدرال می‌رساند.

۷-۱۹: عدم تکرار محاکمه و مجازات

متهم را پس از تبرئه و مجرم را پس از اجرای حکم، نمی‌توان دوباره به همان اتهام یا جرم محاکمه کرد. در صورت کشف تبانی بین مجرم یا متهم و قاضی برای سوءاستفاده از این قانون، هر دوی آنها به اشد مجازات محکوم می‌شوند.

۷-۲۰: تناسب جرم و مجازات

مجازات باید متناسب با جرم، میزان آگاهی، برنامه‌ریزی، قدرت مجرم و نیز حوزه تاثیر جرم و تعداد تکرار آن از طرف مجرم باشد. این تناسب، باید مدون و سامان‌یافته بوده و از طریق نهاد قانونگذاری به تصویب رسیده باشد.

۷-۲۱: ممنوعیت تسلیم اتباع کشور به خارجیان

تسلیم شهروندان به دولت‌های خارجی و نیز انتقال آنها با خارج از حوزه قضایی یا حاکمیتی کشور برای بازپرسی، بازداشت، نگهداری یا مجازات ممنوع است.

۷-۲۲: ممنوعیت بازداشت خودسرانه

(۱) هیچ شخصی در حریم کشور نمی‌تواند فردی را به طور خودسرانه بازداشت کند.

- (۲) حکم بازداشت منحصراً از طریق «حکم قضائی مستقیم» و بر اساس مدارک و شواهد مثبت صادر می‌شود. عمل بازداشت منحصراً توسط شهربانی و از طریق دریافت یک حکم قضائی مستقیم بازداشت، بررسی صحت آن، اجرای حکم و ثبت اطلاعات مربوطه (از قبیل حکم، درخواست کننده، مجری یا مجریان، فرد بازداشت شده، زمان، نحوه انجام و دیگر مواردی که قانون تعیین می‌کند) قابل انجام است.
- (۳) صدور و اجرای حکم بازداشت گروهی، بی‌نام، قبل از موعد، از پیش آماده شده و بدون مبنای قضائی ممنوع بوده، جرم شناخته می‌شود. این قانون به ویژه نیروهای امنیتی که نیاز به بازداشت افراد دارند، را منع میکند.
- (۴) در صورتی که به هر دلیلی، فردی از مجرای غیر از رویه ذکر شده در این ماده، بازداشت شده باشد، باید بلافاصله همراه با مستندات بازداشت و وقایع اتفاقیه‌ی پس از بازداشت به نزدیک‌ترین شهربانی به محل بازداشت تحویل شود. کلیه گفته‌ها و اعترافات فرد بازداشت شده در چنین حالتی، فاقد اعتبار بوده و غیر قابل استناد است. کلیه دست اندرکاران و آمران چنین بازداشتی باید در دادگاه نظامی حاضر شده و ثابت کنند که راه دیگری برای بازداشت فرد مورد نظر وجود نداشته یا راه‌های موجود در زمان بازداشت، امکان ایجاد مخاطره برای دیگران را افزایش می‌داده است. در صورت عدم احراز چنین نیازی، خاطیان زیر اتهام آدم‌ربایی و سوء استفاده از قدرت نظامی محاکمه می‌شوند.

فصل ۸: حقوق شهروندان

۸-۱: تضمین کرامت انسان

- ۱) کرامت انسان شامل، و نه محدود به، زندگی، فردیت، یکپارچگی، استقلال و عاملیت فرد تضمین می‌شود، از تعرض مصون است، مورد احترام، در همه انسانها برابر، غیرقابل نقض و انتقال است.
- ۲) کلیه ارکان و اجزای کشور باید از کرامت انسان حمایت کنند.
- ۳) فردیت فقط به انسان تعلق می‌گیرد.
- ۴) حیوانات، اشیاء، مفاهیم، موجودات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری هوشمند، الگوریتم‌ها، سیستم‌ها و شخصیت‌های مجازی، موجودات تولید شده از طریق فناوری و موجودات غیر زمینی به عنوان فرد شناخته نمی‌شوند.

۸-۲: حق برخورداری از سطح زندگی شایسته

هر فردی که در قلمرو کشور زندگی می‌کند، حق دارد از یک سطح زندگی شایسته و کافی، شامل خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت بهداشتی، امنیت اجتماعی و امکانات لازم برای تأمین سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش برخوردار باشد. دولت موظف است با استفاده از منابع عمومی و اتخاذ سیاست‌های مناسب، تحقق عملی این حق را برای همه مردم تضمین و حمایت نماید. چگونگی بهره‌مندی افراد تابع (شامل اتباع خارجی، پناهندگان و ساکنان غیر شهروند) از این حقوق و خدمات، مطابق قانون و با رعایت اصل کرامت انسانی، تنظیم می‌شود.

۸-۳: برابری در مقابل قانون

- ۱) همه شهروندان کشور در مقابل قانون برابرند و قانون نیز در مقابل همه شهروندان به طور یکسان مورد محافظت قرار می‌گیرد.
- ۲) افراد را نمی‌توان بر اساس «ویژگی‌های غیر موثرشان» (شامل جنسیت و گرایش جنسی، خانواده، والدین، نژاد، زبان، محل تولد، محل زندگی، ایمان، عقیده، گرایش سیاسی، پیشینه و دیگر علائم ممیزه) مورد رفتار مادون و یا مرجح قرار داد.
- ۳) هیچ فردی را نمی‌توان به خاطر کم‌توانی یا ناتوانی از حقوقش محروم کرد.

۸-۴: تضمین اجرای اسناد جهانی حقوق بشر

اصول و توصیه‌های اسناد زیر به رسمیت شناخته شده و حکومت موظف به تضمین رعایت و اجرای آن‌ها در چهارچوب قانون اساسی است. مفاد این اسناد، چارچوب راهنما و معیار تفسیر اصول و مقررات قانون اساسی و قوانین عادی محسوب می‌شوند. شهروندان و ساکنان کشور می‌توانند با استناد به مفاد این اسناد در دادگاه‌ها و مراجع صالح دادخواست داده و درخواست حمایت کنند.

(۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر

(۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

(۳) کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

(۴) اعلامیه جهانی حقوق کودک

اجرای این حقوق در حدود مقررات اسناد فوق و با رعایت قانون اساسی و قوانین موضوعه انجام خواهد شد. هرگونه محدودیت بر حقوق بنیادین فقط برای حفاظت از حقوق و آزادی‌های دیگران، پیشگیری از جرم، حفظ سلامت و امنیت عمومی یا حفاظت از امنیت کشور در برابر تهدیدات نظامی مجاز است. چنین محدودیت‌هایی باید ضروری، متناسب، موقت و قانونی باشند. هرگونه تعارض میان قانون اساسی و مفاد این اسناد باید توسط قوانین موضوعه یا داور دادگاه قانون اساسی و با هدف بیشترین انطباق و رعایت حقوق بشر حل و فصل گردد.

۸-۵: برخورد قانونی با ساکنان کشور

حکومت هیچ شخصی اعم از شهروند یا اتباع خارجی را بدون طی مراحل قانونی پیش بینی شده، از حقوق قانونی خود و نیز از حمایت‌های پیش‌بینی شده در قانون، محروم نمی‌سازد.

۸-۶: تناسب آزادی و مسئولیت

(۱) هرکس به اندازه آزادی‌اش مسئول است.

(۲) هیچ شخصی مأمور و معذور نیست.

(۳) هیچ شخصی نمی‌تواند عملی انجام دهد که قانون اساسی و قوانین موضوعه را نقض کند.

(۴) داشتن نقش‌ها و رتبه‌های مختلف اجتماعی، علمی، قانونی و غیره نمی‌تواند کسی را از وظایف انسانی و قانونی‌اش معاف نماید. نیروهای امنیتی، انتظامی و نظامی نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

۸-۷: تضمین حقوق پایه

هیچ فردی را نمی‌توان از حق سلامت، آموزش دیدن، آموزش دادن، رشد و ارتباط با دیگران محروم کرد.

۸-۸: آزادی ابراز

هر فردی حق دارد خود را (شامل عقیده، فکر، ظاهر، پوشش، نحوه زندگی و هرگونه بیان) آزادانه به وسیله نطق، قلم، تصویر، نمایش، پوشش، هنر یا هر روش و ابزار دیگری که به دیگران ضرر نمی‌رساند، ابراز و از طریق هر رسانه‌ای منتشر سازد.

۸-۹: آزادی پوشش

- ۱) کمینه پوشش بدن برای حفظ کرامت و سلامت عمومی را نهاد استاندارد تعیین و نهاد قانونگذاری فدرال تصویب و اعلام می‌کند.
- ۲) استفاده از لباس و علائم شغلی، فقط در زمان و مکان خدمت مجاز است و استفاده از آن خارج از این چارچوب ممنوع است، مگر به موجب قانون خاص.
- ۳) هر فرد حق دارد پوشش و علائم عقیدتی خود را در ملأ عام و اماکن عمومی و حکومتی ابراز کند؛ هرگونه محدودیت بر این حق، تنها به موجب قانون، برای حفظ امنیت، نظم عمومی، سلامت یا حقوق و آزادی‌های دیگران و به صورت متناسب، موجه و غیر تبعیض‌آمیز مجاز است.
- ۴) نهادهای عمومی، مراکز عقیدتی و نهادهای خصوصی می‌توانند با رعایت قوانین ضد تبعیض و با کسب مجوز از وزارت فرهنگ، مقررات پوشش ویژه خود را برای فضای تحت مدیریت‌شان تعیین و اعمال کنند. هر فردی حق اعتراض و دادخواست به این مقررات را نزد دادگاه‌های عادی دارد.

۸-۱۰: نام‌گذاری افراد

- ۱) الزام نام‌گذاری: هر فرد باید دارای نام و نام خانوادگی باشد که در زمان تولد به وی منتسب می‌شود. اولویت انتساب نام و نام خانوادگی به کودک یا شهروند وابسته با سرپرستان فرد است.
- ۲) آزادی نام‌گذاری: افراد در انتخاب نام و نام خانوادگی برای خود و نیز فرزندان و شهروندان وابسته‌ی تحت سرپرستی خود آزادند. کلیه نهادها، ادارات و مراجع رسمی کشور موظف‌اند در ثبت، شناسایی و به‌کارگیری نام و نام خانوادگی افراد، به هویت فرهنگی، زبانی، خانوادگی و فردی آنان احترام گذاشته و از هرگونه تبعیض یا تغییر اجباری خودداری نمایند.
- ۳) ثبت چندزبانه: نام و نام خانوادگی هر فرد باید دست‌کم به سه صورت زیر در اسناد هویتی رسمی (از جمله شناسنامه، گذرنامه و مدارک فدرال یا ایالتی) درج شود: به زبان و رسم‌الخط ایالت محل ثبت، به زبان و رسم‌الخط فدرال و به زبان و رسم‌الخط انگلیسی. شیوه نگارش، معادل‌سازی و تلفظ نام‌ها در زبان‌های مختلف باید مطابق نظام مصوب و ثبت‌شده‌ای صورت گیرد که توسط نهاد استاندارد تدوین شده است. این نظام‌نامه باید در دسترس عموم قرار گیرد تا وحدت رویه و شفافیت در ثبت، معادل‌سازی و خوانش اسامی افراد تضمین گردد.
- ۴) حق تغییر نام: هر شهروند مستقل حق دارد، از طریق یک فرآیند اداری غیرتبعیض‌آمیز، ساده و شفاف نسبت به تغییر نام یا نام خانوادگی خود یا نحوه نگارش آنها اقدام کند. درخواست تغییر نام به‌ویژه هنگام کسب شهروندی یا اقامت و یا در صورت وجود دلایل منطقی (نظیر حفظ کرامت انسانی، حذف آثار تبعیض، هویت‌یابی مجدد، یا رفع موانع حقوقی و اجتماعی)، باید توسط مرجع ذیصلاح ظرف مدت معین بررسی و نتیجه آن اعلام گردد. رد درخواست تغییر نام باید مستند و قابل دادخواست قضایی باشد.

- ۵) محدودیت‌های نام‌گذاری: ممنوعیت انتخاب یا ثبت برخی نام‌ها فقط در موارد استثنایی، بر مبنای معیارهای شفاف، غیرتبعیض‌آمیز و صرفاً به موجب قانون و با تضمین حق اعتراض و دادخواست به مرجع قضایی مجاز است.
- ۶) ممنوعیت ثبت القاب و عناوین: درج هرگونه عنوان، پیشوند یا پسوندی که به هر نحو واجد معنای امتیاز یا محدودیت، برتری یا کهنتری، یا سلسله‌مراتب اجتماعی، دینی، مذهبی، قومی یا حقوقی باشد در اسناد هویتی رسمی و سایر اسناد حکومتی ممنوع است. مقررات نحوه شناسایی، فهرست عناوین ممنوع و شیوه اعتراض به تصمیمات، به موجب قانون تعیین می‌شود.
- ۷) شمول اتباع خارجی و متقاضیان شهروندی: این اصل در مورد اتباع خارجی مقیم کشور و همچنین در زمان درخواست شهروندی (از هر طریقی)، لازم‌الاجراست.

۸-۱۱: آزادی عقیده

- ۱) افراد در داشتن هرگونه عقیده‌ای آزادند، می‌توانند هر تعداد دین، مذهب و عقیده را حتی به طور همزمان داشته باشند و آزادانه و بدون مزاحمت آنها را اجرا کنند یا تغییر دهند. افراد حتی می‌توانند عقاید ترکیبی و خودساخته داشته باشند.
- ۲) اطلاعات عقیدتی افراد در هیچ نهاد حکومتی ثبت، نگهداری و پردازش نشده و مورد بهره برداری قرار نمی‌گیرد. فعالیت‌های تحقیقی و آماری به شرط تضمین عدم شناسایی و مخفی نگه داشتن هویت افراد مجاز است.

۸-۱۲: مسئولیت در مقابل قانون

- ۱) افراد و اشخاص نسبت به گفتار و کردار خود منحصراً در مقابل قانون مسئولند.
- ۲) مجاز بودن یک عمل در عقیده‌ای که فرد پیرو آن است، موجب مستثنی یا متفاوت شدن وی از پیگرد و برخورد قانونی نمی‌شود.
- ۳) پیروی از یک عقیده، هیچ حقی برای پیروان آن نه نسبت به کشور و شهروندان و نه نسبت به رهبران و اسناد و کتاب‌های مقدس یا مورد رجوع آن عقیده ایجاد نمی‌کند.

۸-۱۳: آزادی جابجایی، اسکان و اشتغال

- ۱) شهروندان آزادند به هر کجای کشور سفر کنند، اقامت گزینند و به شغل دلخواه خود اشتغال ورزند.
- ۲) ایالت‌ها حق ایجاد محدودیت در این زمینه‌ها را ندارند.
- ۳) کار اجباری در مقابل حقوق قانونی، فقط با حکم قضائی و منحصراً برای محکومان قابل اعمال است.

۸-۱۴: ممنوعیت اجبار به ترک یا پذیرش اعتقاد

- ۱) اجبار افراد به ترک، گرویدن یا تغییر اعتقاداتشان ممنوع است. تبلیغ عقیده برای شهروندان وابسته ممنوع است.
- ۲) این اصل به اتباع خارجی مقیم حریم کشور نیز اعمال می‌شود.
- ۳) هرگونه استفاده از نهادها، اشخاص، امکانات، پول و خدمات کشور برای تبلیغ یا آموزش عقیده در خارج از حریم کشور برای تاثیرگذاری در داخل یا خارج حریم کشور، حتی به سفارش و هزینه خارجی‌ان ممنوع است.

۸-۱۵: آموزش باور و حمایت از استقلال فکری کودکان

والدین یا قیم‌های قانونی حق دارند آموزش دینی، اخلاقی و فرهنگی فرزند یا افراد تحت تکفل خود که کودک، شهروند وابسته یا معادل آن باشند را مطابق باور و وجدان خویش انجام دهند، مشروط بر آنکه این آموزش:

- ۱) مبتنی بر آزادی اندیشه، احترام به پرسشگری و انتقادپذیری باشد؛
 - ۲) شامل اجبار، تلقین مطلق، محروم‌سازی از آگاهی از سایر دیدگاه‌ها، اعمال ترس، تهدید یا مجازات جسمی و روانی نشود؛
 - ۳) فرصت مواجهه کودک یا فرد وابسته با دیدگاه‌ها و آموزه‌های متنوع (در چارچوب سن و توان ذهنی) فراهم شود؛
 - ۴) مانع از رشد استقلال فکری، حق انتخاب دین یا بی‌دینی و شکوفایی شخصیت فرد نشود.
- هرگونه تلاش هدفمند و مستمر برای محروم کردن شهروند وابسته از مواجهه آزادانه و منطقی با عقاید و باورهای مختلف، یا شستشوی مغزی و القای اجباری باور، ممنوع است و قابل پیگرد است. آیین‌نامه اجرایی، معیارها و شیوه‌های تشخیص تلقین، شستشوی مغزی و تبلیغ افراطی، نحوه دریافت و رسیدگی به شکایات و تضمین حمایت‌های لازم از استقلال فکری شهروندان وابسته را تعیین می‌کند. مراجع آموزش عمومی و نهادهای تربیتی موظف‌اند اصول آزادی اندیشه و پرورش تفکر انتقادی را در برنامه‌های آموزشی لحاظ کنند.

۸-۱۶: آزادی جریان اطلاعات

- ۱) تمام افراد، اعم از شهروند یا غیرشهروند، در کسب، تهیه، تولید، نگهداری، پردازش و انتشار اطلاعات آزادند و نمی‌توان آنان را بابت چنین اعمالی تعقیب، محاکمه یا محکوم کرد، مگر در مواردی که انتشار اطلاعات، به‌طور روشن و مستقیم، موجب نقض حریم خصوصی دیگران، آسیب جدی به امنیت ملی، یا جان و سلامت عمومی شود و این امر با تصمیم دادگاه صالح و مستقل اثبات گردد.
- ۲) حکومت می‌تواند برای اتباع خارجی، غیرشهروندان و شهروندان غیرمقیم، محدودیت‌های خاصی در خصوص دسترسی، نگهداری یا انتشار اطلاعات امنیتی یا دولتی به موجب قانون مقرر کند، مشروط به اینکه اصل آزادی جریان اطلاعات برای همگان حفظ شود و این محدودیت‌ها شفاف، استثناء و غیرتبعیض‌آمیز باشد.
- ۳) حکومت می‌تواند اطلاعات خاص را صرفاً در صورت ضرورت و با رعایت اصل شفافیت، مطابق قانون، طبقه‌بندی امنیتی کند. در این موارد، افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده، صرفاً زمانی جرم تلقی می‌شود که انتشار آن به وضوح موجب خطر جدی برای منافع اساسی عمومی گردد.
- ۴) هیچ فرد یا رسانه‌ای، از جمله روزنامه‌نگاران، نویسندگان و فعالان اطلاع‌رسانی، ملزم به افشای منبع اطلاعات خود نیستند، مگر در موارد استثنایی و صرفاً با حکم دادگاه صالح و مستقل، آن هم تنها زمانی که ضرورت جدی و آشکار برای دفاع از جان انسان‌ها، امنیت ملی یا جلوگیری از وقوع جرم شدید وجود داشته باشد. اصول و معیارهای استثناء، مطابق قانون مصوب خواهد بود. هرگونه اقدام مقامات یا اشخاص در فشار، تهدید یا اجبار به افشای منابع خبری، ممنوع و جرم تلقی می‌شود.

۸-۱۷: مشارکت فرهنگی، هنری و علمی

هر فرد حق دارد آزادانه و بدون تبعیض در زندگی فرهنگی جامعه مشارکت کند، از هنرها بهره‌مند شود، در پیشرفت‌های علمی و منافع آن سهیم باشد و به فعالیت‌های فرهنگی، هنری، علمی و آموزشی دسترسی برابر داشته باشد. دولت موظف

است فرصت‌ها و شرایط لازم برای مشارکت فعال، خلق، آموزش و بهره‌مندی همگان از فرهنگ، هنر، دانش و پیشرفت‌های علمی را فراهم و موانع مشارکت فرهنگی و علمی را رفع کند. هیچ فرد یا گروهی نباید به دلیل «ویژگی‌های غیر موثر» از این حقوق محروم یا در بهره‌مندی از آن محدود شود.

۸-۱۸: آزادی تفسیر و انتشار اطلاعات

رسانه‌های جمعی در انتشار، عدم انتشار یا تفسیر اطلاعات آزادند. منابع اطلاعاتی خبرهای منتشره در رسانه‌ها فقط با حکم قضائی مستقیم قابل افشا است. جعل و تغییر خبر و واقعیت‌ها و نیز انتشار دروغ ممنوع است.

۸-۱۹: آزادی رسانه‌های جمعی

- (۱) کلیه اشخاص می‌توانند بدون کسب اجازه (فقط با ثبت در نهادهای ذیربط به منظور تنظیم و مدیریت منابع) اقدام به راه اندازی هر تعداد رسانه از هر نوعی بنمایند و اطلاعات دلخواه خود را منتشر نمایند.
- (۲) رسیدگی به تخلف رسانه‌ها از قوانین، فقط از طریق شکایت مستقیم و بررسی در دادگاه عادی امکان پذیر بوده و در صورت تشکیل به صورت علنی و با حضور هیات منصفه خواهد بود.

۸-۲۰: ممنوعیت تمرکز رسانه

- (۱) هیچ شخصی نمی‌تواند سهم مسلطی از بازار رسانه‌ای کشور را در اختیار داشته باشد.
- (۲) هیچ شخصی نمی‌تواند انحصار موضوعی، محتوایی، جغرافیایی، زمانی یا تکنولوژیکی رسانه‌ای کشور را در اختیار داشته باشد.
- (۳) قانون باید تنوع رسانه‌ای، رقابت آزاد و استقلال رسانه‌ها را تضمین کند.

۸-۲۱: ممنوعیت کاهش آزادی جریان اطلاعات

حکومت نمی‌تواند قانونی را وضع کند یا به اجرا بگذارد که از طریق آن آزادی کسب، تهیه، تولید، نگهداری، پردازش و انتشار اطلاعات، ممنوع یا محدود گردد.

۸-۲۲: امکان دسترسی عمومی به اطلاعات

هر شخص حق دارد به اطلاعات نهادهای عمومی دسترسی داشته باشد. محدودیت این حق فقط در موارد زیر مجاز است:

- (۱) امنیت ملی در برابر تهدیدات نظامی
- (۲) حریم خصوصی افراد
- (۳) تحقیقات قضایی فعال

تمام محدودیت‌ها باید قانونی، موقت و قابل اعتراض در دادگاه باشند.

۸-۲۳: تضمین محرمانه بودن هر نوع انتقال اطلاعات

محرمانه بودن هر نوع انتقال اطلاعات از هر نوع کانال ارتباطی (اعم از تلفن، اینترنت، پست، موبایل و غیره) تضمین شده و مصون از تجاوز است. ایجاد محدودیت در این زمینه، تنها بر اساس حکم قضائی مستقیم برای کانال ارتباطی مشخص و برای زمان مشخص قابل اجرا است. صدور هرگونه حکم عمومی در این باره ممنوع است.

۸-۲۴: مصونیت حریم خصوصی

حریم خصوصی، خانواده و خانه افراد از تعرض مصون است. فقط با حکم قضائی مستقیم و صادر شده از قبل و منحصرأ از طریق «مسئول اجرای دستورات قضائی»، می‌توان به حریم خصوصی، خانه، محل زندگی یا کار شخص وارد شد، آنرا تفتیش کرد یا درباره آن اطلاعات استخراج کرد. نگهداری، پردازش یا انتشار اطلاعات به‌دست‌آمده صرفاً به موجب قانون و با رعایت حقوق بنیادین اشخاص مجاز است. حق اعتراض و شکایت نسبت به هرگونه نقض این مصونیت، همواره و برای همه محفوظ است.

۸-۲۵: آزادی تجمع

شهروندان حق دارند بدون آن که قبلاً به مقامی یا نهادی اطلاع داده و یا کسب اجازه کرده باشند با رعایت آرامش و بدون اسلحه دور هم جمع شده یا گردهم‌آیی اعتراضی برگزار کنند. برای برگزاری گردهم‌آیی در آن دسته از اماکن عمومی که ممکن است باعث اختلال در زندگی شهروندان شود، می‌بایست پیشتر از شهرداری مجوز دریافت کرد. شهرداری‌ها موظفند با همکاری شهرداری‌های همجوار و امنیت تجمعات را فراهم نمایند. حق تجمع ممکن است بر طبق قانون محدود شود ولی در هیچ حالتی قابل منع شدن نیست. شهروندان می‌توانند علیه محدودیت‌ها و مخالفت‌های شهرداری و دیگر نهادها به دادگاه‌های عادی دادخواست بدهند.

۸-۲۶: آزادی تشکل

- ۱) شهروندان آزادند که تشکل‌ها، انجمن‌ها، گروه‌ها، مجامع، سندیکاها، اتحادیه‌ها، اصناف و احزاب سیاسی مورد نظر خود را تأسیس کنند، در قالب آنها متشکل شوند و برای پیشبرد اهداف و دفاع از حقوق و منافع جمعی خود فعالیت کنند.
- ۲) فعالیت این دسته از تشکل‌ها و نهادها مستلزم ثبت در مراکز قانونی است. نهاد ثبت شده، یک شخص حقوقی محسوب می‌شود.
- ۳) سازمان داخلی این نهادها باید منطبق بر اصول دموکراتیک باشد و بایستی منابع درآمد خود را در معرض اطلاع عموم بگذارند.
- ۴) مؤسساتی که در اساس‌نامه، مرام‌نامه یا رویه‌ی اعضا یا اجرای برنامه‌هایشان در صدد لطمه زدن یا از بین بردن نظم اساسی دموکراتیک باشند نافی قانون اساسی و مجرم شناخته خواهند شد. نهاد امنیت موظف به نظارت بر اینگونه فعالیت‌ها و در صورت مشاهده، ارجاع آنها به نهاد قانونگذاری است.
- ۵) هیچ فردی نباید به دلیل عضویت یا فعالیت قانونی در این نهادها مورد تعقیب یا تبعیض قرار گیرد.

۸-۲۷: آزادی نافرمانی مدنی

هرگونه نافرمانی مدنی اعم از تظاهرات، عدم مشارکت، اعتصاب و تحصن مادامی که بدون حمل سلاح باشد، آزاد است و شرکت کنندگان از هرگونه عواقبی مصون هستند. هرگونه اقدام بزهکارانه در قالب جرم فردی مورد تعقیب قرار می‌گیرد.

۸-۲۸: آزادی ورود به کشور

- (۱) ورود بدون محدودیت شهروندان به حریم کشور آزاد است.
- (۲) هیچ شهروندی را نمی‌توان از ورود به کشور منع کرد، حتی اگر مدارک لازم برای ورود را نداشته باشد و نیز حتی اگر در کشور یا کشورهای دیگری تحت پیگرد قضائی باشد.
- (۳) این امر به معنی معافیت وی از مجازات‌های پیش‌بینی شده برای این وضعیت نیست.

۸-۲۹: آزادی خروج از کشور

هیچ فردی را نمی‌توان (با فرض دارا بودن مدارک و انجام رویه‌های قانونی) از خروج از کشور منع کرد مگر به حکم قضائی مستقیم که در تاریخی قبل از تاریخ خروج فرد صادر و به اطلاع وی رسیده باشد. حکم باید صریح، با ذکر دلیل و موقت بوده، اقدامات لازم برای رفع ممنوعیت را بیان کند.

۸-۳۰: ممنوعیت اخراج شهروندان از کشور

هیچ شهروندی را نمی‌توان از کشور اخراج کرد.

۸-۳۱: ممنوعیت مواد مخدر

تولید، فرآوری، خرید، فروش، انتقال و مصرف هرگونه ماده مخدر، غیر از برای استفاده‌های پزشکی و درمانی از برخی مواد مخدر مجاز با اجازه‌نامه رسمی و زیر نظارت دقیق دولت، ممنوع است.

۸-۳۲: ممنوعیت فروش مشروبات الکلی

در اختیار قراردادن هرگونه ماده غیر دارویی حاوی الکل به شهروندان وابسته و افرادی که دارای سرپرست هستند ممنوع است. دولت موظف است برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی مناسب در مدارس و رسانه‌های جمعی برای این گروه‌های اجتماعی تدارک دیده، اجرا کند.

۸-۳۳: تشدید مجازات مجرم در حالت مستی

ارتکاب جرم در حالت مستی و حالت‌های مشابه (که به صورت ارادی انجام شده باشد) با یک درجه تشدید مجازات همراه خواهد بود. در این موارد ادعای سهوی بودن ارتکاب جرم پذیرفته نمی‌شود.

۸-۳۴: ممنوعیت ورود به اماکن عمومی و حکومتی در حالت مستی

ورود به اماکن حکومتی و عمومی در حالت مستی و مشابه ممنوع است.

۸-۳۵: ممنوعیت ظاهر شدن در جامعه در حالت مستی

ظاهر شدن در جامعه در حالت مستی و حالت‌های مشابه (بر اثر مصرف مواد مخدر) ممنوع است.

۸-۳۶: ممنوعیت سانسور

- ۱) اعمال سانسور به هر روشی، توسط هر مقامی و نسبت به هر رسانه‌ای به طور کلی ممنوع است.
- ۲) این قانون در ارتباط با حفظ حریم خصوصی و نیز در رابطه با وضعیت فوق العاده در کشور یا ایالت‌ها، طبق قوانین و برای مدت محدود، تحدید پذیر است.

۸-۳۷: ممنوعیت شکنجه و تبعید

شکنجه و تبعید ممنوع است. مصادیق شکنجه توسط نهاد استاندارد تدوین شده و به تصویب نهاد قانونگذاری فدرال می‌رسد.

۸-۳۸: ممنوعیت بردگی و برده‌داری

بردگی و برده‌داری ممنوع است. تبلیغ، فراهم کردن شرایط و ارتکاب برده‌داری، جرم است. مصادیق برده‌داری را مجلس فدرال تعیین و اعلام می‌کند.

۸-۳۹: ممنوعیت مرگ داوطلبانه

- ۱) مرگ داوطلبانه ممنوع است.
- ۲) هرگونه مساعدت به افراد برای مرگ داوطلبانه ممنوع است.
- ۳) تنها استثناء در این مورد، کمک به مرگ افرادی است که به تشخیص پزشکی قانونی امکان بازگشت به زندگی را ندارند که در این حالت نیز موافقت خانواده و حکم قضائی برای انجام این عمل لازم است. چنین مرگی نباید ناقض اصول «تضمین کرامت انسان» و «ممنوعیت شکنجه و تبعید» باشد.

فصل ۹: خانواده

۹-۱: خانواده به عنوان واحد هسته‌ای

- ۱) خانواده یک واحد اجتماعی و حقوقی متشکل از دو شهروند (یا فرد خارجی) مستقل و تعدادی فرزند که به طور طبیعی حاصل ازدواج آنها است یا به طریق قانونی سرپرستی آنها را به دست آورده اند و در مراجع قانونی مربوطه پیمان نامه ازدواج را امضاء و ثبت کرده اند، اطلاق می‌شود.
- ۲) اطلاق «واحد» به آن به معنای موجودیت و رسمیت بخشی به خانواده به عنوان یک شخص حقوقی است.
- ۳) خانواده مورد حمایت ویژه حکومت قرار می‌گیرد.
- ۴) فوت یا خروج برخی از اعضای خانواده، تعریف خانواده را نقص نمی‌کند.

۹-۲: آزادی انتخاب همسر

انتخاب همسر از بین شهروندان مستقل و اتباع خارجی مستقل بدون محدودیت و بدون دخالت حکومت یا اشخاص، آزاد است. ازدواج پیروان ادیان و مذاهب مختلف با یکدیگر آزاد است.

۹-۳: ممنوعیت چند همسری

- ۱) چند همسری به معنی داشتن بیش از یک همسر به طور همزمان، به کلی ممنوع است.
- ۲) مادامی که فردی در پیمان ازدواج قرار داشته باشد، نمی‌تواند با فرد دیگری پیمان ازدواج ببندد.
- ۳) در مورد اتباع خارجی دارای چند همسر، فقط همسر اول به رسمیت شناخته می‌شود.

۹-۴: شرایط عمومی ثبت ازدواج

- ۱) ثبت ازدواج‌هایی که در آن هر دو طرف غایب هستند، ممنوع است.
- ۲) ازدواج با کودکان ممنوع است.
- ۳) ازدواج افراد دارای سرپرست فقط با اجازه مستند سرپرست آنها و با پذیرش مسئولیت‌های مربوطه، امکان پذیر است.
- ۴) ثبت ازدواج‌هایی که در آن اطلاعات کافی، مطمئن و مستند برای احراز شرایط ازدواج در دسترس نباشد، ممنوع است.

- ۵) ثبت ازدواج‌هایی که در آن یکی از طرفین غایب است، با حضور وکیل رسمی و فقط برای مدت زمان پیش‌بینی شده در قانون، امکانپذیر است، چنین ازدواج‌هایی باید بعداً با حضور هر دو طرف به تأیید نهایی برسند.
- ۶) ازدواج‌هایی که در خارج از کشور انجام و ثبت شده‌اند باید به تأیید نمایندگی رسمی کشور برسند.
- ۷) نهاد دادگستری مسئول ثبت ازدواج است.

۹-۵: استفاده از تسهیلات اجتماعی خانواده

تسهیلات اجتماعی خانواده تنها به آن دسته از خانواده‌ها تعلق می‌گیرد که ازدواج خود را به ثبت رسانده باشند.

۹-۶: مالکیت بر دارایی‌های زوجین

- ۱) کلیه دارایی‌های ثبت نشده افراد و نیز دارایی‌های کسب شده زوجین (اعم از منقول و غیر منقول، واقعی یا مجازی، داخلی یا خارجی) پس از تاریخ ثبت پیمان‌نامه ازدواج، اموال مشترک زوجین محسوب می‌شود و در صورت جدایی به نسبت مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.
- ۲) اموال ثبت شده و نیز اموالی که قبل از تاریخ ثبت پیمان‌نامه ازدواج در تملک هر یک از زوجین بوده است، شامل این قانون نمی‌شود.

۹-۷: ممنوعیت ثبت شروط تبعیض آمیز در پیمان‌نامه ازدواج

- ۱) در پیمان‌نامه ازدواج، تعیین، ثبت یا به رسمیت شناختن هرگونه شرط، قید، فعل، ترک فعل، مهریه یا هر نوع تعهد، امتیاز یا محدودیت که موجب نقض اصل برابری، تبعیض یا نابرابری میان طرفین باشد—از جمله درباره حق طلاق، حضانت فرزند، تعیین محل زندگی یا حقوق، آزادی‌ها و مسئولیت‌های مشابه—ممنوع است.
- ۲) ثبت هرگونه شرط یا قید مبتنی بر دین، مذهب یا عقیده در پیمان‌نامه ازدواج، حتی اگر موجب تبعیض نشود، نیز ممنوع و بلااثر است.
- ۳) در هر حال و حتی در صورت توافق غیررسمی یا ثبت در خارج از کشور نیز، چنین شروطی باطل و بلااثر هستند و هیچ دادگاهی حق رسیدگی یا صدور رأی بر اساس این شروط یا دعاوی را ندارد.
- ۴) بهره‌برداری از مکانیسم‌های قانونی دیگر کشورها برای نقض این اصل ممنوع و جرم است.
- ۵) تعیین جزئیات و تشخیص مصادیق، به موجب قانون انجام خواهد شد، اما اصل منع تبعیض و برابری و منع ورود مقررات عقیدتی، همواره و در هر حال، معیار و مرجع عمل است.

۹-۸: برابری در حق تقاضای طلاق

هر یک از طرفین یک ازدواج ثبت شده، در هر زمانی می‌توانند تقاضای طلاق کنند و تقاضای آنها مستقل از هرگونه «ویژگی‌های غیر موثر»، شامل جنسیت، آنها بررسی می‌شود.

۹-۹: تعیین هویت جنسیتی

- ۱) هر فرد حق دارد هویت جنسیتی خود را آزادانه و بر اساس خواست شخصی (با سرپرست) تعیین و نسبت به اصلاح مدارک هویتی خود اقدام کند. فرآیند قانونی باید ساده، سریع، غیر تبعیض آمیز و مبتنی بر خوداظهاری باشد.
- ۲) برای صیانت از سلامت فرد و جلوگیری از سوءاستفاده (مانند تلاش برای فرار از مسئولیت کیفری، تحصیل امتیاز یا ارتکاب جرم) انجام مشاوره و ارزیابی تخصصی پزشکی و بررسی حقوقی توسط مقام بی طرف مجاز است.
- ۳) هیچ نهاد یا مرجعی حق رد درخواست تغییر جنسیت را ندارد، مگر در صورت اثبات سوءنیت، تلاش برای فرار از قانون، ارتکاب تقلب یا خطر جدی برای سلامت جسمی و روانی فرد.
- ۴) تغییر جنسیت یا هویت جنسی به خودی خود منجر به تبعیض یا محرومیت خودکار از حقوق و مسئولیتها نمی شود.
- ۵) دولت موظف است کرامت، سلامت و حریم خصوصی فرد را در تمام مراحل تضمین کند و نتیجه را در مدت معین و با امکان اعتراض قضایی اعلام نماید.

۹-۱۰: استقلال در تولد

متولدین ازدواج‌های ثبت نشده، رابطه‌های جنسی خارج از ازدواج، ازدواج‌های غیر دینی و فرزندان حاصل از رابطه‌های جنسی ناشی از تجاوز و نیز فرزندان حاصل از رابطه‌ی جنسی با پدر یا مادر گمنام از همان حقوق و مسئولیت‌هایی برخوردارند که متولدین ازدواج‌های قانونی از آن برخوردار هستند. به عبارت دیگر این موضوع برای قانون تفاوت ایجاد نمی کند.

۹-۱۱: حقوق کودک

علاوه بر حقوق تعریف شده مستقیم و غیرمستقیم برای کودکان در این قانون، کلیه مواد مندرج در اعلامیه جهانی حقوق کودک برای همه کودکانی که به طور قانونی در کشور اقامت دارند، به رسمیت شناخته میشود. حقوقی که بار مالی مستقیم برای نهاد اجرایی دارند، ممکن است در رابطه با کودکانی که به طور غیر قانونی در کشور اقامت دارند، محدود شود. در صورت تامین هزینه از طرف خانواده‌ها یا دیگر نهادها، این حقوق باید به کودکان دارای اقامت غیرقانونی نیز تسری یابد.

۹-۱۲: حقوق زنان

- ۱) افزون بر کلیه حقوق بنیادین مصرح در این قانون، کلیه اصول و مفاد مندرج در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در سازگاری با اصل «تضمین اجرای اسناد جهانی حقوق بشر» برای تمامی زنان شهروند کشور به رسمیت شناخته شده و اجرای آنها توسط دولت تضمین می شود.
- ۲) زنان غیرشهروند (اعم از اتباع خارجی، پناهندگان، مهاجران یا افراد فاقد تابعیت) که به طور قانونی در کشور اقامت یا سکونت دارند، تا جایی که با حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خاص شهروندی تداخل یا تعارض نداشته باشد، از حمایت‌های مقرر در این اصل بهره‌مند خواهند شد.

- ۳) حکومت موظف است تدابیر ویژه و اقدامات مثبت لازم برای رفع تبعیض، ارتقای برابری جنسیتی، حمایت از کرامت، توانمندسازی زنان و ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت کامل و مؤثر زنان در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را اجرا نماید.
- ۴) هیچ فرد یا نهادی، تحت هیچ عنوان، حق ندارد به بهانه تابعیت، اقامت یا وضعیت مهاجرت، زنان را از حمایت‌های بنیادین، دسترسی به عدالت، حمایت در برابر خشونت یا بهره‌مندی از خدمات عمومی و حقوق بشری محروم کند؛ مگر در موارد استثنایی که به طور صریح و محدود در قانون مشخص شده باشد.

۹-۱۳: شرایط سقط جنین

- ۱) فردی که به طور فیزیکی جنین را در بدن خود دارد، حامل جنین شناخته می‌شود.
- ۲) سقط جنین تا پایان ۱۲ هفتگی صرفاً با خواست و رضایت حامل جنین، مجاز است.
- ۳) پس از ۱۲ هفتگی و تا پایان بارداری، سقط جنین فقط در موارد تهدید جدی جان یا سلامت جسمی یا روانی حامل جنین یا ناهنجاری شدید و غیرقابل درمان جنین، بر اساس تشخیص پزشکی صلاحیت‌دار مجاز است.
- ۴) برای سقط جنین در افراد زیر ۱۸ سال یا تحت سرپرستی، رضایت سرپرست قانونی و نظر روان‌شناس لازم است و مرجع حمایتی باید منافع عالی فرد را مدنظر قرار دهد.
- ۵) در موارد بارداری ناشی از تجاوز، ناشناس بودن یا فقدان شناسایی پدر جنین، یا بارداری با اسپرم/تخمک اهدایی تصمیم‌گیری درباره سقط جنین صرفاً با حامل جنین است و نیازی به رضایت یا احراز هویت پدر یا سایر طرف‌های دخیل نیست. هرگونه اقدام یا مانع‌تراشی برای نقض این حق، غیرقانونی و فاقد اثر است.
- ۶) در موارد بارداری ناشی از قرارداد برای استفاده از رحم جایگزین (اجاره‌ای)، تصمیم‌گیری درباره سقط جنین صرفاً با صاحب رحم است. آثار و تبعات قراردادی این تصمیم، مانند سایر قراردادهای مدنی، مبتنی بر توافقات طرفین قابل پیگیری قضایی است. هرگونه سوءاستفاده، تهدید یا اخاذی در فرآیند بارداری از سوی هر یک از طرفین، موجب مسئولیت مدنی و در صورت اثبات سوءنیت، موجب مسئولیت کیفری خواهد بود.
- ۷) دولت موظف است از بوروکراسی، اطاله دادرسی و هرگونه محدودیت غیرضروری جلوگیری و مراقبت‌های ایمن و غیرتبعیض‌آمیز و حمایت روانی، اجتماعی و حقوقی از حامل جنین را تضمین کند و محرمانگی اطلاعات او را رعایت نماید.

فصل ۱۰: آموزش

۱۰-۱: آزادی آموزش

- (۱) هر کس می‌تواند در هر زمینه‌ای، در هر نقطه از کشور و جهان و به هر مدت، آزادانه آموزش ببیند و بدون مانع از منابعی که در دسترس همگان است بر اطلاعات و دانش خویش بیفزاید. مقررات آموزشی نباید مغایر با اصول برابری باشد.
- (۲) آزادی آموزش نباید به کاهش وفاداری نسبت به قانون اساسی منجر شود.

۱۰-۲: طبقه بندی سطوح آموزشی

- آموزش‌های رسمی در سه سطح تعیین می‌شوند:
- (۱) **سطح پایه:** معادل ۱۲ سال تحصیل در یک سیستم آموزشی ۳ زبانه، منتج به گرفتن مدرک دیپلم. دارنده مدرک دیپلم باید مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن، صحبت کردن و شنیدن به سه زبان غیرهمسان شامل زبان فدرال، یکی از زبان‌های ایالتی و یک زبان خارجی را داشته باشد و آزمون تحصیلی فدرال را به موفقیت گذارنده باشد؛
- (۲) **سطح عالی:** معادل حداکثر ۵ سال تحصیل دانشگاهی، به هر زبانی که موسسه آموزشی تعیین کرده باشد. منتج به گرفتن مدرک کاردانی یا کارشناسی یا معادل آنها؛
- (۳) **سطح تکمیلی:** بر حسب برنامه مؤسسه آموزشی، به صورت آموزشی یا پژوهشی یا ترکیبی از هر دو. به هر زبانی که مؤسسه تعیین کند. منتج به گرفتن مدرک کارشناسی ارشد، دکترا، دکترای تخصصی یا معادل آنها.
- مؤسسات تحصیلی در سطوح عالی و تکمیلی از نظر آموزشی و علمی مستقل بوده و رهبری و راهبری آنها بر اساس اصول دموکراتیک با مشارکت کلیه ذی‌نفعان صورت می‌پذیرد.

۱۰-۳: تضمین آموزش سطح پایه

آموزش در سطح پایه برای هر کسی که به هر نحوی در کشور زندگی می‌کند، تضمین می‌شود.

۱۰-۴: آموزش رایگان و اجباری در سطح پایه

- (۱) آموزش در سطح پایه تا پایان سن ۱۸ سالگی برای همه افراد مقیم کشور و برای تمامی شهروندان، صرف‌نظر از محل اقامت آنان، اجباری است.

- ۲) آموزش پایه برای تمامی افراد زیر ۱۸ سال مقیم کشور، رایگان و بر عهده دولت است.
- ۳) دولت موظف است از طریق ایجاد مدرسه و مراکز آموزشی در خارج، آموزش مجازی یا همکاری با دولت‌های میزبان، دسترسی شهروندان مقیم خارج را به آموزش پایه تسهیل کند. تأمین رایگان آموزش صرفاً در قلمرو کشور تضمین می‌شود، با این حال دولت میتواند حسب امکانات و توافقات بین‌المللی حمایت‌ها و تسهیلاتی برای آموزش شهروندان خارج از کشور فراهم کند.

۱۰-۵: استقلال آموزشی ایالت‌ها

مدارج و مدارک تحصیلی مؤسسات مختلف در ایالت‌های مختلف می‌توانند از نظر محتوا و طول دوره با هم تفاوت داشته باشند، ولی باید علاوه بر رعایت مقررات فدرال، قابل مقایسه و معادل‌سازی با مدارج و مدارک فدرال باشند. آموزش‌های هنری، فنی، دینی و عملی نیز مشمول این قانون می‌شوند.

فصل ۱۱: سلامت

۱۱-۱: سلامت پایه

بر اساس دستورالعمل وزارت بهداشت، سلامت کلیه شهروندان وابسته به طور منظم و رایگان بررسی شده و در هماهنگی با وزارت خانواده، وزارت آموزش پایه و خانواده‌ها اقدامات آموزشی، پیشگیرانه و درمانی در مورد آنها به انجام می‌رسد.

۱۱-۲: درمان پایه

درمان پایه برای کلیه شهروندان رایگان است. درمان پایه توسط قوانین مربوطه تعریف می‌شود. هر بیماری یا آسیبی که فرد در بروز آن نقشی نداشته، در حوزه درمان پایه قرار می‌گیرد. هر بیماری که موجب نقض اصل «تضمین کرامت انسان» شود، توسط درمان پایه پوشش داده می‌شود. کلیه هزینه‌های درمان شهروندان وابسته و نیز کودکانی که ساکن کشور هستند صرفنظر از نوع اقامت و صرفنظر از جزئیات درمان پایه، رایگان است. هزینه درمان خارج از درمان پایه، متناسب با درآمد افراد است. اقدامات مربوط به بارداری، زایمان و رفع تبعات ناشی از زایمان رایگان است.

۱۱-۳: تغذیه پایه

تغذیه پایه بر مبنای جدول استاندارد ایالتی برای شهروندان وابسته تضمین می‌شود. این امر از طریق هماهنگی بین وزارت خانواده، وزارت بهداشت و وزارت آموزش پایه انجام می‌شود.

۱۱-۴: کمک هزینه سلامت کودک

از لحظه تولد تا پایان ۲۴ ماهگی به هر کودک معادل یک چهارم کمینه دستمزد ماهانه مصوب وزارت کار فدرال یا ایالت محل اقامت کودک، هر کدام که بیشتر باشد، کمک هزینه سلامت تعلق می‌گیرد. این کمک هزینه برای تغذیه و سلامت کودک هزینه می‌شود. وزارت خانواده باید این کمک هزینه سلامت را ابتدای هر ماه به صورت نقدی به حساب کودک واریز نماید و دسترسی سرپرست کودک به حساب را فراهم کند. سرپرست کودک ابتدا مادر، سپس سرپرست قانونی در تطابق با قوانین مربوط به سرپرستی شهروندان وابسته و سپس فردی که کودک را زاییده، خواهند بود.

فصل ۱۲: تابعیت

۱۲-۱: تابعیت یگانه و انحصار تابعیت

کشور دارای سیستم تک تابعیتی است. هیچکس مادامی که دارای تابعیت کشور باشد نمی‌تواند دارای تابعیت کشور دیگری باشد. به محض دریافت تابعیت بیگانه، تابعیت کشور ملغی می‌شود. همینطور، هیچکس مادامی که دارای تابعیت کشور دیگری است نمی‌تواند تابعیت کشور را دریافت کند. این اصل نباید موجب بی‌تابعیتی شود.

۱۲-۲: به دست آوردن تابعیت

تابعیت کشور به هریک از طرق زیر به دست می‌آید. هر فرد می‌تواند فقط از یکی از این طرق و فقط یکبار تابعیت کشور را به دست آورد.

- ۱) **تابعیت موروثی:** هر فردی که مادر یا پدرش تابعیت کشور را دارا باشند، تابع کشور محسوب می‌شود. اصل تابعیت یگانه باید در تمام زمان‌ها تضمین شود.
- ۲) **تابعیت جغرافیایی:** هر فردی که در حین اسکان قانونی و بلند مدت (دست کم ۶ ماه) مادرش در خاک کشور متولد شود، کاندیدای تابعیت کشور می‌شود. مادامی که این فرد در حریم کشور ساکن باشد خود و خانواده‌اش دارای حق اقامت عادی همراه با اجازه کار برای افراد مستقل اعضای خانواده خواهد بود. این فرد می‌تواند در ۱۸ سالگی تقاضای تابعیت کند و اگر تا آن زمان به اندازه کافی در جامعه جذب شده باشد، با تابعیت وی موافقت می‌شود. این امر هیچ حقی برای خانواده وی ایجاد نمی‌کند. جزییات را قانون تعیین می‌کند. اصل تابعیت یگانه باید در تمام زمان‌ها تضمین شود.
- ۳) **تابعیت قانونی:** کشور می‌تواند از طریق تدوین قوانین، به افرادی که برای کشور مفیدند و نیز به دلایل انسانی نسبت به پذیرفتن خارجیان واجد شرایط به ارائه تابعیت به آنها اقدام کند. اصل تابعیت یگانه باید در تمام زمان‌ها تضمین شود.
- ۴) **تابعیت افتخاری:** اعطای تابعیت افتخاری با درخواست هر شهروند، موافقت وزیر کشور و تصویب هیئت وزیران فدرال برای خارجیان امکانپذیر است.

۱۲-۳: سلب تابعیت

- ۱) **تابعیت موروثی فقط در صورت تحصیل داوطلبانه تابعیت مضاعف و برای تضمین اصل «تابعیت یگانه و انحصار تابعیت» بر مبنای قانون اساسی و به طور خودکار از لحظه دریافت تابعیت مضاعف لغو می‌شود. هیچ نهادی نمی‌تواند به صورت یک‌جانبه تابعیت موروثی را سلب، لغو یا بی‌اعتبار کند.**

- ۲) تابعیت قانونی و جغرافیایی فقط در صورت اثبات دروغ بودن اطلاعات ارائه شده برای دریافت آن قابل سلب است.
- ۳) در کلیه این موارد، فرد از حقوق دادرسی و اعتراض قانونی برخوردار است.

۱۲-۴: ترک یا تغییر تابعیت

اتباع کشور حق دارند تابعیت خود را ترک کنند یا تغییر دهند و هیچ‌کس نباید از حق تغییر تابعیت یا ترک تابعیت کشور محروم شود. حکومت موظف است شرایط و رویه‌های قانونی مربوط به ترک تابعیت را به صورت شفاف و منصفانه تعیین نماید و در دسترس عموم قرار دهد.

۱۲-۵: حقوق و مسئولیت‌های شهروندی

شهروندی کشور برای فردی که آن را به دست می‌آورد حقوق و مسئولیت‌هایی ایجاد می‌کند که کلیات آنها در این قانون و جزئیات آنها در قوانین عادی تصریح می‌شود.

۱۲-۶: حق اقامت در کشور

خارجیان برای ورود، اقامت و اسکان در کشور نیاز به اجازه رسمی دارند. چنین اجازه‌ای توسط وزارت امور خارجه و در هماهنگی با دیگر نهادها و سیاست‌های کشور صادر می‌شود و می‌تواند حامل محدودیتهای مختلف زمانی، مکانی، نوع فعالیت، نوع ورود و خروج و غیره باشد. ورود و خروج چندباره‌ی خارجیان به کشور توسط نوع اجازه‌نامه‌ای که برای آنها صادر شده است، کنترل می‌شود. در هر حل و با هر اجازه‌نامه‌ای حتی با اجازه اقاما دائم، خروج بیش از شش ماه از کشور، موجب ابطال اجازه‌نامه و حق اقامت می‌شود.

۱۲-۷: ثبت محل اسکان

کلیه اشخاص شامل اشخاص حقیقی و حقوقی، شهروندان و خارجیان، باید محل سکونت خود را به نزدیکترین اداره تعیین شده برای اینکار اطلاع داده و گواهی ثبت آدرس دریافت کنند.

۱۲-۸: استقلال دارایی و اقامت

مالکیت در حریم کشور حقی برای اقامت ایجاد نمی‌کند.

۱۲-۹: برابری و محدودیت‌های استثنایی حقوق شهروندان وابسته

اصل بر این است که کلیه شهروندان—اعم از مستقل و وابسته—از تمامی حقوق و مسئولیت‌های بنیادین برخوردارند. هرگونه محدودیت یا محرومیت از برخی حقوق یا مسئولیت‌ها نسبت به شهروندان وابسته، فقط در موارد کاملاً استثنایی، به موجب قانون و صرفاً با حکم صریح دادگاه، مبتنی بر ارزیابی فردی، با رعایت اصل تناسب و حداقل‌گرایی و با تضمین حق

اعتراض و بازنگری منظم، قابل اعمال است. صرف داشتن ناتوانی جسمی، ذهنی یا قرار گرفتن تحت قیمومت، به خودی خود، موجب محرومیت از هیچ حقی نمی‌شود. هرگونه محدودیت باید مبتنی بر ضرورت، در تطابق با استانداردهای ملی و بین‌المللی، به صورت شفاف، قانونی و موقتی و با هدف بازتوانی و بازگشت به حقوق کامل اعمال شود.

۱۲- ۱۰: فرآیند شهروندی

افراد برای تبدیل شدن به شهروند مستقل، باید فرآیند شهروندی را به انجام برسانند که طی آن، سلامت عقل، اختیار عمل، قبولی در دانش قانونی و اجتماعی و پایبندی به قانون اساسی فدرال (و قانون اساسی ایالت محل سکونت در صورت وجود) احراز می‌شود. فرآیند شهروندی برای خارجی‌ان فقط در داخل حریم فیزیکی کشور قابل انجام است و متقاضی باید در دوره بررسی درخواست، به طور غالب و قانونی در کشور ساکن باشد، مگر در موارد استثنایی که با دلایل موجه توسط مقام صلاحیت‌دار پذیرفته شود.

۱۲- ۱۱: سرپرست برای شهروندان خاص

برای افرادی که توانایی یا امکان اعمال فردیت، استقلال و عاملیت خود را ندارند (از قبیل معلولین جسمی، روحی، روانی و ذهنی، افراد در حالت بیهوشی، مرگ مغزی) سرپرست تعیین می‌شود. کلیه مسئولیت‌های چنین افرادی به نسبت میزان سرپرستی تعیین شده توسط مقام صلاحیت‌دار قضائی، بین فرد و سرپرست تقسیم می‌شود. این مسئولیت شامل مجازات‌های ناشی از ارتکاب جرم توسط فرد نیز می‌شود، اما سرپرست مجازات کیفری نمی‌شود. سرپرست در وحله اول، والدین؛ در وحله دوم، یکی از اقوام با رضایت وی و حکم دادگاه؛ در وحله سوم، یک شهروند مستقل با رضایت وی و حکم دادگاه؛ در وحله چهارم، یک مؤسسه عمومی به پیشنهاد نهاد اجرایی و حکم دادگاه و در وحله آخر یک نهاد حکومتی به پیشنهاد نهاد اجرایی و حکم دادگاه یا در صورت عدم پیشنهاد نهاد اجرایی، یک نهاد حکومتی با انتخاب و حکم دادگاه خواهد بود.

۱۲- ۱۲: حق پناهندگی برای خارجی‌ان

افرادی که در کشورهای خود برای مواردی که در این قانون مجاز اعلام شده است، تحت تعقیب، تحقیر، آزار، شکنجه، در معرض خطر مرگ یا با محدودیت جدی در زمینه سلامت، تحصیل، امور عقیدتی یا فرهنگی و هویتی مواجه باشند، می‌توانند در صورت ورود مستقیم به حریم زمینی کشور، در اولین مرزبانی درخواست پناهندگی کنند. فرآیند بررسی و اعطای پناهندگی عادلانه، سریع و قانونی است. پناهنده از کلیه حقوق قانونی مربوطه برخوردار است و حق دارد وکیل داشته باشد. کلیه هزینه‌های تغذیه، اسکان، سلامت، آموزش و بررسی درخواست پناهندگی در طول مدت بررسی به عهده نهاد اجرایی است.

فصل ۱۳: مالکیت

۱۳-۱: تضمین مالکیت مادی

- ۱) حق مالکیت مادی، اعم از منقول و غیرمنقول، فیزیکی و مجازی، برای تمامی اشخاصی که مطابق قوانین کشور آنرا به دست آورده‌اند، تضمین میشود.
- ۲) حق مالکیت مورد حمایت قانون است.
- ۳) هیچ‌کس را نمی‌توان جز در موارد استثنایی و با رعایت کامل تشریفات قانونی و قضایی، از مالکیت خود محروم یا در آن محدودیت اساسی ایجاد کرد.

۱۳-۲: تضمین مالکیت معنوی

حقوق مالکیت معنوی آثار فکری، علمی و هنری برای کلیه اشخاص، با ثبت قانونی در کشور یا کشورهای هم‌پیمان و بر اساس معاهدات بین‌المللی، به طور برابر تضمین می‌شود. مدت حمایت از حقوق مالکیت معنوی و شرایط انتقال آثار به مالکیت عمومی، به موجب قانون و با رعایت منافع اجتماعی تعیین می‌شود. حداکثر مدت مالکیت معنوی هر اثر ۷۵ سال از اولین ثبت است. انقضای مدت حمایت از مالکیت معنوی و انتقال آثار به مالکیت عمومی، تاثیری بر حقوق مالکیت مادی اشخاص نسبت به نسخه‌ها یا اشیای حامل آن آثار ندارد.

۱۳-۳: مالکیت خارجیان

تحصیل و تملک اموال غیرمنقول توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی، با رعایت اصل رفتار برابر و حمایت از سرمایه‌گذاری، طبق شرایط مقرر در قانون و صرفاً با تصمیم موجه مقام صلاحیت‌دار مجاز است و نهاد اجرایی نمی‌تواند به صورت تبعیض‌آمیز این حق را محدود کند.

۱۳-۴: آزادی بهره‌برداری از دارایی

بهره‌برداری و استفاده از اموال، اساساً آزاد است.

۱۳- ۵: محدودیت در مالکیت و بهره‌برداری

حکومت می‌تواند حقوق و آزادی‌های مربوط به مالکیت و بهره‌برداری را تنها تحت «شرایط سلب و تحدید» به‌طور موقت یا دائم محدود یا مسدود کند. چنین اقدامی باید تحت «منع تفسیر گسترده» انجام شده، «جبران عادلانه» را تضمین کرده و امکان «دادرسی و تجدیدنظر» را ضمانت کند. به ویژه در مورد مالکیت زمین، محدودیت‌های مرتبط با عمق، ارتفاع، نوع کاربری و منابع و اشیای زیر و روی سطح، باید شفاف، معین و قابل دفاع در مراجع قضایی باشند. هرگونه محدودیت باید تفسیر محدود (مضیق) شده و به نفع بهره‌بردار باشد.

- (۱) **شرایط سلب و تحدید:** سلب یا محدودیت موقت یا دائم مالکیت یا بهره‌برداری فقط در موارد استثنایی و به موجب قانون با هدف جلوگیری از ضرر یا خطر جدی و فوری برای عموم و منحصر از طریق روند علنی و مستقل قضایی امکان‌پذیر است.
- (۲) **جبران عادلانه:** در همه موارد سلب یا محدودیت مالکیت یا بهره‌برداری، جبران کامل، فوری و منصفانه خسارت، پیش از اجرای حکم الزامی است.
- (۳) **دادرسی و تجدیدنظر:** دادخواست سلب یا محدودیت مالکیت یا حق بهره‌برداری فقط از سوی وزیر کشور نهاد اجرایی ایالتی یا فدرال (در صورتیکه دارای مورد دادخواست در بیش از یک ایالت یا در خارج از حریم کشور قرار داشته باشد) و نزد دادگاه‌های علنی عادی قابل طرح است. رأی دادگاه باید مستدل و قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های بالاتر باشد و تا صدور رأی نهایی، حق مالک یا بهره‌بردار محفوظ است.
- (۴) **منع تفسیر گسترده (موسع):** در صورت بروز تردید یا ابهام، تفسیر هرگونه محدودیت یا مداخله نهاد اجرایی باید به نفع مالک یا بهره‌بردار انجام شود.

۱۳- ۶: تضمین حقوق وراثت

- (۱) حقوق مالکیت وراثت تضمین می‌شود.
- (۲) قوانین حاکم بر ارث در سطح فدرال تدوین، تصویب و اجرا می‌شوند.
- (۳) القاب، عناوین و افکار به ارث نمی‌رسند.

۱۳- ۷: نحوه توزیع ارث

خانواده به عنوان واحد هسته‌ای و حقوقی مشترک میان زوجین تلقی می‌گردد و دارایی‌های به‌دست‌آمده توسط هر یک از زوجین در طول زندگی مشترک و نیز دارایی‌های ثبت شده مطابق اصل «مالکیت بر دارایی‌های زوجین» به عنوان دارایی مشترک خانواده شناخته می‌شود. دارایی‌های متعلق به هر یک از زوجین پیش از ازدواج، یا اموال اختصاصی که به موجب ارث، هدیه یا وصیت به آنان رسیده باشد، دارایی شخصی آنان محسوب می‌شود. در صورت فوت هر یک از زوجین، دارایی‌های متوفی طبق ترتیب زیر تقسیم می‌شود:

- (۱) هزینه‌های مربوط به فوت از دارایی مشترک خانواده پرداخت می‌شود.
- (۲) بدهی‌های مربوط به دارایی‌های خانوادگی به نهادهای حکومتی، عمومی و اشخاص از کل دارایی مشترک خانواده پرداخت می‌گردد.
- (۳) در صورت حیات، نصف دارایی‌های مشترک باقیمانده به همسر (دارای پیمان‌نامه معتبر ازدواج) تعلق می‌گیرد.
- (۴) بدهی‌های شخصی فرد فوت شده به نهادهای حکومتی، عمومی و اشخاص به ترتیب از دارایی‌ها برداشت می‌شوند.

- ۵) در صورت وجود فرزندان زیر سن قانونی یا ناتوان، مطابق قانون ایالتی بخشی از سهم الارث کسر و نگهداری میشود تا به صورت مستمری ماهانه تا پایان ۱۸ سالگی برای آنها هزینه شود.
- ۶) در صورت وجود وصیتنامه، تا میزان حداکثر یک سوم دارایی‌های باقیمانده مطابق آن اختصاص می‌یابد. وصیت مزاد بر یک سوم فقط با اجازه وراث معتبر است.
- ۷) در صورت زنده بودن اعضای درجه یک شامل همسر، دارایی‌های باقیمانده مشترک و شخصی به طور مساوی بین آنان تقسیم می‌شود.
- ۸) در غیر اینصورت، در صورت زنده بودن اعضای درجه دو خانواده، دارایی‌های باقیمانده به طور مساوی بین آنان تقسیم می‌شود.
- ۹) در غیر اینصورت، دارایی‌های باقیمانده به مالکیت عمومی در می‌آید. وزارت دارایی ایالتی فرآیند مالکیت را به عهده می‌گیرد و موظف است اموال به دست آمده را با بالاترین کارایی و بهره‌وری در راستای توسعه پایدار ایالت و کشور به کار گیرد.
- ۱۰) کلیه اشخاصی که از ارث سهمی به آنها تعلق گرفته است، باید قبل از انتقال مالکیت و دسترسی به آن، مبلغ تعیین شده توسط قانونگذار را به عنوان مالیات بر ارث به نهاد مربوطه در محل قرارگیری دارایی بپردازند. میزان مالیات می‌تواند بر حسب میزان نزدیکی به فرد، محل، نوع و ارزش دارایی متغیر باشد که جزئیات آن را قانون تعیین می‌کند.

فصل ۱۴: اقتصاد

۱۴-۱: واحد پول

واحد پول کل کشور تومان و معادل یکصد ریال است و می‌تواند به صورت فیزیکی یا مجازی تولید و توزیع شود. سکه، اسکناس و دیگر اسناد مشابه برای کل کشور یکسان، یک شکل، هم معنی و هم ارز و در کل کشور رایج بوده، توسط بانک مرکزی تولید و توزیع می‌شوند. در متون روی سکه، اسکناس و دیگر دارایی‌های فیزیکی به صورت متناسب از تمام زبان‌های رسمی استفاده می‌شود. علائم بصری روی سکه، اسکناس و دیگر دارایی‌های فیزیکی به صورت متناسب از نمادهای همه‌ی فرهنگ‌های کشور استفاده می‌کنند.

۱۴-۲: بانک مرکزی

- ۱) بانک مرکزی کشور نهادی مستقل، غیردولتی و پاسخگو به قانون اساسی و مجلس فدرال است. هیچ نهاد اجرایی یا مقام سیاسی حق مداخله در سیاست‌های پولی، مدیریت ذخایر یا عزل و نصب رئیس بانک مرکزی را ندارد مگر بر مبنای قانون و با رأی دادگاه قانون اساسی.
- ۲) بانک مرکزی مسئول حفظ ثبات پول ملی، کنترل تورم، تضمین استقلال نظام پولی، سیاست‌های ارزی و مدیریت ذخایر راهبردی است.
- ۳) رئیس بانک مرکزی، با پیشنهاد دولت فدرال و پس از رأی اعتماد اکثریت نمایندگان مجلس فدرال و سنا، برای یک دوره ۷ ساله منصوب می‌شود. تمدید برای فقط یک دوره و با تأیید اکثریت نمایندگان مجلس فدرال و سنا ممکن است. عزل رئیس بانک مرکزی فقط در صورت اثبات تخلف، سوءمدیریت یا عدم صلاحیت حرفه‌ای و با رأی اکثریت دو سوم مجلس فدرال یا حکم دادگاه قانون اساسی ممکن است.
- ۴) رئیس بانک مرکزی باید پیش از انتصاب و در طول خدمت، دارای بالاترین سطح صلاحیت امنیتی و حرفه‌ای باشد که توسط نهادهای مستقل ذیصلاح امنیتی و قضایی بررسی و تأیید می‌شود. فقدان صلاحیت یا نقض اصول امنیتی، موجب تعلیق فوری و ارجاع موضوع به مجلس و مرجع قضایی جهت تصمیم‌گیری خواهد بود.
- ۵) بانک مرکزی مکلف به ارائه گزارش سالانه شفاف و کامل عملکرد به مجلس و انتشار عمومی آن است.

۱۴-۳: بانک سرمایه ملی

- ۱) کلیه درآمدهای ناشی از فروش سرمایه‌های راهبردی و منابع عمومی و طبیعی مهم (نفت، گاز، معادن و...)، پس از کسر سهم مصوب بودجه جاری، مستقیماً به بانک سرمایه ملی واریز و به صورت شفاف، سودآور و با رعایت منافع بین‌نسلی سرمایه‌گذاری می‌شود.

- ۲) برداشت از این منابع صرفاً برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، توسعه زیرساخت یا مواقع اضطراری ملی با مجوز قانونگذار ممکن است.
- ۳) رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک سرمایه ملی، با پیشنهاد دولت و تایید اکثریت نمایندگان مجلس فدرال و سنا، برای یک دوره ۷ ساله منصوب می‌شوند. ساختار و ترکیب هیئت مدیره باید ترکیبی از متخصصان اقتصادی، مالی، حقوقی و نمایندگان جامعه مدنی (بدون وابستگی سیاسی یا شغلی به دولت) باشد. عزل آنان صرفاً در موارد تخلف حرفه‌ای یا نقض مقررات با رأی اکثریت نمایندگان مجلس فدرال و سنا یا حکم دادگاه امکان‌پذیر است.
- ۴) رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک سرمایه ملی باید پیش از انتصاب و در طول خدمت، دارای بالاترین سطح صلاحیت امنیتی و حرفه‌ای باشند که توسط نهادهای مستقل ذیصلاح بررسی و تایید می‌شود. فقدان یا نقض این صلاحیت، موجب تعلیق فوری و ارجاع موضوع به مجلس و مرجع قضایی خواهد بود.
- ۵) اداره و نظارت بر بانک سرمایه ملی باید شفاف، پاسخگو و بر مبنای اصل عدالت بین‌نسلی، با مشارکت نهادهای مستقل باشد.
- ۶) بانک سرمایه ملی باید دارای شعبه‌های هم‌تراز از نظر ارزش در تمام مراکز ایالت‌ها باشد و سرمایه‌های خود را به سرز مناسبی در آنها توزیع و نگهداری کند.
- ۷) بانک سرمایه ملی مکلف به ارائه گزارش سالانه شفاف و کامل عملکرد به مجلس و انتشار عمومی آن است.

۱۴-۴: پول مجازی

- استفاده از پول مجازی یا پول خصوصی در معاملاتی که نهادهای حکومتی در آن تعامل ندارند به شرط زیر آزاد است:
- ۱) از بودجه عمومی هزینه نمیکنند؛
 - ۲) هیچ تراکنشی با حساب‌های حکومتی ندارد؛
 - ۳) در صورت وجود دستور قضایی کلیه طرفهای تراکنش قابل شناسایی هستند؛
 - ۴) مالیات پذیر است؛
 - ۵) معادل سازی ارزش آن به طور روزانه با پول رسمی امکان‌پذیر است؛
 - ۶) ناقض قوانین ضد پولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیست.

۱۴-۵: سیاست ارزی

حکومت کمترین دخالت را در تعیین نرخ ارز دارد و رفتار آنرا به عهده بازار و میزان عرضه و تقاضا میگذارد.

۱۴-۶: ثبت عملیات مالی

برداشت و واریز پول و هر دارایی دیگر از/ به بانک مرکزی و وزارت دارایی فقط براساس قانون ممکن است. صورت کلیه برداشتها و واریزها به خزانه به طور منظم و ماهانه به صورت عمومی منتشر می‌شود. انتشار اطلاعات با رعایت مقررات حمایت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی انجام می‌شود و باید دسترسی رایگان، آسان و قابل فهم برای عموم تضمین گردد.

۱۴-۷: همروندی تدوین برنامه‌ها در نهاد قانونگذاری و نهاد اجرایی

همزمان با نهاد اجرایی، نهاد قانونگذاری نیز باید اهداف، اولویت‌ها و بودجه سال آتی را تدوین کرده و یک هفته قبل از پایان مهلت ارائه بودجه به نهاد اجرایی بدهد تا نهاد اجرایی به طور رسمی از دیدگاه‌های نهاد قانونگذاری آگاه شده و ملاحظات لازم را رعایت کند. اگر تا پایان مهلت تقدیم بودجه، لایحه بودجه نهاد اجرایی در نهاد قانونگذاری اعلام وصول نشود، نهاد قانونگذاری یک اخطار نقض قانون اساسی به نهاد اجرایی داده و می‌تواند حداکثر یک هفته مهلت ارائه لایحه بودجه را تمدید کند. در پایان این مهلت اگر لایحه بودجه نهاد اجرایی در نهاد قانونگذاری اعلام وصول نشده باشد، لایحه بودجه نهاد قانونگذاری به عنوان بودجه سال آتی به رأی گذاشته می‌شود و پس از تصویب، برای اجرا به نهاد اجرایی ابلاغ می‌شود. در عین حال بابت اخطار نقض قانون اساسی، رئیس نهاد اجرایی به نهاد قانونگذاری احضار و مورد سوال قرار می‌گیرد. در صورت قانع نشدن نهاد قانونگذاری، رئیس نهاد اجرایی استیضاح می‌شود.

۱۴-۸: نحوه هزینه کردن درآمدها

نهاد اجرایی باید درآمدهای خود را به صورت عادلانه در کل حوزه حاکمیت، در همه جنبه‌های زندگی و برای همه افراد و در راستای اهداف بلندمدت، ماندگار و انسانی هزینه کند. شاخص‌های عدالت توزیعی و معیارهای عینی هزینه‌کرد عادلانه، در قانون عادی تعیین می‌شود.

۱۴-۹: حوزه فعالیت اقتصادی نهاد اجرایی

نهاد اجرایی مجاز است تنها در تولید و ارائه خدمات و کالاهایی مشارکت کند که یا صراحتاً و مطابق قانون به عنوان وظایف نهاد اجرایی آمده‌اند یا تولید و ارائه آنها بر اساس شرایط ویژه، برای نهادهای غیر دولتی غیر ممکن است، نیاز به سرمایه گذاری کلان دارند، سود تجاری ایجاد نمی‌کنند، استراتژیک هستند، تحقیقات بنیادین هستند یا به منظور جلوگیری از انحصار ضروری هستند.

نهاد اجرایی موظف است به محض برطرف شدن شرایط ویژه، تولید و ارائه خدمات مذکور را به بخش‌های غیر دولتی واگذار نماید. ورود نهاد اجرایی به چنین حوزه‌هایی نیازمند مجوز نهاد قانونگذاری است که در آن هزینه، سازمان، زمان و شرایط خروج تعیین شده باشد. در هر حال نهاد اجرایی نمی‌تواند به مدت نامحدود مالکیت یا مدیریت ارائه کالا و خدمات را به عهده بگیرد. مقررات ضد فساد و تضاد منافع در تمامی سطوح رعایت می‌شود.

۱۴-۱۰: رقابت اقتصادی و منع انحصار

حکومت موظف است از تمرکز قدرت اقتصادی جلوگیری کند. قانون باید رقابت آزاد، شفافیت مالی و عدم انحصار را تضمین کند.

۱۴-۱۱: مداخله در تجارت در شرایط خاص

هرگاه منافع عمومی ایجاب کند نهاد قانونگذاری می‌تولند، مقرراتی مغایر با آزادی تجارت و صنعت را به طور محدود، به مدت معین و با رعایت اصل تناسب و با نظارت قضایی در موارد ذیل، وضع نماید:

- ۱) حفظ شاخه‌های مهم اقتصادی یا شغل‌هایی که موجودیت آنها در معرض تهدید قرار گرفته است و افزایش توان حرفه‌ای افرادی که مستقلاً در این شاخه‌ها یا حرفه‌ها اشتغال دارند.
- ۲) حفظ بخش اعظم جمعیت کشاورز و دامدار، بهره‌وری زراعی و دامپروری و حمایت از توسعه روستایی.
- ۳) حمایت از مناطقی که اقتصاد آنها در معرض تهدید است.
- ۴) جلوگیری از و کاهش اثرات زیانبار اقتصادی یا اجتماعی ناشی از بلایای طبیعی، اعتصابات گسترده، رکود اقتصادی، جنگ، کارتل‌ها یا گروه‌های مشابه و مشکلات بین‌المللی.
- ۵) اتخاذ تدابیر احتیاطی به منظور ذخیره سازی کالاها و اقلام حیاتی غذایی و دارویی برای مقابله با شرایط سخت.

۱۴-۱۲: محدوده مداخله حکومت در تجارت و صنعت

حکومت می‌تواند ضمن حفظ منافع کلی اقتصاد و آزادی صنعت و تجارت، دستورالعمل‌هایی در مورد مسئله تجارت و صنعت وضع و در حمایت از شاخه‌های اقتصادی یا حرفه‌ها تدابیری اتخاذ نماید. مداخلات باید مبتنی بر اصل ضرورت و تناسب، شفاف و موقتی بوده و با نظارت نهاد قانونگذاری و امکان دادخواست انجام شود.

۱۴-۱۳: حمایت و تشویق اجرای طرح‌های ملی

حکومت فدرال می‌تواند دستور اجرای طرح‌های مهم ملی که در راستای منافع کشور هستند را صادر یا با ارائه یارانه، اجرای طرح‌های مزبور را تشویق نماید. استفاده از نتیجه این طرح‌ها نمی‌تواند رایگان باشد. هزینه‌های مترتب بر استفاده از این طرح‌های ملی باید از طریق استفاده‌کنندگان یا حکومت‌های ایالتی پرداخت شود. تعریف معیار و شاخص انتخاب "طرح ملی" و نحوه تشخیص آن در قانون عادی تعیین میشود.

۱۴-۱۴: حاکمیت و مدیریت بر منابع طبیعی

کل منابع طبیعی کشور، دارایی ملی و از آن آحاد مردم است. حاکمیت بر منابع طبیعی از وظایف نهاد اجرایی فدرال است. بهره برداری از منابعی که در حریم فیزیکی یک ایالت قرار دارند، فقط با کسب اجازه از نهاد اجرایی آن ایالت امکانپذیر است. منابع طبیعی که در بیش از یک ایالت قرار دارند:

۱) به این صورت مدیریت می‌شوند:

- هر ایالت یک نهاد اختصاصی برای مدیریت آن بخش از منبع که در آن ایالت است، تشکیل میدهد. این نهاد زیر مجموعه وزارت مربوطه در ایالت خواهد بود.
- کلیه ایالت‌های حوزه منبع، یک کمیته راهبردی مشترک با عضویت نهادهای ایالتی تشکیل میدهند و سیاست‌های کلی آن منبع را تعیین میکنند. تعداد آرای هر ایالت متناسب با اندازه منبع در آن ایالت است.
- وزارت فدرال مربوط به آن منبع در تعامل با کمیته‌های کل کشور، سیاست‌های سراسری را تعیین و ابلاغ کرده و بودجه‌های فدرال را تخصیص میدهد.

۲) به این صورت بهره‌برداری می‌شوند:

- کمیته راهبردی مشترک منبع بر اساس یک مدل استاندارد، سهمیه‌های انواع بهره‌برداری هر ایالت از منبع را تعیین و تصویب میکند. سهمیه‌بندی بر اساس فاکتورهایی چون حقوق تاریخی، قراردادهای کاربری، جمعیت ایالت، جمعیت تحت تاثیر، مساحت ایالت، مساحت تحت تاثیر، اندازه منبع در ایالت، نیازهای ایالت‌های خارج از حوزه، سیاست‌های فدرال، نیازهای زیست‌محیطی، منافع نسلهای آتی، الزامات توسعه پایدار، تاثیرات جانبی ناشی از بهره‌برداری از جمله آلودگی، ترافیک، تغییر بافت جمعیتی و غیره صورت می‌گیرد. مدل استاندارد سهمیه‌بندی را نهاد استاندارد تدوین و مجلسین فدرال با سه چهارم آراء تصویب میکنند. اعتراض رسمی به سهمیه، در دادگاه فدرال قابل ارائه است.
 - سهمیه بندی تدوین و تصویب شده در کمیته راهبردی مشترک منبع به وزارت فدرال مربوطه ارائه شده و پس از تصویب در وزارت و هیئت وزیران فدرال به ایالت‌ها ابلاغ میشود.
 - ایالت‌ها برنامه سهمیه بندی را اجرا میکنند.
 - کمیته راهبردی مشترک منبع اجرای برنامه را مورد پایش قرار داده و گزارش پایش را به وزارتخانه‌های ایالتی و فدرال مربوطه ارسال میکند.
- در تعیین سیاست‌ها و بهره‌برداری، حقوق جوامع و ساکنان محلی، مشارکت معنادار و جبران خسارت رعایت می‌شود. در صورت بروز خسارت یا تضییع حق، حق اعتراض، دادخواست و جبران خسارت برای ذینفعان تضمین می‌شود.

۱۴-۱۵: حاکمیت و مدیریت بر زیرساخت**۱) زیرساخت‌های فراملی:**

- قانونگذاری: فدرال
- مالکیت: به ترتیب اولویت فدرال یا خصوصی
- اجرا و ساخت: به ترتیب اولویت خصوصی، ایالتی، فدرال
- نظارت: فدرال
- بهره‌برداری: فدرال
- تعمیر و نگهداری: به ترتیب اولویت خصوصی، فدرال
- شرایط: رعایت استانداردها و اخذ مجوزهای فدرال و ایالتی، حفظ حقوق ساکنان تحت تاثیر، قوانین تجارت، تعرفه و رقابت، دسترسی برابر و منع انحصار.

۲) زیرساخت‌های فراایالتی و فدرال:

- قانونگذاری: فدرال
- مالکیت: به ترتیب اولویت فدرال یا خصوصی
- اجرا و ساخت: به ترتیب اولویت خصوصی، ایالتی، فدرال
- نظارت: فدرال
- بهره‌برداری: ایالت، با پرداخت هزینه. هزینه می‌تواند طبق قانون یا توافق از منابع فدرال، ایالتی و مصرف کننده تامین شود.
- تعمیر و نگهداری: به ترتیب اولویت خصوصی، ایالتی، فدرال. تامین از محل بهره‌برداری.
- شرایط: رعایت استانداردها و اخذ مجوزهای فدرال و ایالتی، حفظ حقوق بومیان و ساکنان تحت تاثیر، قوانین تجارت، تعرفه و رقابت، دسترسی برابر و منع انحصار، عدم وتوی ایالتی.

۳) زیرساخت‌های ایالتی:

- قانونگذاری: ایالت
- مالکیت: به ترتیب اولویت ایالت یا خصوصی
- اجرا و ساخت: به ترتیب اولویت خصوصی، ایالتی
- نظارت: ایالت
- بهره‌برداری: ایالت، با پرداخت هزینه. هزینه می‌تواند طبق قانون یا توافق از منابع فدرال، ایالتی و مصرف کننده تامین شود.
- تعمیر و نگهداری: به ترتیب اولویت خصوصی، ایالتی. تامین از محل بهره‌برداری.
- شرایط: رعایت استانداردها و اخذ مجوزهای فدرال و ایالتی، حفظ حقوق بومیان و ساکنان تحت تاثیر، قوانین تجارت، تعرفه و رقابت، دسترسی برابر و منع انحصار.

۴) زیرساخت‌های شهری:

- قانونگذاری: شهر
- مالکیت: به ترتیب اولویت شهر یا خصوصی
- اجرا و ساخت: به ترتیب اولویت خصوصی، شهر
- نظارت: شهر و ایالت
- بهره‌برداری: شهر، با پرداخت هزینه. هزینه می‌تواند طبق قانون یا توافق از منابع فدرال، ایالتی، شهری و مصرف کننده تامین شود.
- تعمیر و نگهداری: به ترتیب اولویت خصوصی، شهری. تامین از محل بهره‌برداری.
- شرایط: رعایت استانداردها و اخذ مجوزهای فدرال و ایالتی، حفظ حقوق بومیان و ساکنان تحت تاثیر، قوانین تجارت، تعرفه و رقابت، دسترسی برابر و منع انحصار.

۵) زیرساخت‌های روستایی:

- قانونگذاری: روستا
- مالکیت: به ترتیب اولویت روستا یا خصوصی
- اجرا و ساخت: به ترتیب اولویت خصوصی، روستا
- نظارت: روستا، ایالت
- بهره‌برداری: روستا، با پرداخت هزینه. هزینه می‌تواند طبق قانون یا توافق از منابع فدرال، ایالتی، روستایی و مصرف کننده تامین شود.
- تعمیر و نگهداری: به ترتیب اولویت خصوصی، روستایی، ایالتی. تامین از محل بهره‌برداری.
- شرایط: رعایت استانداردها و اخذ مجوزهای فدرال و ایالتی، حفظ حقوق بومیان و ساکنان تحت تاثیر، قوانین تجارت، تعرفه و رقابت، دسترسی برابر و منع انحصار.

۱۴-۱۶: ممنوعیت فروش و واگذاری مواد خام

- ۱) فروش و واگذاری مواد خام اعم از منابع طبیعی و محصولات کشاورزی و دامداری خام به کشورهای دیگر ممنوع است. منابع و محصولات خام باید مورد فرآوری قرار گرفته و محصولات فرآوری شده به کشورهای خارجی فروخته شود. انتقال مواد خام به یک کشور دیگر به منظور فرآوری و سپس انتقال به داخل کشور یا فروش محصولات به دست آمده، بلامانع است.

- ۲) فهرست مواد خام و فرآوری شده توسط نهاد استاندارد تعیین و توسط مجلس فدرال تصویب می‌شود. از جمله مواد خام می‌توان به نفت، مواد معدنی، شیر، دام زنده، پوست، گندم، جو و غیره اشاره کرد.
- ۳) رقیق کردن، غلیظ کردن و افزودن موادی که ماهیت ماده اصلی را تغییر نمی‌دهد، فرآوری محسوب نمی‌شود.
- ۴) نقض این قانون فقط در حالت جنگ، قحطی، نیاز به ایجاد زیرساخت‌های لازم برای فرآوری این مواد، ایجاد پشتوانه برای کشور، جلوگیری از تلف شدن منبع یا جلوگیری از بهره‌برداری دیگر کشورها، به پیشنهاد نهاد اجرایی فدرال، موافقت نهاد اجرایی ایالتی تحت تاثیر و تصویب مجلسین فدرال و مجلس ایالت تحت تاثیر امکان پذیر است.
- ۵) در هر حال درآمد حاصل از فروش مواد خام نمی‌تواند صرف هزینه‌های عمومی کشور یا ارائه یارانه در زمینه‌هایی غیر از آموزش و درمان شود.

۱۴-۱۷: ممنوعیت هزینه کردن درآمدهای ناشی از فروش مواد خام

درآمد ناشی از فروش مواد خام و مالیات در هیچ شرایطی نمی‌تواند برای کمک به اتباع دیگر کشورها یا اقدامات بین‌المللی به کار گرفته شود. تنها استثناء در این مورد کمک به بهبود محیط زیست است. فرایند و ابزارهای کنترل هزینه‌کرد این درآمدها و نظارت شفاف بر آن‌ها مطابق قانون تدوین و اجرا می‌شود.

۱۴-۱۸: سیاست مالیات‌ستانی واحد

از هر مورد مشمول مالیات فقط یک بار مالیات دریافت می‌شود. اگر شخصی در خارج از کشور مالیات یک مورد خاص را پرداخت کرده باشد، در هنگام ورود به کشور مجدداً مالیات آن مورد دریافت نمی‌شود مگر آن که مالیات پرداخت شده در خارج از کشور کمتر از داخل کشور باشد. در این صورت شخص موظف به پرداخت مابه‌التفاوت است. سازوکار تبادل اطلاعات مالیاتی و رعایت استانداردهای بین‌المللی در قانون عادی تعیین می‌شود.

۱۴-۱۹: انواع مالیات

مالیات، سهم عادلانه حکومت از فعالیت‌های اقتصادی اشخاص و ابزاری برای تنظیم رفتار اقتصادی است، که از اشخاص تحت تابعیت، ساکن یا مستقر در حوزه مالیاتی کشور دریافت می‌شود. محل هزینه مالیات‌های دریافتی باید مشخص بوده، به تأیید قوه قانونگذاری برسد و به اطلاع عموم برسد. جزئیات اجرایی، نرخ‌ها، معافیت‌ها، تخفیف‌ها و طبقات مالیاتی به موجب قانون عادی تعیین می‌شود. در تعیین طبقات و میزان مالیات باید اصول تناسب، عدالت، بهره‌وری و توسعه‌محوری رعایت شود.

- ۱) **مالیات بر درآمد:** هر شخص موظف است بخشی از مجموع کل درآمد سالانه خود را به عنوان مالیات بر درآمد بپردازد. این مالیات در محل اسکان یا استقرار شخص پرداخت می‌شود.
- ۲) **مالیات بر مصرف:** این مالیات بخشی از ارزش افزوده کالاها و خدماتی است که توسط اشخاص مصرف می‌شود. مالیات را مصرف‌کننده نهایی، در محل مصرف می‌پردازد. مالیات خدماتی که از حریم بیش از یک ایالت عبور می‌کند، در نقطه شروع خدمت محاسبه و دریافت می‌شود و سهم ایالت‌ها مطابق قانون توزیع خواهد شد. حمل‌ونقل کالا و مسافر از این دسته است.
- ۳) **مالیات بر تولید:** این مالیات بخشی از ارزش کالاها و خدماتی است که توسط اشخاص تولید می‌شود. مالیات بر تولید را تولیدکننده، در محل تولید پرداخت می‌کند.

- ۴) **مالیات بر واردات:** این مالیات بخشی از ارزش کالاها و خدماتی است که توسط اشخاص وارد حریم کشور می‌شود. مالیات را واردکننده، در نقطه ورود پرداخت می‌کند.
- ۵) **مالیات بر صادرات:** این مالیات بخشی از ارزش کالاها و خدماتی است که توسط اشخاص از حریم کشور خارج می‌شود. مالیات را صادرکننده، در نقطه خروج پرداخت می‌کند.
- ۶) **مالیات بر عدم بهره‌وری:** این مالیات، بخشی از ارزش یک منبع است که در مدت معین کمتر از میزان استاندارد بهره‌برداری شده است. هدف آن افزایش بهره‌وری و کاهش احتکار در منابعی چون مواد نادر یا گرانبها، پول، زمین و مسکن، فناوری، ابداعات و نوآوری‌ها و دیگر منابع محدود یا با ارزش استراتژیک (فیزیکی و مجازی) است. معیار و نحوه محاسبه این مالیات باید شفاف، غیرتبعیض‌آمیز و بر اساس شاخص‌های قابل سنجش، مطابق آیین‌نامه مصوب، صورت گیرد.
- ۷) **مالیات اعتقادی:** افراد و اشخاصی که مایل به حفظ، اجرا و مدیریت بناها و آیین‌های عقیدتی خود هستند، باید یک موسسه غیرانتفاعی ثبت کنند. این موسسه باید دارای ساختار دموکراتیک و مدیر و هیئت مدیره منتخب اعضا باشد و مشمول اصل ممنوعیت تعدد مشاغل است. مؤسسه مجاز به فعالیت اقتصادی نیست و کلیه صورت‌های مالی و فعالیت‌های آن باید به طور عمومی و سالانه منتشر شود. مؤسسه می‌تواند صرفاً از میان شهروندان مستقل و مقیم در حریم کشور عضو بپذیرد. بودجه سالانه و میزان حق عضویت پیشنهادی توسط هیئت مدیره مؤسسه تدوین، به وزارت دارایی ایالتی ارائه و پس از تصویب، به صورت عمومی منتشر می‌شود. جمع‌آوری حق عضویت و تأمین مالی، توسط خود مؤسسه و صرفاً از شهروندان مستقل و مقیم در حریم کشور و به روش‌های قانونی و شفاف، مطابق مقررات و نظام‌های مالی و ضد پولشویی کشور در سازگاری با اصل «آزادی عقیده» انجام می‌شود. وزارت دارایی بر شفافیت مالی، صحت بودجه و هزینه‌کرد مؤسسه نظارت و حسابرسی می‌کند. مسئولیت تخلف متوجه مؤسسه است. فرایند ثبت و تأسیس چنین مؤسساتی باید غیرتبعیض‌آمیز، شفاف و بدون اعمال مانع غیرضروری باشد.
- گزارش مالیاتی و نحوه هزینه‌کرد مالیات در تمام واحدهای کشوری به صورت عمومی و دست کم سالانه منتشر می‌شود. امکان اعتراض و دادرسی مالیاتی برای مؤدیان تضمین می‌گردد. برای جلوگیری از مالیات مضاعف، مالیات پرداخت شده در خارج و توافقنامه‌های بین‌المللی مالیاتی مورد شناسایی و اجرا قرار می‌گیرد. هرگونه تبعیض یا معافیت مالیاتی ناروا بر اساس جنسیت، قومیت، زبان، مذهب یا موقعیت جغرافیایی و دیگر «ویژگی‌های غیر موثر» ممنوع است و فقط به موجب قانون و برای حمایت از عدالت اجتماعی یا گروه‌های آسیب‌پذیر قابل توجیه خواهد بود.

۱۴ - ۲۰: مالیات ایالتی

ایالت‌ها با در نظر گرفتن عدالت مالیاتی، جلوگیری از تبعیض و لحاظ کردن توان پرداخت مالیات، در تعیین میزان مالیات ایالتی آزادند.

۱۴ - ۲۱: سهم مالیات فدرال

ایالت‌ها باید بابت فعالیت‌های شهروندان، خرید و فروش، عوارض گمرکی، جرائم مالی، عوارض استفاده از زیرساخت‌های فدرال و دیگر مواردی که طبق قانون فدرال تعیین می‌شوند، علاوه بر سهم خود، سهم مالیات فدرال را از مؤدیان مالیاتی دریافت و طبق مقررات به نهاد اجرایی فدرال تحویل دهند. سهم ایالت نباید هیچگاه کمتر از سهم نهاد اجرایی فدرال باشد. مجری دریافت کلیه انواع مالیات از اشخاص ساکن حریم کشور، دولت‌های ایالتی و استان‌های نواحی فدرال هستند. نهاد اجرایی فدرال تنها مجاز به دریافت مالیات از شهروندان مقیم خارج از حریم کشور است.

۱۴-۲۲: مدیریت درآمدهای عقیدتی

- ۱) پرداخت هرگونه وجه یا معادل آن به دلایل عقیدتی به افراد یا مؤسسات ثبت نشده، غیرمرتبط یا غیرمجاز ممنوع است. هرگونه تبادل مالی اشخاص در این زمینه، به عنوان پولشویی تحت پیگرد قانونی قرار می گیرد. تبادل مالی در این حوزه با اتباع خارجی، علاوه بر عنوان پولشویی، به عنوان فعالیت در راستای منافع بیگانگان نیز پیگرد قانونی خواهد داشت.
- ۲) افراد می توانند برای انجام فرایض و تعهدات مالی عقیدتی خود، صرفاً از طریق نظام شفاف مالی (اصل «مالیات اعتقادی» یا کمک به مؤسسات خیریه مجاز) اقدام نمایند.
- ۳) کلیه درآمدهای اماکن دینی، زیارتگاهها و سایر اماکن مشابه که تحت مالکیت خصوصی، خانوادگی یا مؤسسات دینی ثبت شده نیستند (مانند امامزاده‌ها یا بقاع عمومی)، درآمد ملی محسوب شده و تحت مدیریت وزارت دارایی فدرال قرار می گیرد. وزارت دارایی فدرال موظف است وجوه دریافتی از هر ایالت را عیناً و در دوره‌های توافق شده به وزارت دارایی ایالت مبدأ درآمد انتقال دهد تا صرف توسعه اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و خیریه در همان منطقه شود.

فصل ۱۵: کار

۱۵-۱: حق و آزادی کار

- ۱) کار حق هر فرد است. هر فرد حق دارد آزادانه شغل خود را انتخاب کند، از شرایط کاری عادلانه و رضایت‌بخش بهره‌مند شود و در برابر بیکاری حمایت گردد.
- ۲) هیچ شخصی را نمی‌توان به انجام کار یا محرومیت از شغل به جز به موجب قانون، آن هم صرفاً برای تامین منافع مشروع عمومی، ملزم یا منع کرد.
- ۳) هر فرد حق دارد آزادانه در تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی برای حمایت از منافع خود مشارکت کند. دولت موظف است استقلال اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی و حق چانه‌زنی جمعی را تضمین نماید.
- ۴) دولت و کارفرمایان موظف‌اند دسترسی برابر و غیرتبعیض‌آمیز به فرصت‌های شغلی را برای همه افراد، صرف‌نظر از ویژگی‌های غیر موثر فردی تضمین کنند.
- ۵) مقررات مربوط به اجرای این اصل، از جمله شرایط، محدودیت‌ها و شیوه‌های اعمال آن، به موجب قانون عادی تعیین می‌شود.

۱۵-۲: کار استاندارد

- کلیات کار استاندارد به صورت زیر است، جزئیات را قانون معین می‌کند:
- ۱) مجموع ساعت کار هر فرد شاغل تمام وقت (تراز اشتغال پایه) در یک سال تقویمی خورشیدی ۱۷۶۰ ساعت است. ساعت کار استاندارد برای هر شاغل تمام وقت حداکثر ۴۰ ساعت در هفته و حداکثر ۸ ساعت در روز است. تقسیم ساعات کار هفتگی باید به گونه‌ای انجام شود که به طور معمول بیش از شش روز کاری متوالی ایجاد نشود و حداقل یک روز کامل استراحت در هر هفته تضمین گردد. استثنائات (مانند کشیک، پروژه‌های خاص، یا شرایط اضطراری) صرفاً طبق قانون و با رعایت سلامت و ایمنی شاغل مجاز است.
 - ۲) میزان مرخصی هر فرد شاغل به ازای تراز اشتغال پایه، ۳۰ روز کامل تقویمی در هر سال است و در تناسب نسبت با میزان اشتغال کمتر یا بیشتر محاسبه می‌شود. مرخصی‌ها باید منحصراً توسط دارنده آن تا پایان خردادماه سال بعد استفاده شوند و قابل معامله، تبدیل، انتقال، انباشت یا عدم استفاده نیستند.
 - ۳) کارفرمایان باید از استفاده کارکنان از مرخصی‌هایشان اطمینان حاصل کنند. استفاده از مرخصی و استراحت هفتگی، حق غیرقابل سلب شاغل است و هرگونه اجبار به چشم‌پوشی یا معامله آن ممنوع است.
 - ۴) هر فرد شاغل در تمام ساعات کار تحت پوشش بیمه سلامت، بیمه حوادث، بیمه بازنشستگی و بیمه خدمات از کارافتادگی قرار دارد و از مزایای آن بهره‌مند می‌شود.

- ۵) میزان کار اضافه بر تراز اشتغال پایه، محدود است. میزان آن برای کارکنان حکومتی و نهادهای عمومی حداکثر ۱۰٪ و برای دیگر بخش‌ها حداکثر ۲۰٪. زمان مجموع قراردادهای کار فرد است، ماهانه محاسبه میشود و قابل انباشت و انتقال نیست.
- ۶) بیشینه اضافه کار ماهانه به ازای هر عنوان شغلی موجود در فهرست مشاغل در هر شخص حقوقی (سازمان، نهاد، شرکت، موسسه و ...) ۵۰٪ زمان اشتغال پایه است.
- ۷) تراز اشتغال پایه هر فرد بر حسب درجه سختی کار بالاتر از تراز، کاهش می‌یابد. درجات سختی و میزان کاهش زمان اشتغال توسط قانون و به صورت غیر تبعیض‌آمیز تعیین می‌شود. این امر را نمی‌توان با پرداخت بالاتر یا ارائه دیگر مزایا جبران کرد. میزان مرخصی و بازنشستگی تحت تاثیر این کاهش قرار نمی‌گیرد.
- ۸) بیشینه کار هر فرد دو و نیم برابر تراز اشتغال پایه است، ماهانه محاسبه میشود و قابل انباشت و انتقال نیست. نهاد اجرایی می‌تواند در شرایط فوق‌العاده و در صورت نیاز به خدمات گسترده اضطراری، بر مبنای اصل «تعیین و اعمال شرایط فوق‌العاده»، با رعایت حقوق فردی و تا برگشت به وضعیت عادی، از مقررات کار عدول کند.

۱۵-۳: فهرست مشاغل فدرال یکسان

کلیه ایلات‌ها از یک فهرست مشاغل فدرال یکسان برای مقاصد قانونگذاری و اجرا استفاده می‌کنند اما حقوق و مسئولیت‌های مترتب بر آنها می‌تواند در چارچوب قانون در هر ایالت متفاوت باشد. این فهرست دست کم شرایط احراز، شرح وظایف، مخاطرات، ملاحظات ایمنی و درجه سختی مشاغل را تعیین می‌کند.

۱۵-۴: برابری دستمزد

- ۱) پرداخت دستمزد به همه شاغلان باید بدون هیچ نوع تبعیض مرتبط با جنسیت، قومیت، دین، مذهب، نژاد، زبان یا هر ویژگی غیرموثر و صرفاً بر اساس ارزش واقعی کار انجام شده باشد.
- ۲) هر فردی که کار با ارزش برابر انجام می‌دهد، مستحق دریافت مزد برابر است، حتی اگر عنوان شغلی، شرایط استخدام یا وضعیت قراردادی او متفاوت باشد.
- ۳) تعریف جزئی، شیوه اجرا و نحوه تشخیص ارزش کار برابر به موجب قانون عادی تعیین می‌شود، اما قانون عادی نباید اصل منع تبعیض و تساوی مزد را نقض یا محدود کند.

۱۵-۵: نیاز به احراز صلاحیت برای مشاغل

ایلات‌ها می‌توانند اشتغال به حرفه‌های آزاد را منوط به احراز صلاحیت نمایند. این احراز محدود به قابلیت‌های تخصصی، زبان، ایمنی و دانش در مورد قوانین و مقررات مربوطه است. مقررات مربوط به جلوگیری از تبعیض ساختاری و تضمین دسترسی برابر توسط وزارت کار تدوین و به تصویب نهاد قانونگذاری میرسد.

۱۵-۶: ایمنی و سلامت محیط کار

شاغلان حق دارند در محیط کاری ایمن و سالم فعالیت کنند. کارفرمایان و نهادهای مسئول مکلف‌اند شرایط ایمن و سالم کاری را در محیط کار تضمین و اجرا کنند؛ این شامل پیشگیری فعال از هرگونه خطر شغلی، ارائه آموزش‌های ایمنی و

تضمین سلامت جسمی و روانی شاغلان است. دولت موظف است استانداردهای ایمنی و بهداشت حرفه‌ای را تصویب، اجرا و بر آن نظارت کند. نقض این اصل، موجب مسئولیت قانونی و حق جبران خسارت برای آسیب‌دیدگان خواهد بود.

۱۵- ۷: مرخصی والدانه

- ۱) هر فرد شاغلی که صاحب فرزند شود، حق استفاده از مرخصی والدانه را دارد.
- ۲) حق بازگشت به همان شغل و موقعیت پیش از مرخصی و حفظ کلیه مزایای شغلی و سنواتی پس از بازگشت تضمین می‌شود.
- ۳) حقوق ایام مرخصی والدانه معادل دوسوم متوسط حقوق پایه سه ماه پیش از شروع مرخصی بوده و از محل صندوق بیمه‌های اجتماعی و در صورت عدم کفایت از بودجه عمومی تأمین می‌شود. کارفرمایان از پرداخت مستقیم حقوق مرخصی والدانه معاف هستند.
- ۴) مجموع مدت مرخصی والدانه‌ی والدین برای فرزند اول، دوم، سوم و چهارم به ترتیب ۱۲، ۱۰، ۸ و ۶ ماه است، والدین میتوانند با ارائه دلیل و اثبات امکان مراقبت از کودک، میزان کمتری از مرخصی والدانه را درخواست و استفاده کنند. مرخصی والدانه قابل معامله، تبدیل، نقل و انتقال یا انباشت نیست.
- ۵) مدت مرخصی والدانه قابل تقسیم بین والدین است، ولی حداقل ۴۰٪ کل مدت مرخصی باید توسط مادر استفاده شود. اگر یکی از والدین شاغل نباشد، والد شاغل تا ۸۰٪ مدت مرخصی را می‌تواند به‌تنهایی استفاده کند.
- ۶) والدی که از مرخصی والدانه استفاده میکند، در حین مرخصی، حق انجام کار و کسب درآمد ندارد.
- ۷) هرگونه اخراج، تغییر رتبه، کاهش حقوق یا مزایا به دلیل استفاده از مرخصی والدانه ممنوع است.
- ۸) ایالت‌ها می‌توانند با رعایت عدالت توزیعی، مدت یا مزایای مرخصی والدانه را افزایش دهند.
- ۹) در طول مرخصی والدانه، امکان شرکت والدین در دوره‌های بازآموزی و مهارت‌آموزی کوتاه‌مدت فراهم می‌شود تا بازگشت به محیط کار تسهیل شود.
- ۱۰) بهره‌مندی از مرخصی صرفاً برای والدین شاغل است. جزئیات مرخصی برای زنان بیکار یا والدین بدون شغل، مطابق مقررات بیمه بیکاری و حمایت اجتماعی تعیین می‌شود.
- ۱۱) بهره‌مندی والدین از این مرخصی در هر صورت نباید موجب بی‌ثباتی شغلی یا کاهش فرصت‌های شغلی آنان گردد. نظام نظارت و رسیدگی فوری بر شکایات و تخلفات کارفرمایان در این زمینه برقرار خواهد شد.
- ۱۲) جزئیات بیشتر در قانون تعیین می‌گردد.

۱۵- ۸: زمان بازنشستگی

تراز زمان بازنشستگی ۳۰ برابر تراز اشتغال پایه است. تمام اضافه و کسر کارها، به تفکیک ساعت در محاسبه مجموع ساعات کارکرد لحاظ می‌شوند. بازنشستگی با کار کمتر از تراز بازنشستگی مطابق قانون امکانپذیر است. ادامه فعالیت با سابقه کار بیش از تراز بازنشستگی در نهادهای حکومتی و عمومی ممنوع است و در دیگر نهادها با افزایش مالیات کنترل می‌شود. تراز زمان بازنشستگی برای مادران شاغل (نه شخصی که فرزند را به دنیا آورده است)، به ازای فرزند اول، دوم، سوم و چهارم به ترتیب ۱،۰۰، ۰،۷۵، ۰،۵۰ و ۰،۲۵ واحد کاهش می‌یابد. این ضرایب متناسب با کل مدت کارکرد تعدیل میشوند.

۱۵-۹: ممنوعیت داشتن بیش از یک شغل

- ۱) هیچ فردی حق ندارد به طور همزمان دارای بیش از یک شغل در حکومت (اعم از تمام وقت یا پاره وقت) باشد. با این حال، در صورت وجود سایر شرایط قانونی، تدریس در نهادهای آموزشی یا اشتغال به خدمات درمانی، صرفاً تا سقف ۱۰٪ تراز اشتغال پایه و با کسر از حقوق اصلی (و احتمالاً دریافت بخشی از حق الزحمه از خدمت گیرنده دوم)، به عنوان استثنا مجاز است؛ مشروط بر آن که این اشتغال همزمان، منجر به تعارض منافع، اخلال در انجام وظایف اصلی یا سوءاستفاده از موقعیت شغلی نشود.
- ۲) کلیه درآمدهای کارگزاران حکومت تجمیع شده و صرفاً از طریق اداره ایالتی مربوط به محاسبه، ثبت و پرداخت حقوق در ایالت محل اسکان اصلی فرد، به ایشان پرداخت می‌گردد.
- ۳) در مواردی که فرد در بیش از یک ایالت اشتغال دارد، یکی از ایالت‌ها به عنوان محل اسکان و مرجع اصلی محاسبه و پرداخت انتخاب خواهد شد.
- ۴) آیین‌نامه اجرایی این ماده، شرایط دقیق، نحوه کنترل استثنایها و تضمین شفافیت و نظارت را مشخص خواهد کرد.

۱۵-۱۰: محدودیت در بکارگیری شهروندان وابسته

- ۱) اشتغال شهروندان وابسته، شامل کودکان و افراد تحت سرپرستی، در فعالیتهای اقتصادی سودآور، جز در موارد استثنایی پیش‌بینی شده در قانون، ممنوع است. بهره‌کشی اقتصادی، کار زیان‌بار و هرگونه فعالیتی که سلامت جسمی و روانی یا رشد تحصیلی این افراد را به خطر اندازد، مطلقاً ممنوع است.
- ۲) با این حال، مشارکت کودکان و شهروندان وابسته در فعالیتهای هنری، فرهنگی، رسانه‌ای، تبلیغاتی، تحقیقاتی یا آموزشی، مشروط به اینکه بهره‌کشی اقتصادی صورت نگیرد، سلامت یا تحصیل آنان آسیب نبیند و با رضایت سرپرست قانونی و دریافت مجوز از مقام ذی‌صلاح (مانند وزارت کار و وزارت آموزش)، مجاز است. ضوابط، حداکثر مدت و شرایط مشارکت و حمایت و فرآیند نظارت و صدور مجوز، به موجب قانون عادی تعیین می‌شود تا منافع عالی کودک و حقوق بنیادین او تضمین گردد.
- ۳) شهروندان وابسته بالای ۱۶ سال، با تأیید سرپرست قانونی و در محیط‌های مورد تأیید وزارت کار و وزارت آموزش، می‌توانند تا سقف ۱۰٪ از ساعات اشتغال استاندارد و با دستمزدی نه کمتر از حداقل قانونی، در شرایط ویژه اشتغال یابند.
- ۴) افراد دارای معلولیت یا دیگر شهروندان وابسته بالای ۱۸ سال که به تشخیص مرجع تخصصی، توانایی اشتغال دارند، از حق کار برابر با سایر شهروندان، با دریافت حمایت‌ها و تسهیلات متناسب، برخوردار بوده و هیچ‌گونه تبعیض یا منع کلی نسبت به آنان اعمال نمی‌شود. معیارها و چگونگی حمایت، مطابق قانون و با رعایت اسناد بین‌المللی مرتبط تعیین می‌گردد.

فصل ۱۶: خدمات اجتماعی

۱۶-۱: حق دسترسی، آزادی انتخاب و رقابت در خدمات اجتماعی

- ۱) هر فرد حق دارد از خدمات اجتماعی پایه شامل بیمه سلامت، بازنشستگی، بیکاری و سایر حمایت‌های اجتماعی بهره‌مند گردد.
- ۲) افراد حق دارند بیمه‌گر یا ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی خود را آزادانه از میان مؤسسات دولتی، عمومی و خصوصی انتخاب کنند.
- ۳) دولت و نهاد تنظیم‌گر، موظف به تضمین رقابت سالم و جلوگیری از انحصار، تبانی و رفتار ضد رقابتی در بازار خدمات اجتماعی و بیمه‌ای هستند.
- ۴) ارائه خدمات مستقیم توسط دولت، تنها در موارد تصریح شده در قانون و در راستای اصل «حوزه فعالیت اقتصادی نهاد اجرایی» مجاز است.

۱۶-۲: مالکیت، شفافیت و مدیریت سرمایه‌های بیمه‌ای

- ۱) پرداخت‌های افراد به مؤسسات بیمه‌گر، نوعی سرمایه‌گذاری شخصی بلندمدت محسوب می‌شود و بیمه‌شدگان در عواید این سرمایه‌گذاری سهیم‌اند.
- ۲) ذخایر بیمه‌ها باید به صورت شفاف، سودآور و با رعایت اصول احتیاطی و حداقل ریسک مدیریت شود.
- ۳) بیمه‌گران موظف‌اند اطلاعات روشن، مستمر و قابل دسترسی درباره نحوه مدیریت و بازدهی سرمایه‌ها به بیمه‌شدگان ارائه کنند.
- ۴) هزینه‌های بیمه‌ای هر فرد مستقیماً از محل ذخیره فردی پرداخت می‌شود؛ مانده ذخایر فردی در پایان دوره (مثلاً پس از بازنشستگی) به وی یا ورثه وی پرداخت می‌گردد. مانده ذخایر فردی مربوطه به بیمه‌های پایه فدرال و ایالتی پس از بازنشستگی، از کار افتادگی دائم، فوت یا ترک تابعیت بازپرداخت می‌شوند.
- ۵) مقررات مربوط به حفظ و انتقال مالکیت اندوخته‌های بیمه‌ای باید کاملاً شفاف و تضمین‌شده باشد.

۱۶-۳: تضمین حمایت‌های اجتماعی پایه

- ۱) دولت فدرال موظف است سطحی از حمایت اجتماعی پایه، شامل بیمه سلامت، بازنشستگی، بیکاری و خدمات مشابه را برای همه شهروندان ساکن کشور، صرف‌نظر از میزان یا امکان مشارکت فردی، به طور برابر تضمین نماید تا کرامت انسانی حفظ شود. تأمین هزینه‌های این حمایت، از منابع عمومی یا صندوق‌های تضامنی و مبتنی بر تصمیمات نهاد قانونگذاری انجام می‌گیرد.

- ۲) دولت‌های ایالتی مجازند افزون بر سطح پایه، پوشش‌ها یا مزایای بالاتری را برای ساکنان خود برقرار کنند.
- ۳) مؤسسات بیمه‌گر می‌توانند طرح‌های تکمیلی فراتر از سطح پایه یا ایالتی را به طور رقابتی و در بازار آزاد عرضه نمایند.

۱۶-۴: شفافیت، پاسخگویی و نظارت مؤثر بر خدمات اجتماعی

- ۱) تمامی مؤسسات بیمه‌گر و ارائه‌دهندگان خدمات اجتماعی، مشمول نظارت نهادهای تنظیم‌گر مستقل در سطح فدرال و ایالتی هستند.
- ۲) اجرای فرآیندهای منظم حسابرسی، شفافیت مالی و گزارش‌دهی عمومی برای همه صندوق‌ها و شرکت‌های بیمه اجباری است.
- ۳) سازوکارهای مؤثر و دسترسی‌پذیر برای حل اختلافات و رسیدگی به شکایات در قوانین عادی پیش‌بینی می‌شود.

۱۶-۵: انتقال‌پذیری خدمات اجتماعی

- ۱) حقوق و منافع بیمه‌ای و خدمات اجتماعی افراد، در صورت تغییر شغل، محل زندگی، یا ارائه‌دهنده خدمت باید بدون کاهش ارزش و محدودیت قابل انتقال باشد.
- ۲) انتقال اندوخته‌ها و حقوق مرتبط، میان صندوق‌ها و ارائه‌دهندگان مختلف باید تضمین شود و قوانین، هرگونه مانع‌تراشی را ممنوع کند.

۱۶-۶: دسترسی برابر به خدمات اجتماعی

- ۱) هیچ فردی نباید به علت «ویژگی‌های غیرمؤثر» یا هر عامل غیرمرتبط دیگر، از دسترسی به خدمات اجتماعی پایه فدرال و ایالتی محروم گردد.
- ۲) مقررات خدمات اجتماعی و بیمه‌ای باید با اصول کرامت انسانی، برابری و عدم تبعیض منطبق باشد.

۱۶-۷: مشارکت و نظارت مردمی بر خدمات اجتماعی

- ۱) مشارکت ذینفعان (بیمه‌شدگان و استفاده‌کنندگان خدمات اجتماعی) در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان صندوق‌های بیمه‌ای و خدمات اجتماعی باید تضمین گردد.
- ۲) مؤسسات خدمات اجتماعی و بیمه‌ای موظف به گزارش‌دهی منظم و شفاف به عموم، به‌ویژه ذینفعان هستند.
- ۳) ساختارها و فرایندهایی برای بیان، پیگیری و تحقق مطالبات جمعی ذینفعان در قوانین عادی پیش‌بینی می‌شود.

فصل ۱۷: نیروهای مسلح

۱۷-۱: دفاع مشروع از کشور

- ۱) کشور دارای حق ذاتی و غیرقابل سلب دفاع از خود در برابر هرگونه حمله مسلحانه از سوی هر دولت، گروه، نهاد یا شخص خارجی است.
- ۲) اقدامات دفاعی متناسب، ضروری و محدود به دفع حمله و بازگرداندن امنیت و تمامیت سرزمینی کشور است.
- ۳) دولت موظف است ضمن اعمال حق دفاع مشروع، اصول و قواعد حقوق بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ممنوعیت اقدامات تلافی‌جویانه مغایر با این اصول را رعایت نماید.
- ۴) هرگونه تصمیم برای به‌کارگیری نیروهای مسلح در دفاع از کشور باید با اطلاع و نظارت نهادهای قانون‌گذاری و قضایی مربوطه انجام شود و به افکار عمومی گزارش داده شود، مگر در شرایط اضطراری که تأخیر موجب آسیب جدی شود.
- ۵) پیگیری سیاسی و حقوقی تجاوز یا تهدید علیه کشور از طریق مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی، همزمان با دفاع نظامی، از وظایف دولت است.

۱۷-۲: ارتش

- ۱) ارتش کشور تنها نهاد مسلح و نیروی قهریه بنیادین برای پاسداری از قلمرو فیزیکی کشور و قانون اساسی است.
- ۲) ارتش تنها نهاد مجاز برای خرید، نگهداری و بهره‌برداری از سلاح جنگی است.
- ۳) فرماندهی ارتش زیر نظر رئیس نهاد اجرایی فدرال است.
- ۴) ارتش موظف است هرگونه تجاوز یا تهدید خارجی به قلمرو کشور را دفع کند حتی اگر این عملیات مستلزم اقدام نظامی در داخل مرزهای کشور، سرزمین‌های (های) متجاوز، سرزمین‌های بین‌المللی یا سرزمین‌های میانی باشد.
- ۴) ارتش حق مداخله یا اجرای عملیات مسلحانه علیه مردم، تجمعات، امور انتظامی داخلی یا امنیت سیاسی کشور را ندارد.
- ۵) ارتش حتی با دستور بالاترین مقام حکومتی، نمی‌تواند برخلاف فرامین قانون اساسی عمل نماید.
- ۶) ارتش حق کودتا ندارد.

۱۷-۳: وظایف مدنی ارتش

رئیس نهاد اجرایی فدرال می‌تواند به درخواست روسای دولت‌های ایالت‌ها، ارتش را برای مقابله با بلاهای طبیعی و مشکلات بزرگ در قالب یک نیروی مدنی غیر مسلح یا حداکثر با تسلیحاتی هم‌تراز با شهربانی به کار گیرد. در این صورت فرماندهی ارتش در ایالت‌ها زیر نظر روسای دولت‌های ایالتی و در سطح کشور زیر نظر وزیر کشور خواهد بود.

۱۷-۴: شهربانی

- ۱) شهربانی پاسدار امنیت شهروندان و اموال آنها و نیز اموال عمومی و اعمال قانون، در تمام نقاط حریم فیزیکی و نیز مسئول اجرای دستورات قضائی است.
- ۲) شهربانی تنها نهاد مسلح مدنی و تنها نهاد مجاز برای خرید، نگهداری و بهره برداری از سلاح‌های غیرجنگی است.
- ۳) شهربانی فدرال زیر فرمان وزیر کشور و شهربانی‌های ایالتی زیر فرمان روسای دولت‌های ایالتی مربوطه اند.
- ۴) شهربانی حق استفاده از سلاح‌های با قدرت تخریب بالا، کشتن گروهی، هوشمند یا خودمختار را ندارد.

۱۷-۵: بی‌طرفی سیاسی نیروهای مسلح و امنیتی

- ۱) نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی کشور موظف به بی‌طرفی کامل و عدم دخالت در امور سیاسی هستند و تحت هیچ شرایطی حق عضویت، حمایت، تبلیغ یا فعالیت به نفع یا علیه احزاب سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ، جریان‌های انتخاباتی یا نامزدهای انتخاباتی و مقامات را ندارند.
- ۲) به‌کارگیری امکانات، جایگاه، پوشش یا اقتدار نیروهای مسلح، انتظامی و امنیتی به نفع یا علیه هر جریان یا هدف سیاسی، انتخاباتی یا حزبی به هر شکل، ممنوع و موجب پیگرد انتظامی و قضایی است.
- ۳) نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی، حق مداخله در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، قانون‌گذاری، اجرایی یا انتخاباتی کشور را ندارند و صرفاً در چارچوب مأموریت‌های قانونی خود و تحت فرماندهی نهادهای منتخب و غیرنظامی عمل می‌کنند.
- ۴) هرگونه اظهار نظر یا اقدام سیاسی از سوی اعضا و کارکنان این نهادها در حین انجام وظیفه یا با استفاده از جایگاه نظامی، انتظامی، امنیتی یا اداری ممنوع است.
- ۵) نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی موظف به تبعیت از حکومت منتخب مردم هستند.

۱۷-۶: حق حمل سلاح

هیچ فرد، گروه، حزب یا نهادی حق مسلح بودن یا حمل و نگهداری سلاح را ندارد، مگر در موارد تصریح‌شده در قانون و صرفاً با رعایت تشریفات و شرایط زیر:

- ۱) استثناهای قانونی: نیروهای امنیتی، مقامات یا دیگر نهادهایی که مطابق قانون مجاز به حمل سلاح هستند، می‌توانند با درخواست مستند و به امضای بالاترین مقام نهاد مربوطه و با ارائه گواهی صلاحیت حمل سلاح، سلاح خود را از شهربانی تحویل بگیرند.
- ۲) صلاحیت و مجوز: گواهی صلاحیت حمل سلاح، تنها توسط واحد ویژه‌ای در شهربانی و پس از طی کلیه مراحل قانونی و بررسی‌های صلاحیت، قابلیت و نیاز شهروند مستقل درخواست‌کننده در زمینه استفاده درست و آگاهانه

- از سلاح برای مدت محدود (حداکثر یک سال تقویمی) به نام درخواست کننده صادر می‌شود. این گواهی تنها برای استفاده از سلاح/سلاح‌های معین، در بازه زمانی، مکانی و هدف مشخص شده در اجازه‌نامه معتبر است.
- ۳) شرایط استفاده و کنترل: سلاح تحویلی منحصرأ باید توسط فرد دارنده مجوز، در چارچوب هدف، زمان و محل تعیین شده در اجازه‌نامه استفاده شود و استفاده از آن به دیگران تحت هیچ شرایطی واگذار یا منتقل نمی‌شود. کلیه افراد غیرنظامی اعم از افراد عادی، نیروهای امنیتی، کارکنان اداری ارتش، مقامات، نیروهای انتظامی، پلیس خصوصی و دبیر افراد مجاز برای حمل سلاح باید دارای گواهی صلاحیت معتبر باشند.
- ۴) مدیریت و گزارش‌دهی: شهرداری مسئول مدیریت، کنترل و نظارت بر کلیه سلاح‌های تحویلی به افراد و نهادهای مجاز است. هرگونه استفاده یا رخدادی (گم‌شدن، سرقت، استفاده، خرابی و غیره) برای سلاح باید ظرف کمتر از ۲۴ ساعت به شهرداری گزارش شود.
- ۵) محدودیت و تمدید: اجازه حمل سلاح برای مدت حداکثر یک سال صادر می‌شود و پس از پایان مدت، کل فرایند بررسی و صدور مجوز باید از نو طی شود. تمدید مجوز مشروط به ارزیابی مجدد صلاحیت فرد و نیاز واقعی به حمل سلاح است.
- ۶) مسئولیت‌پذیری و ممنوعیت انتقال: نیروهای مسلح و دارندگان مجوز حمل سلاح، تحت هیچ شرایطی حق واگذاری موقت یا دائم مسئولیت و سلاح خود را به دیگری ندارند و مسئولیت کلیه عواقب و رویدادهای ناشی از استفاده سلاح با دارنده مجوز است.
- ۷) اصل کلی: هرگونه حمل، مالکیت یا استفاده از سلاح خارج از چارچوب این مقررات و بدون گواهی صلاحیت معتبر، ممنوع و جرم تلقی می‌شود و با متخلفین مطابق قانون برخورد خواهد شد.

۱۷-۷: قابلیت شناسایی و کنترل سلاح

سلاح‌ها، مهمات (مانند فشنگ)، قطعات جدا شونده‌ی پرتابه‌ها (مانند مرمی فشنگ، نارنجک، ساچمه) و کلیه ابزارهای تدافعی و تهاجمی که تحت مدیریت شهرداری هستند، صرفنظر از اینکه در اختیار چه اشخاصی قرار دارند، باید قابل شناسایی و ردیابی به اجازه‌نامه حمل سلاح باشند. شهرداری باید از فناوری‌هایی استفاده کند که سلاح‌های مورد استفاده یا تحویلی‌اش فقط در محدوده زمانی و مکانی تعیین شده و فقط توسط دارنده اجازه‌نامه قابل استفاده باشد.

۱۷-۸: مجاز بودن تشکیل موسسات غیر دولتی مسلح

تشکیل مؤسسات غیر دولتی مسلح، در زمینه حفاظت و نگهداری از افراد و اماکن و نیز کارآگاه خصوصی با رعایت قوانین و تحت نظارت شهرداری مجاز است. قوانین مربوط به در اختیار گرفتن سلاح توسط این مؤسسات نمی‌تواند آسان‌تر از قوانین ارائه سلاح به نیروهای امنیتی باشد.

۱۷-۹: فراهم کردن آموزش و تسلیحات نظامی

کلیه‌ی آموزش‌های نظامی و نیز تسلیح نیروها و هزینه‌های مترتب بر آن، بر عهده نهاد اجرایی فدرال است. تدارک و نگهداری لباس و تجهیزات و دیگر امور پشتیبانی نیروهای نظامی از وظایف ایالت‌هاست، اما بر اساس مقرراتی که مجلس فدرال تدوین می‌نماید، هزینه‌های موارد مذکور بین ایالت‌ها توزیع می‌شود.

۱۷-۱۰: ممنوعیت عضویت در پیمان‌های نظامی بین‌المللی

عضویت در پیمانی که بتواند کشور را به خاطر گروه، کشور، یا کشورهای دیگر وارد جنگ کند، ممنوع است.

۱۷-۱۱: ممنوعیت صادرات جنگ افزار به مناطق جنگی

ارسال، تحویل، اجازه بهره‌برداری و بهره‌برداری از هرگونه جنگ افزار ساخت کشور یا موجود در حریم کشور به منطقه جنگی که کشور مستقیماً در آن درگیر نیست، ممنوع است.

۱۷-۱۲: نحوه استفاده حکومت فدرال از منابع ایالت‌ها

حکومت فدرال می‌تواند با پرداخت هزینه عادلانه، از زمین‌ها، ساختمان‌ها و دیگر تاسیسات و امکانات مربوطه برای استقرار نیروهای نظامی و متعلقات آنها در حریم ایالت‌ها استفاده نماید یا آنها را به تملک خویش در آورد. محل و میزان استفاده از این موارد باید با موافقت نهاد اجرایی ایالتی باشد. مجموعه قوانین فدرال شرایط و نحوه پرداخت هزینه را تعیین می‌نماید.

۱۷-۱۳: مواجهه با تهدیدات خارجی

چنانچه هر یک از ایالت‌ها از سوی یک کشور خارجی در معرض خطر قرار گیرد، نهاد اجرایی ایالت مورد تهدید، موظف است بلافاصله مقامات ذیصلاح فدرال را از این امر آگاه نماید و از نهاد اجرایی فدرال و دیگر ایالت‌ها استمداد نماید. نهاد اجرایی فدرال و ایالت‌های مورد استمداد (پس از دستور نهاد اجرایی فدرال) موظفند کمک‌های لازم را ارائه نمایند. هزینه‌های مربوط به کمک‌رسانی به عهده نهاد اجرایی فدرال است.

۱۷-۱۴: ممنوعیت استقرار نیروی نظامی خارجی

هیچ شخص، گروه، حزب و کشوری نمی‌تواند به هیچ دلیلی در حریم کشور پایگاه یا نیروی نظامی موقت یا دائم داشته باشد.

۱۷-۱۵: برخورد با گروه‌های مسلح

افراد یا گروه‌هایی که به طور مسلحانه وارد حریم کشور شوند، دشمن فرض می‌شوند و حکومت می‌تواند آنها را از بین ببرد، اسیر کند یا به کشور مبداء بازگرداند. واحدهای نظامی مستقر در میدان باید پس از اخطار مستند و قابل فهم به آنها اقدام به برخورد نظامی مناسب و متناسب نمایند.

۱۶- ۱۷: مسئولیت عملیات نظامی و انتظامی

مسئولیت مستقیم و غیر قابل انکار اعمال و نتایج حاصل از هر عملیات نظامی، انتظامی و امنیتی به عهده فرمانده حاضر در میدان است، هر چند این موضوع از مسئولیت دیگر آمران، عاملان و مشاوران نمی‌کاهد.

۱۷- ۱۷: وظیفه ایالت‌ها در زمان جنگ

در صورت اعلام جنگ یا وضعیتی که نیاز به نقل و انتقال نیروهای نظامی داشته باشد، هر ایالت موظف است مجوز عبور آزادانه نیروهای نظامی از حریم خود یا استقرار آنها را صادر نماید.

۱۷- ۱۸: خدمت نظام وظیفه

- ۱) خدمت وظیفه برای همه شهروندان بالای ۱۸ سال، بدون تبعیض مبتنی بر ویژگی‌های غیر موثر الزامی است.
- ۲) تعیین نوع خدمت (رزمی، پشتیبانی، مدیریتی، فنی یا مدنی) باید بر اساس ارزیابی توانایی جسمی و روانی فرد و با رعایت انتخاب و شایستگی فردی انجام شود و هیچ نوع تقسیم‌بندی پیش‌فرض یا کلیشه‌ای مجاز نیست.
- ۳) انتقال افراد ناتوان، کم‌توان یا کسانی که تمایل یا توانایی حضور در واحدهای رزمی را ندارند، به بخش‌های دیگر خدمت، یا کاهش مدت خدمت آنها باید صرفاً بر پایه معیارهای پزشکی، علمی و با تشخیص کمیسیون بی‌طرف انجام شود.

۱۷- ۱۹: استفاده از نیروهای مردمی در زمان جنگ

در حین جنگ می‌توان با موافقت نهاد اجرایی و تصویب مجلس فدرال از نیروهای انتظامی و مردمی پس از ارائه آموزش‌های لازم و فراهم کردن امکانات و تسلیحات مورد نیاز آنها، برای مقابله با دشمن استفاده کرد. فرماندهی این نیروها به عهده ارتش است و در حین خدمت، نیروی ارتش محسوب می‌شوند. این افراد به محض رفع خطر از خدمت مرخص می‌شوند. تشکیل هرگونه نیروی نظامی دیگر نقض اصل «نهادهای مسلح» بوده و ممنوع است. دوره خدمت افراد به خدمت گرفته شده، به سابقه کار آنها افزوده می‌شود.

۱۷- ۲۰: ممنوعیت مسلح بودن خارجیان

خارجیان، مادامی‌که در حریم کشور باشند حق نگهداری، حمل، استفاده یا خرید و فروش سلاح ندارند.

۱۷- ۲۱: ممنوعیت سوء استفاده از نیروهای مسلح

از نیروهای مسلح به هیچ صورتی، در هیچ زمانی و به دستور هیچ مقامی نمی‌توان در جهت ترساندن یا سرکوب مردم کشور استفاده کرد. از ارتش نمی‌توان برای سرکوب نافرمانی‌های مردم استفاده کرد. شهرداری نمی‌تواند برای سرکوب کردن مردم، آنها را مورد ضرب و شتم قرار دهد یا به هر نحوی به آنها آسیب برساند. شهرداری با دریافت مجوز قانونی می‌تواند نسبت به

متوقف کردن افرادی که به تخریب اموال عمومی یا ضرب و شتم دیگران می‌پردازند یا قصد ورود به اماکن ممنوعه را دارند، اقدام نماید. شهربانی و شرکت کنندگان در اجتماعات و ناآرامی‌ها در هر صورت در قبال اقدامات خود مسئولند. نیروهای امنیتی حق مداخله مستقیم در ناآرامی‌های اجتماعی را ندارند، بلکه باید تصمیمات خود را از طریق هماهنگی با و به وسیله شهربانی به انجام برسانند.

فصل ۱۸: انتخابات

۱۸-۱: تضمین حق رأی شهروندان

حق رأی شهروندان مستقل همواره تضمین شده و نفی یا محدود نمی‌شود. رأی به صورت مستقیم، بدون واسطه، بدون وکالت، بدون امکان انتقال به غیر، انفرادی، محرمانه و خصوصی دریافت و ثبت می‌شود.

۱۸-۲: نهاد انتخابات

مدیریت انتخابات توسط نهاد مستقل انتخابات انجام می‌شود. این نهاد مستقل از سه قوه است، اعضای آن با رأی دوسوم نهاد قانونگذاری انتخاب می‌شوند و بودجه مستقل دارد. امکانات مورد نیاز نهاد انتخابات توسط وزارت کشور تامین می‌شود. تصمیمات نهاد انتخابات در مرحله اول توسط رویه‌های داخلی، سپس مجلس و در صورت حل نشدن، توسط دادگاه قانون فدرال قابل بررسی است. ساختار، شرح وظایف و نحوه فعالیت نهاد انتخابات را قانون تعیین می‌کند.

۱۸-۳: مدیریت انتخابات

انتخابات در هر حوزه باید توسط نهاد انتخابات مدیریت شود. اجرای انتخابات به پیشنهاد نهاد قانونگذاری و به تصویب نهاد انتخابات به عهده ۳ نهاد غیر از نهاد قانونگذاری و نهاد انتخابات گذاشته می‌شود که دست کم یکی از آنها باید غیرحکومتی و یکی از آنها از خارج حوزه انتخابیه باشد. در صورتی که حوزه انتخابیه، کل کشور باشد نهاد مجری خارج از حوزه، باید یکی از نهادهای بین‌المللی مورد تایید سازمان ملل متحد باشد.

۱۸-۴: حضور ناظرین خارج از حوزه

حضور ناظرین خارج از حوزه به دلخواه آنها یا به دعوت نهاد انتخابات یا به دعوت کاندیداها، با اعلام قبلی به نهاد مدیریت انتخابات، آزاد است. هزینه این عمل به عهده دعوت‌کننده است.

۱۸-۵: شمارش آراء

شمارش آراء هر صندوق بلافاصله پس از اتمام رأی‌گیری و قبل از هرگونه جابجایی صندوق به انجام می‌رسد و نتیجه آن در یک صورتجلسه دست کم به تعداد کلیه امضاء کنندگان، مستند شده و به امضای کلیه افراد ذیصلاح، نمایندگان کاندیداها،

ناظرین و نماینده نهاد انتخابات می‌رسد. یک نسخه از این صورتجلسه قبل از انتقال صندوق و مرخص کردن اعضای صندوق به اطلاع عموم می‌رسد. هر واحد انتخاباتی دیگری که این صورتجلسه‌ها را دریافت می‌کند نیز موظف است بلافاصله آن را رسماً اعلام وصول کرده، یک نسخه از آن را منتشر نماید. به علاوه، نتیجه تجمیع آراء در هر سطح، پس از تایید توسط نهاد تجمیع کننده و همزمان با ارسال برای نهاد بالادستی، باید به تفکیک حوزه‌های شرکت کننده در عمل تجمیع، منتشر شود.

۱۸-۶: تعداد دفعات احراز مقام‌های انتخابی

هر فرد حائز شرایط، می‌تواند حداکثر ۲ بار متوالی و در طول زندگی خود حداکثر ۳ بار به یک مقام انتخابی خاص برسد. این امر مانع از انتخاب شدن برای یک مقام انتخابی دیگر نمی‌شود. تصدی بیش از دو سال یک سمت انتخابی حتی به دلیل جایگزینی فرد دیگر، معادل یک دوره کامل تصدی آن مقام محسوب می‌شود.

۱۸-۷: ممنوعیت کاندیداتوری همزمان

هیچ فردی نمی‌تواند به طور همزمان برای کسب بیش از یک مقام انتخابی کاندیدا شود. یا در حین انجام وظیفه در حکومت برای احراز یک مقام انتخابی کاندیدا شود.

۱۸-۸: شفافیت مالی سیاست

تمام منابع مالی احزاب و نامزدهای انتخاباتی باید به صورت عمومی اعلام شود. دریافت کمک مالی از:

- ۱) دولت‌های خارجی
- ۲) نهادهای خارجی
- ۳) منابع غیرمجاز
- ۴) منابع ناشناس

ممنوع است.

۱۸-۹: تحویل و تحول مقام‌های انتخابی

تا انتخاب و تایید نهایی انتخابات و تحویل مقام، نفر فعلی در مقام مربوطه پابرجاست.

۱۸-۱۰: مصونیت مقامات انتخابی

- ۱) مقامات انتخابی، مادامی که در مقام خود هستند، در مقابل اتهاماتی که در رابطه با شرح وظایف و انجام امور مربوط به مقامشان به آنها وارد می‌شود، مصونیت دارند و نمی‌توان آنها را محاکمه و مجازات کرد.
- ۲) دارا بودن مصونیت، مانع از احضار افراد به دادگاه برای کسب اطلاع، ادای شهادت، تفهیم اتهام و موارد مشابه نمی‌شود.

- ۳) دارندگان مصونیت، در مقابل اتهامات و جرائمی که بابت شهروند بودن یا دیگر مشاغل (گذشته و حال) آنها به ایشان وارد می‌شوند و نیز در موارد فساد، جرائم مالی، نقض حقوق بشر و جرائم کیفری مصونیت ندارند.
- ۴) در صورت مجرم شناخته شدن، لغو مصونیت دارنده آن برای اجرای مجازات با نظر موافق دست کم، دوسوم نمایندگان نهاد قانونگذاری هم‌ارز امکان‌پذیر است.
- ۵) دادگاه قانون اساسی می‌تواند مصونیت را لغو کند.

فصل ۱۹: روابط خارجی

۱۹-۱: به رسمیت شناختن کشورها

کلیه کشورهایی که در سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شوند، به رسمیت شناخته می‌شوند، حتی اگر نهاد اجرایی در زمان رأی‌گیری درباره به رسمیت شناخته شدن آن کشورها در سازمان ملل متحد، با به رسمیت شناخته شدن آنها مخالفت کرده باشد.

۱۹-۲: به رسمیت نشناختن حکومتها

به رسمیت نشناختن حکومت‌هایی که از طریق کودتای نظامی، اشغال یا تجزیه بخشی از یک کشور به وجود آمده باشند، ممنوع است، مگر شامل اصل «به رسمیت شناختن کشورها» شوند. در این صورت نیز میزان و سطح رابطه از طریق قوانین موضوعه و سیاست‌های نهاد اجرایی تعیین می‌شود.

۱۹-۳: انعقاد معاهدات رسمی بین‌المللی

انعقاد معاهدات رسمی با کشورهای خارجی از طریق تصویب در مجلس فدرال و تایید رئیس جمهور و در تطابق با اصل «اصل تجدید پیمان» امکان پذیر است.

۱۹-۴: ثبت و شناسایی عامل خارجی

هر شخص خارجی که در حریم کشور برای یک کشور خارجی کار می‌کند یا برای منافع آن کشور فعالیت می‌دهد باید مورد شناسایی قرار گرفته، ثبت شده و حوزه فعالیت و زمان و مکان آن تعیین شود. شخص خاطی به اتهام جاسوسی تحت پیگرد قرار می‌گردد.

فصل ۲۰: امنیت

۲۰-۱: تعیین و اعمال شرایط فوق‌العاده

- (۱) اجرای قوانین ممکن است در شرایط فوق‌العاده با محدودیت مواجه شود. شرایط فوق‌العاده فقط در موارد زیر تعیین و اعمال میشود:
 ۱. تهدید نظامی رسمی از طرف یک یا چند دولت یا سازمان خارجی شامل اعلام یا انجام عملیات نظامی علیه کشور، اتباع کشور یا منافع کشور؛
 ۲. جاسوسی و خرابکاری گسترده در نهادها و سازمان‌های نظامی، انتظامی و امنیتی و صنایع استراتژیک (که فهرست آنها قبلاً به تأیید نهاد قانونگذاری رسیده است)؛
 ۳. اعلام یا انجام حمله مسلحانه سازمان یافته به قصد براندازی حکومت؛
 ۴. کودتای نظامی؛
 ۵. بلاهای طبیعی گسترده همچون زلزله، قحطی، خشکسالی و بیماری همه‌گیر.
- (۲) نوع و میزان شرایط فوق‌العاده باید درجه‌بندی و تعریف مشخص داشته باشد و نیز میزان و طول مدت محدودیت‌های قانونی باید از قبل تعیین شده باشد.
- (۳) نهاد اجرایی می‌تواند حداکثر برای مدت ۱۵ روز شرایط فوق‌العاده اعلام کند. پس از آن باید موافقت و تصویب نهاد قانونگذاری را کسب کند. در صورتی که امکان تشکیل نهاد قانونگذاری وجود نداشته باشد، روسای دولت‌های ایالتی میتوانند، با موافقت دو سوم حاضرین، تا ۱۵ روز دیگر شرایط فوق‌العاده را برای نهاد اجرایی فدرال تمدید کنند. در صورت نیاز به تمدید طولانی‌تر، مجلس‌های ایالتی می‌توانند به عنوان مجلس موقت عمل کرده و اقدام به رای‌گیری و تصویب یا رد درخواست نهاد اجرایی کنند. در این حالت موافقت هر مجلس ایالتی، یک رأی محسوب میشود. در صورت عدم امکان تشکیل جلسه برای بیش از یک سوم ایالت‌ها، رأی نماینده‌های ایالت‌های غایب در مجلس سنا استفاده شده و رسمیت دارد. تمام این تصمیمات در اولین نشست مجلس فدرال بازبینی میشود.
- (۴) حقوق زیر در هیچ شرایطی قابل تعلیق و تحدید نیست:
 ۱. کرامت انسانی
 ۲. منع شکنجه
 ۳. منع تبعیض
 ۴. حق دادگاه عادلانه
 ۵. حق حیات

فصل ۲۱: طبیعت، محیط زیست و حیوانات

۲۱-۱: حفاظت از طبیعت، مناظر طبیعی و تنوع زیستی

- ۱) حفاظت و بهبود طبیعت، مناظر طبیعی و تنوع زیستی کشور، از وظایف بنیادین حکومت است. اجرای این وظیفه با رعایت سیاستها و قوانین فدرال، در حوزه اجرایی ایالتها قرار دارد.
- ۲) هرگونه بهره‌برداری، توسعه یا مداخله در طبیعت و مناظر طبیعی باید با موازین توسعه پایدار، حفظ حقوق نسل‌های آینده و رعایت منافع عمومی صورت گیرد. هیچ سیاست اقتصادی یا صنعتی نباید به تخریب غیرقابل جبران محیط زیست یا نابودی اکوسیستم‌های حیاتی منجر شود.
- ۳) ایجاد، نگهداری و توسعه مناطق حفاظت‌شده و تدابیر بازدارنده علیه تخریب محیط زیست و نابودی گونه‌ها بر عهده نهاد اجرایی و ایالتها است.

۲۱-۲: ملاحظات فرهنگی، تاریخی و منافع عمومی

حکومت موظف است در اجرای وظایف خود، ویژگی‌های مناظر طبیعی، تاریخی و فرهنگی شهرها و روستاها را رعایت نماید. حکومت باید از این مناظر و ارزش‌ها در برابر مداخله و تخریب حفاظت نموده یا با مشوق‌ها و حمایت‌های قانونی و اقتصادی، موجبات حفظ و بهبود آنها را فراهم آورد.

۲۱-۳: اصول بنیادین حقوق حیوانات

هر حیوانی حق دارد در محیط زیستی متناسب با گونه و نیازهای طبیعی خود، بدون رنج و آزار غیرضروری، بهره‌کشی یا استفاده بی‌ضابطه زندگی کند. حق حیات، سلامت، دسترسی به آب و غذای کافی و با کیفیت، رهایی از درد، رنج و استرس غیرضروری از جمله حقوق بنیادین همه حیوانات اعم از اهلی، وحشی، پرورشی و خانگی است. هرگونه آزار، شکنجه، رفتار بی‌رحمانه، نگهداری در شرایط نامناسب، استفاده بی‌ضرورت از حیوانات در آزمایشگاه‌ها و رهاسازی بی‌ضابطه یا کشتار بی‌دلیل حیوانات ممنوع است. این موارد در قوانین عادی جرم‌انگاری شده و برای آنها ضمانت اجرای مؤثر تعیین می‌گردد.

۲۱-۴: وظایف حکومت در حفاظت از محیط زیست و حقوق حیوانات

- ۱) حکومت فدرال موظف است سیاست‌ها، قوانین و استانداردهای لازم برای حفاظت از طبیعت، مناظر طبیعی، تنوع زیستی و حیوانات را تدوین و ابلاغ نماید و هماهنگی و نظارت عالیه بر اجرای آن را بر عهده داشته باشد.
- ۲) حکومت‌های ایالتی مسئول اجرای قوانین، نظارت بر سلامت، درمان و مراقبت از حیوانات در قلمرو خود و اعمال تدابیر لازم برای حفاظت از محیط زیست و حقوق حیوانات هستند.
- ۳) نهاد اجرایی فدرال و ایالت‌ها مکلف‌اند تدابیر لازم را برای حمایت از محیط زیست و حیوانات در برابر بلایای طبیعی، انسانی (از جمله جنگ، آلودگی، تغییر اقلیم)، کم‌غذایی، کم‌آبی، بیماری و خطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی اتخاذ نمایند.
- ۴) حکومت‌ها موظف‌اند نسبت به آموزش عمومی، ارتقای آگاهی شهروندان و حمایت از تحقیقات و فناوری‌های مربوط به بهبود رفاه حیوانات اقدام نمایند.

۲۱-۵: مشارکت عمومی و نظارت

حکومت مکلف است نحوه‌ی مشارکت نهادهای مدنی، انجمن‌های حامی حیوانات، نهادهای خصوصی، مراکز پژوهشی و سایر دست‌اندرکاران و ذینفعان اجتماعی را در تدوین، اجرا و نظارت بر سیاست‌های مربوط به حقوق حیوانات را تضمین نماید. شفافیت، دسترسی عمومی به اطلاعات و امکان شکایت و گزارش‌گری در زمینه نقض حقوق حیوانات باید به صورت قانونی تضمین شود.

پیوست‌ها

پیوست ۱: واژه‌نامه

- ۱) **قرارداد نامگذاری:** نام‌های استفاده شده در این سند فقط به منظور ایجاد درک مشترک و تجسم واقعی تر موضوع مورد بحث استفاده شده‌اند و در صورت لزوم می‌توان آنها را تغییر داد.
- ۲) **حکومت:** حکومت به مجموع افراد، نهادها و قوای تفکیک شده اجرایی، قانون‌گذار، قضائیه و دیگر ارکان کشور گفته می‌شود که بر اساس قانون و رویه‌های قانونی بر کشور حکمرانی و با دیگر کشورها تعامل می‌کنند.
- ۳) **مردم:** مردم، به مجموع تمامی افراد دارای حق حاکمیت بر کشور اطلاق می‌شود؛ فارغ از هرگونه تقسیم‌بندی هویتی، قومی، زبانی، فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی یا سیاسی. مردم کشور شامل همه جمعیت‌ها، اقوام، ملل، گروه‌های زبانی، فرهنگی و مذهبی ساکن کشور است. هریک از گروه‌های جمعیتی تاریخی کشور ممکن است خود را مردم، اتنیک یا قوم بنامد یا دارای هویت جمعی خاص باشد. چنین هویت‌یابی‌هایی، تا زمانی که منجر به مطالبه امتیاز یا برتری حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی نشود، به رسمیت شناخته می‌شود و نیازمند تصویب یا محدودیت قانونی خاص نیست.
- ۴) **شخص (حقیقی و حقوقی):** کلیه افراد، مؤسسات، نهادهای حکومتی، خصوصی، غیرحکومتی داخلی و خارجی. اشاره به «فرد»، در مورد اشخاص حقیقی است.
- ۵) **اعضای درجه یک خانواده:** فرد، همسر و فرزندان فرد، چه این رابطه خانوادگی به صورت طبیعی (بیولوژیک) به وجود آمده باشد چه به حکم قانون.
- ۶) **اعضای درجه دو خانواده:** والدین فرد و فرزندان والدین فرد، چه این رابطه خانوادگی به صورت طبیعی به وجود آمده باشد چه به حکم قانون.
- ۷) **کودک:** کودک فردی است که سن وی بر اساس تقویم رسمی فدرال در زمان محاسبه، کمتر از ۱۸ سال کامل باشد. محاسبه سن به تفکیک روز و در موارد خاص به ساعت و دقیقه انجام می‌شود. در صورت اختلاف یا تردید در سن، اصل بر گواهی رسمی تولد است؛ در نبود آن، گواهی دادگاه یا روش‌های علمی معتبر و قانونی با رعایت حقوق کودک قابل استناد است.
- ۸) **شهروند (مستقل):** شهروند مستقل فردی است که طبق قانون، رسماً تابعیت کشور را داراست و فاقد هرگونه وابستگی حقوقی یا قضایی است. شهروندی رابطه حقوقی و سیاسی بین فرد و کشور بوده و موجب ایجاد حق و مسئولیت متقابل برای طرفین می‌شود. حقوق و مسئولیت‌های کشور را حکومت متقبل می‌شود.
- ۹) **شهروند وابسته:** شهروند وابسته فردی است که تابعیت کشور را دارد، اما به دلیل یکی از شرایط زیر هنوز استقلال حقوقی شهروندی را نیافته است: کودک بودن، احراز قانونی کم‌توانی یا ناتوانی شناختی، روانی یا جسمی، به نحوی که استقلال حقوقی را منتفی کند یا قرار داشتن تحت قیمومت یا ولایت قانونی به موجب حکم دادگاه یا نهاد صلاحیت‌دار با تضمین امکان اعتراض و بازبینی قضایی. اصل بر استقلال شهروندی است و وابستگی فقط در موارد مصرح قانونی و بر اساس دلایل موجه و مستند قابل اعمال است.
- ۱۰) **خارجی:** فردی است که دارای تابعیت کشور نیست.
- ۱۱) **عقیده:** شامل هر نوع ایمان، دین، مذهب، ایدئولوژی یا گرایش فکری اکتسابی است که باعث ترجیح امور ذهنی بر امور عینی شده و باورهای شخصی فرد یا گروهی از افراد را نظام می‌بخشد.
- ۱۲) **ویژگی‌های غیر موثر:** هر ویژگی طبیعی، بیولوژیک یا اکتسابی دائم یا موقت، ثابت یا قابل تغییر شامل ولی نه محدود به جنسیت، خانواده، والدین، نژاد، زبان، محل تولد، محل زندگی، عقیده، گرایش سیاسی، پیشینه، میزان و نوع تحصیلات، شغل و درآمد، کم یا ناتوانی، یا بیش‌توانی که بتوان آن را به یک فرد یا گروه انسانی منتسب کرد.




- ۱۳) **مقام انتخابی:** مقام انتخابی به مقامی اطلاق می‌شود که تنها از طریق رأی‌گیری مستقیم و با کسب حد نصاب قانونی آراء به‌دست می‌آید، حتی در صورتی که تنها یک نامزد برای تصدی آن وجود داشته باشد.
- ۱۴) **حریم خصوصی:** حریم خصوصی شامل تمام دارایی‌های واقعی و مجازی مادی و معنوی، تحت مالکیت، اجاره، تصرف یا بهره‌برداری هر شخص است. موارد اشتراکی، حریم خصوصی کلیه شرکاء محسوب می‌شود.
- ۱۵) **مستند:** چیزی است که اطلاعات موجود در آن، در یک دوره زمانی طولانی بدون تغییر میماند، به صورت مستقل از دست اندرکاران تهیه آن، دارای وجود خارجی و ثبات ساختاری است، انتساب یا انکار انتساب آن به اشخاص قابل اثبات است و در صورت ارائه به دادگاه به عنوان دلیل قابل پذیرش در فرایند حقوقی پذیرفته می‌شود.
- ۱۶) **خیانت به کشور:** خیانت به کشور عملی است که در آن شخص یا اشخاصی با آگاهی، اختیار و برنامه ریزی قبلی، کشور یا بخشی از آن را به جنگ یا درگیری مسلحانه می‌کشاند، باعث طولانی شدن چنین عملیاتی می‌شوند یا به دشمن کمک مالی، فکری، فیزیکی یا اطلاعاتی می‌کنند.
- ۱۷) **دشمن:** دشمن به شخص، گروه، نهاد یا کشوری اطلاق می‌شود که بر اساس اعلام رسمی، یا در عمل، وارد جنگ مسلحانه با کشور شده باشد. تعیین مصداق دشمن صرفاً بر اساس اعلان جنگ یا اثبات مشارکت مستقیم در اقدامات نظامی علیه کشور صورت می‌گیرد.
- ۱۸) **متخاصم:** متخاصم به شخص، گروه، نهاد یا کشوری گفته می‌شود که به طور مستقیم وارد حمله یا عملیات نظامی علیه کشور شود؛ یا آشکارا و بر خلاف حقوق بین‌الملل، اعلان یا اقدام به تهدید، اشغال، استفاده از زور یا حمایت مستقیم و مادی از چنین اقداماتی علیه کشور نماید. اختلافات مرزی یا ادعاهای سرزمینی مادامیکه از طریق مذاکرات یا اقدامات دیپلماتیک، سیاسی، حقوقی و سایر روش‌های صلح‌آمیز پیگیری میشوند، مصداق دشمنی یا تخاصم محسوب نمی‌شوند. مردم کشورهای طرف اختلاف، به صرف تابعیت یا سکونت، دشمن یا متخاصم تلقی نمی‌شوند. چنانچه فردی با نقض قوانین کشور مرتکب اقدام خصمانه شود، رسیدگی به آن صرفاً در چارچوب قانون و با رعایت حقوق بشر انجام خواهد شد.
- ۱۹) **سلاح:** سلاح به هر وسیله، ابزار، شیء یا سامانه فیزیکی یا مجازی گفته می‌شود که به گونه‌ای طراحی شده یا به کار گرفته می‌شود تا به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در هر زمان و مکانی (چه همزمان یا متفاوت با حضور استفاده‌کننده)، موجب آسیب یا خسارت جانی، مالی یا روانی به اشخاص، اموال، یا زیرساخت‌ها گردد؛ اعم از آن که کاربرد آن مشهود، نامشهود، خودکار یا کنترل‌شده باشد.
- ۲۰) **حکم قضائی مستقیم:** حکم قضائی مستقیم حکمی است که توسط یک قاضی دارای صلاحیت در یک دادگاه صالح و بر اساس ضوابط قانونی برای انجام اقدامی مشخص از سوی ضابط قضائی رسمی علیه شخص معین، درباره موضوع معین، در بازه زمانی محدود و تعیین شده صادر می‌شود.

پیوست ۲: حریم فیزیکی کشور

در دست تهیه ...

پیوست ۳: مشخصات پرچم فدرال

پرچم فدرال به صورت زیر از سه نوار افقی با ابعاد یکسان تشکیل شده است به طوری که در اتصال به هم یک مستطیل به عرض ۳ و طول ۴ واحد به وجود می‌آورند. نوار بالایی سبز، نوار میانی سفید و نوار پایینی قرمز رنگ هستند. کد رنگ‌ها در جدول ۱ آمده است.

	Name	RGB	CMYK
	Green Pigment	#239F40	78.00.60.38
	White	#FFFFFF	00.00.00.00
	Rosso Corsa	#DA0000	00.100.100.15

جدول ۱: کد رنگ نوارهای پرچم

پیوست ۴: حوزه اختیارات سطوح حکومت

در دست تهیه ...

موضوع	فدرال	ایالت	شهر	روستا